

۱۴۰۳

سال درخشش ورزش ایران



ویژه‌نامه ورزشی
نـوروز ۱۴۰۳

ایران



سجده و دعا
و الاضاحه و الحج
و الصيام و الزكوة
و الصدقة و العفو
و اللقب و الالباب
مطلب و الالباب

۱۴۰۳

سال نو مبارک

ایران



32	28	24	20	11	9	5	3
							
جیدری: از کشتی خسته‌ام کردند	فرشته کریمی: دوست دارم رونالدوی زنان باشم	حرف نکو دو تا نشد: تا آخرین نفس برای استقلال	اوسمار: آدم خوش‌شانسی هستم!	آرمون: تولا نوا بهترین اتفاق بود	قدوس: فقط قلعه‌نویی به من اعتماد کرد	قلعه‌نویی: یک سال روز و شب نداشتیم	هاشمی: با اساننامه واحد نمی‌توان برای همه فدراسیون‌ها نسخه پیچید
رضازاده: می‌توانستم تالاخازه را شکست دهم	علی داودی: عیدم را ۶ ماه دیگر به مردم می‌دهم	غفور: والیبالی برایم مهم‌تر از عید نوروز است!	محمودی: زن خوب پسر من است و والیبالی در خونش	حدادی: خدا حافظی از تیم ملی؟ دلتنگ شدم اما پشتیبان نه!	هاکان دمیر: خیلی دوست دارم نوروز ایران را بینم	رنگروز: ۴ طلای المپیک را می‌خواهم	کاوه: چاره نداشتیم باید سر مربی تیم ملی می‌شدم!
52	51	44	42	41	38	36	35
							

همکاران:

سردبیر | سیدجواد بشیری
 تحریریه: جانشین سردبیر | سعید آقایی | دبیر تحریریه | فرخ حسابی
 گروه فوتبال: دبیر | امیر اسدی | همکاران | آرمن ساروخانیان، جعفر برزگر، محمد قراگزلو، حمیدرضا عرب، اکبر منتشلو، حامد جبرودی، ناصر قراگزلو، محمد محمدی سدهی، مهدیه دریابیگی، وصال روحانی، ایمان گودرزی
 گروه منهای فوتبال: دبیر | آرش عبیدی | همکاران | محسن وظیفه، رضا عباسپور، مهری رنجبر، فائزه زمانی
 گروه آنلاین: دبیر | مرتضی رضایی | همکاران | پریسا غفاری، علی رضایی | تلگرام | سینا حسینی | اینستاگرام | بهزاد بیرانوند |
 گروه فنی | صفحه آرایی | دبیر: محسن ذاکری | همکاران: علی عباسی، حامد حسینی، محمدرضا طیار، مرتضی طهوری | ادیت و آرشو عکس: مجتبی مرشدی |
 ویراستاری: علیرضا عبدالوند، مسعود قراگزلو، فاطمه غفاری، زهرا آرامی، معصومه مهدوی روشن، مهرداد افشار

ویژه‌نامه نوروز ۱۴۰۳
شناسنامه ایران

- روزنامه صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیرمسئول: محمدحسن روزی طلب ● معاون فنی: محمد ملاعلی اکبری
- معاون اجرایی: هاشم سروش‌پور ● تلفن: ۱۴ - ۸۸۵۰۴۱۳۳ ● شماره: ۸۴۷۱۱۷۳
- مدیر چاپ: بابک اسکندرنیا ● لیوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
- سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳ ● انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲
- امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

بهار ورزش با چاشنی تفکرات حرفه‌ای

سرمقاله

سیدجواد بشیری

سردبیر و سرپرست روزنامه ایران ورزشی

ورزش ایران سال پرتراфик و پرتلاطمی را پشت سر گذاشت. سالی که در آن رویدادهای مختلف و رنگارنگی اتفاق افتاد و در آن نتایج پرفراز و نشیبی را تجربه کردیم. از بازی‌های آسیایی و پاراآسیایی گرفته تا جام ملت‌های آسیا که مهم‌ترین رویدادهای ورزش ایران در سال کهنه بودند. اگرچه جمع‌بندی ورزش ایران در سال ۱۴۰۲ با توجه به تمامی مشکلات و مسائل موجود نمره قبولی می‌گیرد.

کاروان ایران در نوزدهمین دوره بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ هانگزو با ۱۳ طلا، ۲۱ نقره و ۲۰ برنز و مجموع ۵۴ مدال در رده هفتم جای گرفت تا نسبت به دوره قبلی یک پله نزول و ۷ طلای کمتر را تجربه کند. اگرچه این نزول با توجه به شرایط ورزش ایران در طول ۴ سال گذشته

قابل پیش‌بینی بود هر چند که درخشش در برخی از رشته‌ها و به ویژه ورزش زنان این نزول را کم‌رنگ کرد و حتی امیدها را برای درخشش در رشته‌هایی که تا امروز مدعی نبودند زنده کرد. در فوتبال تیم ملی ایران که پس از ۸ سال روی نیمکت خود یک مربی ایرانی را می‌دید، در جام ملت‌های آسیا تا نیمه‌نهایی پیش رفت و در نهایت مغلوب میزبان و قهرمان جام شد تا همان اتفاق دوره قبلی تکرار شود. اگرچه نمایش تیم ایران در این رقابت‌ها به ویژه در بازی درخشان برابر ژاپن در یک چهارم تا حدی غم‌ناکامی را کم کرد اما نرسیدن به فینال و جام سبب شد تا حسرت ۵ دهه‌ای ما در آسیا پابرجا باقی بماند.

در سالی که گذشت شاید مهم‌ترین اتفاق در بدنه تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز ورزش رخ داد و بعد از استعفای حمید سجادی، وزارت ورزش و جوانان به عنوان متولی ورزش جدید خود را شناخت.

انتخاب دکتر رئیسی برای وزارت ورزش یک مدیر کارآزموده و امتحان‌پس داده بود و سکان



در سالی که گذشت شاید

مهم‌ترین

اتفاق در بدنه

تصمیم‌گیرنده و

تصمیم‌ساز ورزش

رخ داد و بعد از

استعفای حمید

سجادی، وزارت

ورزش و جوانان

به عنوان متولی

ورزش کشور

کاپیتان جدید

خود را شناخت

وزارت ورزش و جوانان را به دست کیومرث هاشمی سپرد که مدیری از جنس ورزش است و تمامی چالش‌ها و نارسایی‌های پیش روی ورزش را می‌داند و به خوبی از آن آگاه است. هاشمی البته در همین مدت کوتاه حضور در صندلی وزارت ورزش نشان داد که چه انتخاب هوشمندانه و درستی بوده و با کار شبانه‌روزی و درک صحیح و کامل از حوزه ورزش کوشیده تا اوضاع نابسامان ورزش را بهبود ببخشد. وزیر ورزش و جوانان در همین مدت کوتاه با کلید زدن طرح‌های بنیادین همانند آمایش سرزمینی و تألیف اساسنامه جداگانه و تخصصی برای هر فدراسیون ورزشی مطابق بر الزامات جهانی نشان داده که درد ورزش را می‌داند و برای حل آن برنامه دارد.

همین ثابت می‌کند سال ۱۴۰۳ برای ورزش سال پربارتی خواهد بود. سالی که آوردگاه بزرگ المپیک به عنوان کنکور ورزش پیش روی ماست و انتظار می‌رود با این استراتژی و برنامه‌های جدید ورزش ایران روزهای بهتر و درخشانتری را تجربه کند.





ما اعتقاد داریم هر
فدراسیونی نقش
و ظرفیت خاص
خودش را دارد.
برخی فدراسیون‌ها
المپیک و
برخی دیگر از
فدراسیون‌ها،
صنفاً محسوب
می‌شوند و تعدادی
از آنها هم مثل
فدراسیون پزشکی
ورزشی، نقش
پشتیبان را ایفا
می‌کنند



گفت‌وگوی اختصاصی با وزیر ورزش و جوانان؛

هاشمی: با اساسنامه واحد نمی‌توان برای همه فدراسیون‌ها نسخه پیچید

به نتیجه رساندن آمایش سرزمینی، باقیات الصالحات است

نشویم. دنبال این هستیم این اساسنامه وارد فاز عملیاتی شود اما لازم است ابتدا کارهای حقوقی انجام شود و با استفاده از نظرات بزرگان و پیشکسوتان رشته‌های ورزشی، هر فدراسیونی بتواند اساسنامه واحد و خاص خودش را داشته باشد و آن دغدغه همیشگی که فدراسیون‌ها با مراجع بین‌المللی داشتند رفع شود.
در طرح آمایش سرزمینی در ورزش چه اهدافی دنبال می‌کنید؟

عدالت ورزشی زمانی اتفاق می‌افتد که از ظرفیت آمایش سرزمین استفاده کنیم و به تناسب استعداد های استان‌ها، استاد یوم‌ها و اماکن ورزشی ساخته شوند. لذا بر اساس طرح آمایش سرزمین موظف به انجام کارها هستیم. طرح آمایش سرزمین از موضوعات اساسی ما در وزارت ورزش و جوانان است چرا که با ابلاغ این طرح، تکلیف همه بخش‌ها در بخش مشخص خواهد شد.

اعتقاد داریم عدالت ورزشی زمانی اتفاق می‌افتد که از ظرفیت آمایش سرزمین استفاده کنیم و به تناسب استعداد های استان‌ها، استاد یوم‌ها و اماکن ورزشی ساخته شوند. لذا بر اساس آمایش سرزمین موظف به انجام کارها هستیم. طرح آمایش سرزمین از موضوعات اساسی ماست و ظرف چند ماه باید آن را به نتیجه برسانیم و این باقیات الصالحات برای ماست.

و تا ۱۸ سالگی ادامه خواهد داشت. ما در این طرح دنبال این هستیم که ورزشکار اگر استعداد قهرمانی داشته باشد، تحویل تیم‌های ملی شود و اگر به دنبال سلامتی باشد، با ترویج فرهنگ ورزش این مهم را دنبال خواهیم کرد.

و عده شما در خصوص اینکه هر فدراسیون ورزشی اساسنامه مختص به خودش را داشته باشد باعث امیدواری جامعه ورزش کشور شد...

واقعیت این است که نسخه پیچیدن برای همه فدراسیون‌ها در قالب یک اساسنامه واحد دیگر جواب نمی‌دهد. چنین مسأله‌ای را نه مراجع بین‌المللی می‌پذیرند و نه بخش‌های داخلی خودمان. ما اعتقاد داریم هر فدراسیونی نقش و ظرفیت خاص خودش را دارد. برخی فدراسیون‌ها المپیک و برخی دیگر از فدراسیون‌ها، صنفاً محسوب می‌شوند و تعدادی از آنها هم مثل فدراسیون پزشکی ورزشی، نقش پشتیبان را ایفا می‌کنند. بنابراین داشتن یک اساسنامه واحد برای همه فدراسیون‌ها جوابگو نیست و دنبال این هستیم که با استفاده از ظرفیت‌های حقوقی بتوانیم برای هر فدراسیون ورزشی با در نظر گرفتن دغدغه‌های فدراسیون جهانی‌اش، اساسنامه مختص به خودش را داشته باشیم. البته قوانین و مقررات داخلی را هم لحاظ خواهیم کرد تا ان شاء الله این دغدغه برای همیشه رفع شود و به هیچ وجه دچار چالش با مراجع بین‌المللی

کیومرث هاشمی از روزی که عهده‌دار وزارت ورزش و جوانان شد برنامه‌های جامعی را در حوزه‌های مختلف ورزش کلید زد که مهم‌ترین آنها، استقلال اساسنامه فدراسیون، طرح آمایش سرزمینی و همینطور طرح ملی پیشرفت ورزش بود.

او در گفت‌وگوی اختصاصی با ایران ورزشی درباره این طرح‌ها صحبت کرده است.

در ابتدا در خصوص طرح ملی پیشرفت ورزش صحبت کنید...

ما در برنامه ملی علم پیشرفت ورزش که کلیات آن در شورای عالی ورزش کشور با حضور رئیس جمهور به تصویب رسید، دنبال این هستیم که نقشه راهی را برای بخش ورزش و تربیت بدنی کشور ترسیم کنیم. نقشه راه این راه ما می‌گوید که در ورزش و تربیت بدنی کشور، هر دستگاہی در راستای شرح وظایف خود، اختیارات و وظایفی دارد. ما در جلساتی که برگزار می‌کنیم، مشخص خواهیم کرد هر فردی در راستای کاری خودش باید چه اقداماتی انجام دهد.

در برنامه ملی پیشرفت ورزش، به ورزش پایه توجه شده. یعنی از زمانی که کودک متولد می‌شود، در یک دوره ۶ ساله، حرکات بنیادی که در تربیت بدنی تدریس می‌شوند، به آنها آموزش داده می‌شود. این پروسه در مدارس

حق پخش و میزبانی شهرستان‌ها اتفاقات بزرگی بود تاج: پیروزی برای تیم، شکست برای من

گفت‌وگو

نیکادل امیرزاده
روزنامه نگار

برای اینکه تیمی به موفقیت برسد، تمام ارکان باید دست به دست هم بدهند. مثلاً اگر هدف، موفقیت تیم ملی فوتبال ایران است، فدراسیون فوتبال هم باید بهترین شرایط را تدارک ببیند و تمام امکانات را در اختیار بازیکنان و کادرفنی قرار بدهد. درست مانند اتفاقی که قبل از جام ملت‌های آسیا و در طول این تورنمنت دیدیم و امیرقلعه‌نویی نیز بارها بابت تدارکی که از سوی مهدی تاج و همکارانش فراهم شده بود، تقدیر کرد. بازیکنان و کادرفنی تیم ملی در مصاحبه‌های متعدد خود بارها تأکید کردند که در جام ملت‌های آسیا هرگز مشکل خاصی -پشتیبانی و لجستیکی- را حس نکردند؛ از کمپ مجهز الریان بگیرد که میزبانی از تمرینات تیم ملی را برعهده داشت تا هتل پنج ستاره‌ای که ستاره‌های ایران در آن سکونت داشتند. به لحاظ آرام بودن اردو هم باز به گفته‌های بازیکنان و کادرفنی رجوع می‌کنیم که همگی اعتقاد داشتند بهترین شرایط در اختیار تیم ملی بود. حتی بهتر از برخی تیم‌های متمول که راهی جام ملت‌ها شده بودند تا با آرامش کامل فقط به فکر قهرمانی باشند.

اینکه کادرفنی و بازیکنان فقط به فکر مستطیل سبز و شکست رقیب بودند و دغدغه دیگری جز این نداشتند، نیازمند یک تیم پشتیبانی قوی بود که فدراسیون فوتبال و در رأس آنها مهدی تاج آن را به بهترین شکل انجام دادند. مدیری با تجربه که تلاش بسیاری انجام داد تا بازیکنان و کادرفنی مشکل خاصی را در دو حه احساس نکنند. حتماً این را از تیم خواهید شنید که در این دوره تمام امکانات در اختیار آنها قرار گرفت تا مسیر موفقیت هموارتر از قبل شود. تاج در این مورد می‌گوید: «من سال‌ها در فوتبال مدیریت کرده‌ام و همیشه این عقیده را به بازیکنان رده‌های مختلف و اعضای کادرفنی گفته‌ام که برد و پیروزی متعلق به شماست و باخت برای من. هر چند معتقدم تیم ملی در جام ملت‌های آسیا نتایج خوبی گرفت و در کلیت، بازیکنان و کادرفنی توانستند انتظارات را برآورده کنند.»

از جمله اهداف مهدی تاج و همکارانش در سال ۱۴۰۲ انتقال بازی‌های تیم‌های مختلف ملی به شهرهای دیگری جز تهران بود. رئیس فدراسیون می‌گوید: «۱۰ سال با بیشتر بود که تیم ملی را به شهرهای دیگر نبرده بودیم. زمان کی روش یادم نمی‌آید تیم ملی را به شهر دیگری برده باشیم. فقط یک بار به مشهد رفته بود که آن اتفاقات رخ داد. تیم ملی قبل از جام ملت‌ها در کیش بازی کرد که با استقبال خوبی نیز همراه شد.

در فوتبال ساحلی هم سه بازی در بوشهر انجام دادیم. در فوتسال دوبازی در لار برگزار کردیم. رویکرد فدراسیون این است که تیم ملی را از تهران به شهرستان‌ها ببرد. می‌شود در اصفهان و شهرهای دیگر بازی‌ها را انجام داد. این کار را الان آهسته آهسته شروع کرده‌ایم.»

حق پخش تلویزیونی یکی دیگر از کارهای بزرگی بود که فدراسیون فوتبال در سال ۱۴۰۲ انجام داد. تاج می‌گوید: «خوشبختانه امسال مجرای حق پخش انجام شد که خودش خیلی خوب بود. ورودی بانوان انجام شد، VAR انجام شد، اینها کارهای خوبی است که بعدها می‌شود از آنها استفاده کرد. صداوسیما این کار را انجام می‌دهد، آقای فروغی زحمت کشید نامه‌اش را برای من فرستاد، من هم به مجموعه خودمان فرستادم. به همه بخش‌ها دستور داده شده بود باید به تیم ملی کمک شود و نگاه مثبتی باشد و کار خوبی است که صداوسیما شروع کرده. ما هم با صداوسیما رفتار بسیار خوبی داریم، پول گرفتیم و خوشحال هستیم.»

مهدی تاج درباره تیم ملی هم صحبت می‌کند: «به اعتقاد من تیم ملی پتانسیل قهرمانی در جام ملت‌ها را داشت. ارزیابی‌ام این است که این تیم با این پشتیبانی و برنامه‌ریزی که شده بود، قابلیت قهرمانی داشت. متأسفانه بدشانسی هم آوردیم و نشد که عنوان قهرمانی را به دست بیاوریم. الان هم منتظر برنامه قلعه‌نویی برای جوانگرایی هستیم. ما هم در نظر داریم تیم یک مقدار جوان شود. منتظر برنامه اجرایی قلعه‌نویی هستیم تا ببینیم با چه رویه‌ای می‌خواهد این موضوع را اجرایی و به رفتار تبدیل کند.»



به اعتقاد من تیم ملی پتانسیل قهرمانی در جام ملت‌ها را داشت. ارزیابی‌ام این است که این تیم با این پشتیبانی و برنامه‌ریزی که شده بود، قابلیت قهرمانی داشت. متأسفانه بدشانسی هم آوردیم و نشد که عنوان قهرمانی را به دست بیاوریم. الان هم منتظر برنامه قلعه‌نویی برای جوانگرایی هستیم





مرور ۱۴۰۲ سخت با سرمربی تیم ملی قلعه‌نویی: یک سال روز و شب نداشتیم

گفت و گو

امیر اسدی
روزنامه نگار

یک سال، ۱۹ بازی و فقط یک شکست. این کارنامه درخشان امیر قلعه‌نویی در دومین مقطع حضور روی نیمکت تیم ملی است. مری ۶۰ ساله‌ای که از ابتدای سال ۱۴۰۲ به صورت رسمی روی نیمکت تیم ملی نشست و عملکرد موفق‌تری را به نام خود ثبت کرد. در جام ملت‌های آسیا هم ایران تمام رقبا را یکی پس از دیگری از پیش رو برداشت. از فلسطین و هنگ کنگ بگیرد و به امارات، سوریه و ژاپن برسد. فقط قطر در نیمه‌نهایی و آن بازی سخت توانست ایران را با نتیجه ۳ بر ۲ شکست بدهد و مانعی باشد برای صعود تیم قلعه‌نویی به فینال. شاید اگر تیم ملی از بازی با قطر به سلامت عبور می‌کرد، الان امیر قلعه‌نویی سرمربی تیم قهرمان بود و مورد تمجید اهالی فوتبال قرار می‌گرفت. هر چند از نظر ما و در کلیت جام، قلعه‌نویی و تیمش توانستند عملکرد قابل قبولی به نمایش بگذارند.

امیر قلعه‌نویی که کمتر صحبت می‌کند و بیشتر تمرکزش را روی مسائل فنی می‌گذارد، معتقد است تیم ملی اگر کمی شانس داشت می‌توانست عنوان قهرمانی را به دست بیاورد: «برای چندمین بار بابت عدم قهرمانی از مردم و اهالی فوتبال عذرخواهی می‌کنم. با این حال اگر به گذشته برگردید، کمتر کسی بوده که به نیمه‌نهایی جام ملت‌ها برود و بعد بیاید و بگوید ببخشید. من اما این جسارت را دارم که بابت قهرمان نشدن معذرت خواهی کنم. البته هنوز هم معتقدم اگر فوتبال روی خوش خود را به ما نشان می‌داد، با یک استراتژی مناسب می‌توانستیم حتی به فینال برویم و از سداردن هم عبور کنیم. فوتبال را ما و اگرها هم می‌سازد. نمی‌توانید بگویید فوتبال چرا ندارد، حتماً دارد.»

حدود ۱۰ ماه تلاش امیر قلعه‌نویی و همکارانش به بار نشست. سرمربی تیم ملی از روزهای سختی که گذراند صحبت می‌کند: «من و کادرم شب و روز نداشتیم. ۱۰ ماه شبانه‌روز تلاش کردیم تا بازیکنی از قلم نیفتد و با بهترین مهره‌ها به مسابقات برویم. دانه به دانه مسابقات لیگ و لیگ قهرمانان آسیا را تماشا کردیم و حتی برخی‌های‌شان را چند بار دیدیم. بهترین نفرات را انتخاب کردیم، بدون اینکه حتی یک روز به مرخصی برویم. هر روز جلسات متعددی را ترتیب دادیم تا بتوانیم تورنمنت موفق‌تری را پشت سر بگذاریم. در کلیت هم خوب بودیم اما با اینکه استراتژی‌مان مقابل قطر درست بود باختیم و اسیر اتفاقات شدیم.»

قهرمانی در جام ملت‌های آسیا می‌توانست به بهترین خاطره امیر قلعه‌نویی در سال ۱۴۰۲ تبدیل شود: «روزهای سختی را پشت سر گذاشتیم که می‌توانست با قهرمانی تمام شود. اگر قهرمان می‌شدیم بهترین خاطره من در سال ۱۴۰۲ رقم می‌خورد. با این حال شرایط طوری نبود که این اتفاق بیفتد و متأسفانه برخی انتقادها هم به دور از منطق بود. من آدم نقدپذیری هستم. حتی در طول تورنمنت خیلی از همکارانم با من در تماس بودند و نقطه نظرات خود را اعلام می‌کردند و با آغوش باز آنها را قبول می‌کردم. همیشه معتقدم مرا نقد کنید اما منصفانه. انتقاد منطقی را با جان و دل می‌پذیرم و امیدوارم نتایج ما در آینده طوری باشد که بتوانیم انتظارات را برآورده کنیم.»



برای چندمین بار
بابت عدم قهرمانی از
مردم و اهالی فوتبال
عذرخواهی می‌کنم. با
این حال اگر به گذشته
برگردید، کمتر کسی
بوده که به نیمه‌نهایی
جام ملت‌ها برود و بعد
بیاید و بگوید ببخشید.
من اما این جسارت را
دارم که بابت قهرمان
نشدن معذرت خواهی
کنم

پایان تلخ یک سال آرام برای تیم ملی

جام از دست قلعه نویی لغزید

گزارش

آرمن ساروخانیان
روزنامه نگار

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ بود که امیر قلعه نویی به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد. همکاری فدراسیون فوتبال و کارلوس کی روش بعد از جام جهانی زمستانی به پایان رسید و مهدی تاج با آگاهی از مشکلات مالی فدراسیون تصمیم گرفت نیمکت تیم ملی را به سرمربی ایرانی بسپارد. قلعه نویی جدی ترین گزینه بود و با جدایی از گل گهر برای دومین بار به نیمکت تیم ملی رسید.

او کارش را با دو شعار عمده جوانگرایی و تغییر نگرش تاکتیکی شروع کرد، ولی گذشت زمان نشان داد که برای رسیدن به ایده آل هایش کار خیلی سختی دارد. قلعه نویی بعد از مدتی مدعی شد که با توجه به فاصله کوتاه تا جام ملت های آسیا جوانگرایی را به تأخیری اندازد و تغییر سبک هم نیاز به زمان و بازی های تدارکاتی بیشتری دارد. یکی از دردسرها تیم ملی در مسیر جام ملت ها پیدا کردن حریفان تدارکاتی قدرتمند بود. این مشکل خودش را از همان اردوهای نخست نشان داد. تیم ملی در اردوی فروردین با روسیه و کنیا روبه روست که اولی به دلیل تحریم فیفا گزینه های محدودی دارد و دومی به تازگی از تعلیق خارج شده بود. ایران در اولین بازی قلعه نویی مقابل روسیه در ورزشگاه آزادی نمایش خوبی داشت و به تساوی یک بریک رسید. چند روز بعد هم اولین برد این مربی با نتیجه دو بریک مقابل کنیا ثبت شد.

قهرمانی در کافا

اردوی خرداد ماه تیم ملی به حضور در تورنمنت کافا گذشت. شرکت در مسابقات آسیای میانه منتقدان زیادی داشت و قلعه نویی هم ابتدا چندان موافق نبود، ولی در نهایت تیم ملی با تمام ستارگانش به این تورنمنت تازه تأسیس رفت. بازی های مرحله گروهی مقابل افغانستان و قرقیزستان با بردهای پرگل به پایان رسید و تیم ملی در سخت ترین بازی اش ازبکستان را در فینال با یک گل برد و قهرمان شد.

تیم ملی شهریور ماه به صوفیه سفر کرد و در خانه بلغارستان به برتری یک بر صفر رسید. بازی بعد این اردو در تهران مقابل آنکولا بود که شاگردان قلعه نویی به برتری ۴ بر صفر رسیدند.

فتح تورنمنت اردن

تورنمنت اردن در مهر ماه محک نسبتاً خوبی بود

و تیم ملی بعد از برتری سه بریک مقابل میزبان در نیمه نهایی، قطر کی روش را در فینال با ۴ گل شکست داد. اتفاق تلخ این بازی مصدومیت شدید پورعلی گنجی بود و بعد از جراحی زانو جام ملت ها را از دست داد.

اولین شوک در تاشکند

قلعه نویی آبان ماه اولین بازی های رسمی اش را تجربه کرد. تیم ملی در مقدماتی جام جهانی هنگ کنگ را با ۴ گل شکست داد، ولی در تاشکند مقابل ازبکستان با تساوی ۲-۲ متوقف شد. اتفاق مهم این اردو قهر احمد نوراللهی به دلیل نیمکت نشینی بود که به قیمت خط خوردن او از جام ملت های آسیا تمام شد. خط دفاع تیم ملی هم در تاشکند پراشتباه بود و بعد از این بازی اولین موج انتقادات از عملکرد تیم ملی مطرح شد. البته اعضای کادر فنی معتقد بودند که مصدومیت نیمه اول قدوس نظم و ساختار تیم ملی را به هم ریخت و عامل از دست رفتن برتری بود.

دی ماه جام ملت ها فرا رسید، ولی تیم ملی قبل از شروع تورنمنت دو بازی تدارکاتی داشت که بوركینافاسو را دو بریک و اندونزی را پنج بر صفر شکست داد.

صعود کم نقص از مرحله گروهی

تیم ملی مرحله گروهی جام ملت های آسیا را بدون مشکل پشت سر گذاشت. شاگردان قلعه نویی موفق شدند فلسطین، هنگ کنگ و امارات را ببرند و سرگروه شوند. البته تیم ملی در برابر پرسینگ هنگ کنگ به دردسرافتاد و انتقادهایی از تیم ملی مطرح شد که اعضای کادر فنی را ناراحت کرد. با این حال شکست غافلگیرکننده ژاپن مقابل عراق و عملکرد پرنوسان کره جنوبی در برابر رقبای مرحله گروهی نشان داد که بردهای تیم ملی در مرحله گروهی کم اهمیت نبوده. قطر، ایران و عراق تنها تیم هایی بودند که مرحله گروهی را با ۹ امتیاز به پایان بردند.

عبور از تله هکتور کوپر

پیش از آخرین بازی مرحله گروهی این بحث مطرح شده بود که آیا تیم ملی باید برای برد بازی کند یا با شکست مصلحتی مسیر آسان تری برای مرحله حذفی داشته باشد؟ قلعه نویی اما ترجیح داد با تمام قوا به زمین برود و تیمش سرگروه شد تا در مرحله یک هشتم نهایی با سوریه روبه روست. سوریه که به عنوان تیم سوم و با تنها یک گل زده صعود کرده بود حریف آسانی به نظر می رسید. تیم ملی در این بازی شروع خوبی داشت و بعد از هدر دادن چند موقعیت خوب پهنالنی طارمی در نیمه اول به برتری رسید. در نیمه دوم اما غافلگیری



اگر مبنای بررسی عملکرد قلعه نویی را در پایان سال دو هدف اولیه اش بدانیم، تیم ملی در این مدت تحول چندانی نداشته است.

او با توجه به اهمیت جام ملت ها جوانگرایی را به سال آینده موکول کرد.

ایران مسن ترین تیم حاضر در تورنمنت بود، ولی این تجربه بالا هم نتوانست در لحظات سخت برای موفقیت کافی باشد

بزرگی در انتظار تیم ملی بود. شاگردان هکتور کوپر که با نظم زیادی بازی می کردند در یک لحظه غفلت بازیکنان تیم ملی به پهنالنی رسیدند و خرببین آن را به گل تساوی تبدیل کرد. شوک دوم اخراج طارمی در دقیقه ۹۰ بود تا سی دقیقه پراضطراب در انتظار ملی پوشان باشد. ایران با یک یار کم تر وقت اضافه را کنترل کرد و در ضربات پهنالنی بدون اشتباه بود تا به لطف مهاریک پهنالنی توسط بیرانوند صعود کند.

حماسه شکست سامورایی های آبی

بازی بزرگ تیم ملی در یک چهارم نهایی مقابل ژاپن بود؛ جدالی که پیش از شروع تورنمنت تصور می شد در فینال رخ بدهد. ژاپن با ستارگان پر شمارش و بردهای پرگلی که در بازی های دوستانه به دست آورده بود در قامت مدعی اصلی به قطر رفته بود، ولی شکست مقابل عراق و تزلزل خط دفاع و دروازه باننش تردیدهایی درباره قهرمانی این تیم بوجود آورد. تیم ملی بر خلاف رویه قبل این بازی را با ترکیب و تاکتیکی محتاطانه شروع کرد و کاملاً عقب نشست. با این حال یک لحظه ناهمانگی در ساختار دفاعی به ژاپن فرصت داد که پیش از پایان نیمه اول به گل برسد. بازی در نیمه دوم کاملاً دگرگون شد؛ خط دفاع جلوتر رفت و ارسال توپ های بلند برای آزمون و محبی مدافعان ژاپن را مستأصل کرد. گل تساوی روی همکاری این دو بازیکن زده شد و با ادامه فشار، تیم ملی در دقیقه تلف شده به یک پهنالنی رسید که با ضربه دقیق جهانبخش به گل برتری تبدیل شد. به نظرمی رسید که با این برد و شکست کره جنوبی مقابل اردن در اولین بازی نیمه نهایی، مسیر قهرمانی تیم ملی هموار شده باشد، ولی یک غافلگیری بزرگ در انتظار فوتبال ایران بود.

کیش و مات قلعه نویی به دست مارکز

قطر روی کاغذ حریف ایده آلی بود؛ تیمی که شش بازی قبلی اش را به ایران باخته بود و در ده بازی اخیرش نتوانسته بود برابر تیم ملی به برتری برسد. البته نمایش تنها جمعی میزبان در این تورنمنت هشدار می داد که کار آسانی در انتظار شاگردان قلعه نویی نیست. تینتین مارکز که یک ماه مانده به شروع مسابقات جانشین کی روش شده بود، تیم همانگی داشت که فقط در بازی یک چهارم نهایی مقابل ازبکستان به بن بست رسید و به لطف ضربات پهنالنی صعود کرد.

با گل زود هنگام آزمون تصور می شد که یک برد آسان در انتظار ایران باشد، ولی تیم ملی به دلیل ترکیب اولیه نا مناسب، هماهنگی و کیفیت بازی با ژاپن را نداشت و قطر پیش از پایان نیمه اول با حملات سرریش به دو گل رسید.

قلعه نویی در شروع نیمه دوم ترکیبش را اصلاح



عملکرد تیم ملی در سال ۱۴۰۲

19

تعداد بازی

15

تعداد برد

3

تعداد تساوی

1

تعداد شکست

52

گل زده

14

گل خورده

جام ملت هانشان داد که فعلاً بزرگترین کافی برای چنین سبکی وجود ندارد. از طرف دیگر ساختار دفاعی تیم ملی در بازی های حساس مقابل ازبکستان و قطر پراشتباه بود و نیاز به بازنگری دارد.

دورنمای تیم ملی

تمرکز تیم ملی در سال ۱۴۰۳ روی مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶ خواهد بود. شاگردان قلعه نویی بعد از کسب ۴ امتیاز در دو بازی، فروردین ماه دو بازی رفت و برگشت مقابل ترکمنستان دارند و خرداد ماه باید با هنگ کنگ و ازبکستان بازی کنند.

عبور از این مرحله برای تیم ملی کاملاً در دسترس است و با توجه به اضافه شدن سهمیه آسیا به ۸/۵ تیم بعید است مشکل چندانی برای چهارمین صعود متوالی به جام جهانی وجود داشته باشد، ولی از قلعه نویی انتظار می رود که در دو سال باقی مانده تا جام جهانی بازنیکان جوان تری را وارد فهرست و ترکیب تیمش کند.

طبق گفته مدیران فدراسیون فوتبال، نیمکت تیم ملی در صورت صعود به جام جهانی در اختیار قلعه نویی خواهد بود، ولی تجربه فوتبال ایران نشان می دهد که نمی توان از حالا آن را قطعی دانست. عملکرد قلعه نویی در ماه های آینده کاملاً زیر ذره بین است و رسانه ها و کارشناسان به اندازه سال گذشته با او مهربان نخواهند بود.



بعد از حذف

تیم ملی در یک

چهارم نهایی

جام ملت های

۲۰۰۷ مقابل

کره، قلعه نویی

۱۶ سال بعد

دومین فرصت

برای قهرمانی

آسیا را از دست

داد. او در

بازگشت از

مالزی مدعی

شد که بدون

شکست از تیم

ملی برکنار و

در تلویزیون

محاكمه شده،

ولی این بار

رسانه ها اکثراً

با قلعه نویی

همراه بودند

و در مصاحبه

تلویزیونی از

چالش با او

پرهیز شد

کرد و با اضافه کردن محبی و میلاد محمدی تلاش کرد به چیدمان بازی با ژاپن نزدیک شود. یک پالتی جنجالی به جهانپخش کمک کرد گل تساوی را بزند و بازی با برتری نسبی ایران پیش می رفت، ولی قطر روی سرعت بالای مهاجمانش یک بار دیگر خط دفاع تیم ملی را غافلگیر کرد و معز علی با یک ضربه آرام زمینی میزبان را به گل سوم رساند. قلعه نویی برای فرار از حذف به سمت توپ های بلند رفت، ولی مارکز با اضافه کردن مدافعان سرزن راه حملات هوایی را بست. اگر عقیف که در این بازی به کابوسی برای مدافعان تیم ملی تبدیل شده بود، در دقیقه ۹۱ آخرین ضربه را زد و با فرارش عامل اخراج خلیل زاده شد. تیم ملی در ثانیه های پایانی دو فرصت خوب داشت، ولی ضربات جهانپخش و اسدی گل نشد تا تیم ملی مثل چهار سال قبل پای فینال جام ملت ها ناکام شود. انتقاد دیگر از قلعه نویی بازی ندادن به قایدی بود؛ بازیکنی که در تیم منتخب تورنمنت در قرار گرفت.

از محاکمه تا مامشات

بعد از حذف تیم ملی در یک چهارم نهایی جام ملت های ۲۰۰۷ مقابل کره، قلعه نویی ۱۶ سال بعد دومین فرصت برای قهرمانی آسیا را از دست داد. او در بازگشت از مالزی مدعی شد که بدون شکست از تیم ملی برکنار و در تلویزیون محاکمه شده، ولی این بار رسانه ها اکثراً با قلعه نویی همراه بودند و در مصاحبه تلویزیونی از چالش با او پرهیز شد.

سرمری تیم ملی با چند پارامتر آماری تلاش کرد که از تصمیماتش و نمایش تیم ملی دفاع کند و باخت به قطر را تنها نتیجه بدشانسی و اتفاقات دانست. او با وجود دریافت سه گل از قطر مدعی شد که تیم ملی دومین ساختار دفاعی برتر تورنمنت را داشته. این دفاعیه اما مورد قبول افکار عمومی قرار نگرفت. شاید دیگر هرگز تیم ملی چنین فرصتی نداشته باشد که با شکست دادن قطر و اردن قهرمان آسیا شود، با این حال قلعه نویی مقابل عنابی ها باخت تا انتظار برای رسیدن به فینال و قهرمانی قاره به نیم قرن برسد.

دستاوردهای محدود

اگر مبنای بررسی عملکرد قلعه نویی را در پایان سال دو هدف اولیه اش بدانیم، تیم ملی در این مدت تحول چندانی نداشته است. او با توجه به اهمیت جام ملت ها جوانگرایی را به سال آینده موکول کرد. ایران مسن ترین تیم حاضر در تورنمنت بود، ولی این تجربه بالا هم نتوانست در لحظات سخت برای موفقیت کافی باشد.

ادعای تغییر نگرش قلعه نویی را هم باید در بازی های بزرگ ارزیابی کرد. تیم ملی در این مدت برد های پرکلی داشته، ولی اکثر آنها روبه روی تیم های ضعیفی مثل افغانستان، قرقیزستان و اندونزی به دست آمده است. مهم ترین برد سال گذشته تیم ملی مقابل ژاپن ثبت شد که نتیجه بازی بسته و محتاطانه بود.

ارائه فوتبال هجومی مقابل حریفان تراز اول، مشابه برد هایی که ژاپن مقابل امثال آلمان و ترکیه به دست آورد، دستاورد خیلی بزرگی است، ولی



پرواز از دراگانو به جوزیه مه آتزا

مید این بوشهر در پیکولومینی

گزارش

امیر اسدی
روزنامه نگار

ماجرای مهدی طارمی در سالی که گذشت، پر بود از اخبار ضد و نقیض و البته درخشش های بی شمار. ستاره بوشهری در لیگ پرتغال و بخصوص ۶ ماه ابتدایی سال یکی از بهترین مهاجمان بود. تأثیرگذاری او به حدی بود که خیلی ها لیگ پرتغال را برای او کوچک دانسته و اعتقاد داشتند باید به لیگ معتبرتری کوچ کند. وقتی فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ تمام شد، تابستان داغ نقل و انتقالات فرا رسید. آنجا بود که باشگاه هایی بزرگ برای شکار مهدی اقدام کردند. از منچستر یونایتد و آرسنال بگیرد و به اینتر میلان برسید. یک سال از قرارداد طارمی با پورتو باقی مانده بود و همین بهانه ای شد تا باشگاه پرتغالی به فکر درآمدزایی از انتقال ستاره ایرانی خود باشد.

درآمدزایی در اروپا، برخلاف فوتبال ایران یک عرف است. باشگاه ها بازیکنان جوان و گاهاً با تجربه و آسیایی و آفریقایی را جذب می کنند تا آنها را به شکوفایی برسانند و سپس با مبالغی بالا به باشگاه های بزرگ بفروشند. اتفاقی که بارها نمونه هایش را در فوتبال اروپا دیده ایم. پورتو هم از این قاعده مستثنی نبود. آنها که یک باشگاه مشهور در این بخش محسوب می شوند، برای طارمی هم چنین برنامه ای در سر داشتند. مدیران پورتو به دلیل باقی ماندن یک سال از قرارداد طارمی، برای فروش او مبلغی هنگفت و ۲۰ میلیون یورویی را تعیین کردند که البته باشگاهی حاضر نشد آن را پرداخت کند.

میلان از معدود باشگاه هایی بود که با پورتو پای میز مذاکره نشست اما نتیجه ای جز انتقال طارمی به سن سیرو رقم خورد. میلان قصد داشت مبلغی در حدود ۱۰ میلیون یورو هزینه کند اما پورتو در نهایت رضایت نداد. همچنین ماجرای مدیر برنامه طارمی هم پیش آمد و میلان به همین دلیل ترجیح داد از خیر جذب ستاره خط حمله پورتو بگذرد و به گزینه های دیگر خود فکر کند. طارمی هم با توجه به قراردادی که با پورتو داشت در این تیم ماند تا هم در لیگ پرتغال بازی کند و هم عصای دست سرچیو کونسیساو در لیگ قهرمانان اروپا باشد.

طارمی در لیگ پرتغال و برخلاف سال های قبل توفیق آنچنانی به دست نیاورد. در لیگ قهرمانان اروپا اما مهدی همچنان یک بازیکن کلیدی بود که توانست با درخشش خود نقشی عمده در صعود پورتو به مرحله حذفی ایفا کند. با این حال وقتی جام ملت های آسیا آغاز شد، سرمربی پورتو مجبور شد برخلاف میل باطنی خود تیمش را

بدون طارمی به مصاف رقبای بفرستد. همزمان با آغاز جام ملت های آسیا، طارمی به ۶ ماه پایانی قراردادش با پورتو رسید. بر اساس قوانین نقل و انتقالات فوتبال اروپا، یک بازیکن حرفه ای در ۶ ماه پایانی قرارداد خود می تواند با باشگاه های دیگر مذاکره کند و حتی به توافق رسمی هم برسد.

این اتفاق برای طارمی رخ داد. او با مدیران اینتر مذاکره کرد و وقتی جام ملت های آسیا به پایان رسید، توافق او با روسونری نیز شکل رسمی به خود گرفت. حالا و در شرایطی که مهدی تا تابستان بازیکن پورتو است، می توانیم اینتر میلان را به عنوان تیم بعدی او معرفی کنیم. اینتر از باشگاه های قدیمی و پرافتخار فوتبال ایتالیا محسوب می شود که عناوین بسیاری را در سری آ و همچنین لیگ های اروپایی به دست آورده است. نام ستاره های بزرگی در تاریخ اینتر جاودانه شده و به یادگار مانده که از جمله آنها می توان به جوزیه مه آتزا، خاویر زانتی، آلتوبلی، رونالدو، جوزیه برگومی، ساندرو ماتزولا، والتر زنگا و... اشاره کرد.

اینتر ۱۹ بار در سری آ قهرمان شده و ۳ بار هم لیگ

قهرمانان اروپا - جام باشگاه های اروپای سابق - را فتح کرده. خط حمله این تیم در مقطع کنونی یکی از بهترین خطوط آتش فوتبال اروپا است. خط آتشی متشکل از لاوتارو مارتینز، مارکوس تورام، الکسیس سانچز و مارکو آرناتوویچ. قرار است طارمی جانشین الکسیس سانچز شود. مهاجم کهنه کار اهل شیلی که به روزهای پایانی فوتبال خود نزدیک شده است. طارمی که اهل بوشهر است و ساخت تیم های قدیمی ایران جوان و شاهین، از تابستان به خیابان پیکولومینی کوچ می کند تا دوران بازی اش برای اینتر آغاز شود.

انتظار این است که طارمی در ۳۲ سالگی بتواند بازیکن مهمی برای اینتر باشد. با توجه به حضور همزمان لاوتارو مارتینز و مارکوس تورام، بعید است بازی از ابتدا به ستاره بوشهری برسد اما مهدی نشان داده که توانایی رقم زدن هر اتفاقی را دارد. او اولین بوشهری تاریخ سری آ است و قطعاً برنامه های بسیاری دارد تا هواداران روسونری را روی سکوی ورزشگاه جوزیه مه آتزا شاد کند. اتفاقی که باید تا تابستان منتظرش بنشینیم و بعد منتظر درخشش طارمی باشیم.



بر اساس قوانین نقل و انتقالات فوتبال اروپا، یک بازیکن حرفه ای در ۶ ماه پایانی قرارداد خود می تواند با باشگاه های دیگر مذاکره کند و حتی به توافق رسمی هم برسد





یک کاسب خجالتی که فوتبالیستی حرفه‌ای شد

قدوس: فقط قلعه‌نویی

به من اعتماد کرد

نیکادل اسدی
روزنامه نگار

بازیکن جوانی که به فوتبال علاقه داشت اما نتوانست با باشگاهی قرارداد ببندد، با تصمیم خانواده سراغ شغل جدید رفت و تبدیل شد به یک فروشنده تلفن در سوئد. او در کاسی چندان موفق نبود و به همین دلیل برای آخرین بار بخت خود را آزمایش کرد تا شاید فوتبالیست بزرگی شود. او با مربی خود در ترلبرگ تماس گرفت و از او خواست تا یک بار دیگر در تست فنی شرکت کند. این اتفاق رخ داد و در نهایت و بعد از یک هفته، قراردادی رسمی پیش روی او گذاشته شد تا دوران فوتبال حرفه‌ای برای ستاره‌ای آغاز شود که بعدها به محبوب‌ترین بازیکن لیگ سوئد تبدیل شد.

این قصه سامان قدوس است، ستاره تیم ملی ایران که تا ۱۸ سالگی و با نظر خانواده قصد داشت کار آزاد انجام بدهد و تلفن بفروشد اما آخرین شانس به او رو کرد تا به فوتبالیستی مشهور بدل گردد.

وقتی برای اولین بار نام سامان قدوس برای حضور در تیم ملی ایران مطرح شد، خیلی‌ها شک داشتند که آیا اومی تواند انتظارات را برآورده کند یا نه؟ ستاره آن زمان اوسترسوند سوئد که همراه این تیم در لیگ اروپا حضور داشت و البته پدیده تورنمنت هم محسوب می‌شد. اوسترسوند در لیگ اروپا مقابل آرسنال بازی پایایی انجام داد و قدوس هم با درخشش خود توانست تمجید آرسن و نگر را همراه خود داشته باشد. بعدها قدوس به لوشامپویون رفت و پیراهن امی‌ین را پوشید. اوسترسوند راهی برنتفورد شد و هنوز هم در عضویت این تیم انگلیسی است.

سامان قدوس که در نقل و انتقالات تابستانی از برنتفورد جدا شد و قرار بود راهی تیمی جدید شود، با مصدومیت چند بازیکن دوباره به لیست توماس فرانک برگشت و قرارداد جدید امضا کرد. او برخلاف چند فصل قبل، امسال به ترکیب اصلی برنتفورد هم

رسید و قبل از جام ملت‌های آسیا در پنج دیدار پیاپی لیگ برتر انگلیس مقابل آرسنال، لوتون، برایتون، شفیلد یونایتد و استون ویلا جایگاه ثابتی در ترکیب تیمش داشت و در پست‌های مدافع راست و چپ درخشش قابل توجهی ارائه کرد که نمایش او موجب شد در سه مسابقه حتی تعویض هم نشود.

این نمایش درخشان سامان قدوس در سطح اول فوتبال انگلیس و اروپا، امیر قلعه‌نویی را هم برای درخشش او در جام ملت‌های آسیا امیدوار کرد. سامان که در دوران مربیگری کارلوس کی‌روش و دراگان اسکوچیچ کمتر طعم بازی در ترکیب اصلی تیم ملی را می‌چشید، با حضور قلعه‌نویی به یک بازیکن کلیدی تبدیل شد. قلعه‌نویی بارها به قدوس تأکید کرده که سبک فوتبالش، او را یاد دوران بازیگری خودش می‌اندازد. قدوس در جام ملت‌های آسیا هم یکی از بازیکنان ثابت تیم ملی بود، هر چند ایران نتوانست به فینال رقابت‌ها صعود کند. سامان درباره نقش کلیدی خود در ترکیب تیم ملی می‌گوید: «فکر نمی‌کنم اینطور باشد که من کلیدی‌ترین بازیکن تیم ملی باشم، چون ما بازیکنان بزرگ زیادی در ایران داریم. می‌دانم که خیلی‌ها دوست دارند درباره من

بیشتر بدانند اما راستش را بخواهید من خیلی پسر خجالتی هستم (می‌خندد). همیشه دوست دارم با عملکرد خوبم در تیم ملی باعث خوشحالی هواداران فوتبال و تمامی مردم عزیز ایران باشم. تا زمانی که آنها از سبک بازی من خوشحال و راضی باشند، دوست دارم در تیم ملی حضور داشته و برای آنها بازی کنم.»

قدوس درباره اعتقاد بالای امیر قلعه‌نویی به سبک بازی اش هم صحبت می‌کند: «از زمان دعوتم به تیم ملی توسط آقای کی‌روش من خانواده‌ای جدید و دوستان فوق‌العاده‌ای پیدا کردم که خیلی دوست‌شان دارم. تا عمر خواهیم داشت همیشه رفاقتم را با آنها حفظ خواهیم کرد. در مورد همکاری با مربی‌ها هم باید بگویم که هر ۳ آنها مربیانی متفاوت از یکدیگر اما خوب و باتجربه هستند اما بین آنها سبک و تاکتیک مربیگری امیر قلعه‌نویی را خیلی دوست دارم و بیش از همیشه به خودم نزدیک می‌دانم چرا که احساس می‌کنم می‌توانم خودم را بیشتر از همیشه نشان بدهم. جدا از آن، اعتمادی که امیرخان به من داشتند چیزی است که فکرمی‌کنم مربیان دیگر آن را برابرم انجام ندادند.»

در نقل و انتقالات تابستانی و زمانی که قدوس از برنتفورد جدا شد، شایعه‌های بسیاری درباره انتقال او به لیگ ایران شنیده شد. خودش درباره واقعی یا غیر واقعی بودن آنها اینطور صحبت می‌کند: «خبر. تا به حال از تیم‌های لیگ ایران پیشنهاد جدی دریافت نکرده‌ام. هرچه در رسانه‌ها مطرح شده شایعه بوده است اما در مورد احتمال حضور در لیگ ایران باید بگویم که فعلاً قصدی برای انجام این کار ندارم. اصلاً هم نمی‌دانم در آینده چه اتفاقی رخ خواهد داد چرا که هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست.»

سامان قدوس در تعطیلات تابستان تصمیم گرفت ازدواج کند. او حالا مسئولیت بیشتری در قبال خانواده خود دارد: «واقعاً همینطور است. اگرچه الان مسئولیت بیشتری نسبت به قبل دارم اما تنها چیزی که قبل از یک بازی یا حتی تمرین به آنها فکرمی‌کنم عالی بودن و کسب پیروزی، افتخار آفرینی برای خوشحالی خانواده و همسر است. بدون شک آنها بزرگترین حامیان من در این مسیر مهم و سخت هستند.»



سال متفاوتی که آخرش رؤیایی نشد

جهانبخش: فقط افسوس برای ما ماند

آن هم جام ملت‌های آسیا در قطر بود. جایی که علی جهان و سایر بازیکنان تیم ملی تلاش کردند تا عنوان قهرمانی را به دست بیاورند اما مقابل قطر اتفاقاتی رخ داد که نتوانستند جام را فتح کنند. جهانبخش مقابل ژاپن و قطر از جمله و در وقت‌های تلف شده بازی پشت ضربه پنالتی ایستاد و گل پیروزی تیم ملی را به ثمر رساند. همچنین برابر قطر اتفاقی تکراری رخ داد و باز هم این جهانبخش بود که پنالتی را تبدیل به گل کرد اما ایران نتوانست میزبان را از پیش رو بردارد و به فینال صعود کند. علیرضا درباره شکست تلخ در نیمه‌نهایی و عدم صعود به فینال می‌گوید: «با اینکه مدت‌ها از این اتفاق گذشته اما صحبت کردن راجع به این بازی خیلی سخت است. تمام تلاش مان را کردیم تا به فینال برسیم. بچه‌ها استحقاق بیشتری داشتند. به این گروه از بچه‌ها و کادر افتخار می‌کنم که برای شادی مردم همه تلاش خود را انجام دادیم.» کاپیتان تیم ملی صحبت‌هایش را اینگونه ادامه می‌دهد: «واقعیتش تلاش زیادی کردیم اما در سه لحظه‌ای که انتظار نداشتیم گل خوردیم. با این وجود سعی کردیم تا به بازی برگردیم. شرمند مردم شدیم؛ چیزی که قبل از بازی در ذهن بازیکنان نقش بست، این بود که دل مردم را شاد کنیم. در این روزهایی که آنها به لحاظ معیشتی و اقتصادی شرایط سختی دارند، می‌دانستیم که این فوتبال چقدر می‌تواند روی آنها تأثیر مثبت بگذارد. فقط می‌توانم بگویم شرمند آنها شدیم. تمام تلاش خود را کردیم که دل آنها را شاد کنیم، اما نشد.» تیم ملی حتی با ضربه جهانبخش که به تیر دروازه خورد می‌توانست به بازی برگردد که این اتفاق رخ نداد و حالا فقط افسوسش برای علیرضا باقی مانده است: «در همان لحظه و دو سه صحنه دیگری می‌توانستیم بازی را عوض کنیم اما این چیزها گذشته و فقط آه و افسوس برای مان باقی مانده است. خیلی سخت است که بتوانیم این لحظات را فراموش نکنیم. انتظار زیادی داشتیم که این نسل می‌تواند کارهای بزرگی انجام بدهد و این قهرمانی می‌توانست باعث شود که این نسل جاودانه بماند. همین الان هم فکرمی‌کنم بچه‌ها کارهای بزرگی کرده‌اند، اما متأسفانه تنها چیزی که سمت ما نبود، شانس بود.»

بازی در هلند، یک قهرمانی در لیگ را کم داشت سرانجام به هدف خود با فاینورد رسید و جام را بالای سر برد. بعد از قهرمانی اما شایعات فراوانی درباره جدایی جهانبخش از فاینورد مطرح شد. با توجه به اینکه علیرضا تا تابستان ۱۴۰۳ با فاینورد قرارداد دارد، این بحث‌ها به میان آمد تا شاید فاینورد بتواند از فروش ستاره ایرانی خود درآمدی کسب کند. پاناتینایکوس در سوپرلیگ یونان و همچنین بشیکتاکت در ترکیه باشگاه‌های مطرحی بودند که به استقبال جذب علی جهان آمدند اما در نهایت تصمیم بال ایرانی این بود که در هلند بماند و همچنان پیراهن فاینورد را بر تن کند. همین مسأله باعث شد تا این دو تیم جذب جهانبخش را از دستور کار خارج و گزینه‌های دیگری را جذب کنند. علیرضا که این فصل با بدشانسی‌هایی نظیر مصدومیت‌های گاه و بیگاه هم دست و پنجه نرم کرد، در بخش باشگاهی به یک افتخار دیگر هم دست یافت. یکی از دلایل اینکه علیرضا از فاینورد جدا نشد، تجربه بازی در لیگ قهرمانان اروپا بود. فاینورد با توجه به قهرمانی در لیگ هلند به صورت مستقیم راهی لیگ قهرمانان شد و بر همین اساس جهانبخش این فرصت را داشت تا برای نخستین بار بازی در این تورنمنت معتبر را تجربه کند. اتفاقی که رخ داد و البته او حتی توانست در چمپیونزلیگ گل هم بزند. جهانبخش در مرحله گروهی رقابت‌ها توانست دروازه سلطیک را به زیبایی باز کند و از این حیث نیز نام خود را در تاریخ بنویسد. در رده ملی اما جهانبخش از ابتدای سال که امیرقلعه‌نویی هدایت ایران را برعهده گرفت، یکی از بازیکنان کلیدی تیم ملی بود. قلعه‌نویی اعتقاد ویژه‌ای به جهانبخش داشت و این مسأله را در تورنمنت‌های مختلف نیز نشان داد. آخرین

نیکادل اسدی

روزنامه نگار

سال ۱۴۰۲ برای علیرضا جهانبخش هم موفقیت‌آمیز بود و هم با بدشانسی همراه شد. علیرضا که سه چهار فصل است برای فاینورد در لیگ هلند بازی می‌کند، در سالی که گذشت انواع و اقسام اتفاقات را تجربه کرد. او در اواخر فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ به یک بازیکن کلیدی در ترکیب فاینورد تبدیل شد و با گل‌های حساس و سه امتیازی که به ثمر رساند، یکی از دلایل قهرمانی تیمش در اردیویسه و بعد از سال‌ها بود. فاینورد در شرایطی صدرنشین بلامنازع لیگ هلند بود که از آخرین قهرمانی‌اش سال‌ها می‌گذشت. علیرضا که بعد از سال‌ها





از لورکوزن تا رم با ستاره ایرانی آزمون: تولد نوا بهترین اتفاق بود

پویا یکه تاز

روزنامه نگار

برای چندمین سال پیاپی، سردار آزمون را می توان در زمره بهترین بازیکنان فوتبال ایران قرار داد. مهاجمی که ابتدای سال در عضویت بایرلورکوزن بود و برای این تیم در بوندس لیگا بازی می کرد. سردار در لورکوزن و زیر نظر ژابی آلونسو رفته رفته جایگاه خود را به دست آورد که در تابستان اتفاقات دیگری رقم خورد. ویکتور بونیفیس اهل نیجریه از رویال یونیون بلژیک به لورکوزن رفت تا سردار تصمیم به جدایی بگیرد. از باشگاه های بسیاری نظیر لیون، مarseille و حتی زینت به عنوان مقصد آزمون نام برده می شد اما در انتقالی جذاب، سردار به پایتخت ایتالیا رفت تا پیراهن رم را بپوشد و شاگرد ژوزه مورینیو شود.

در ابتدای حضور سردار، هواداران رم انتقاد های فراوانی را انجام دادند. تیغ نقدها متوجه مسئولان رم بود. هواداران می گفتند میان این همه بازیکن، چرا آزمون؟ سردار اما بی توجه به انتقادها تمرینات خود را به بهترین شکل ممکن انجام داد تا بتواند از دقایق کوتاه حضور خود در ترکیب استفاده کند و جایگاهش را مستحکم. اتفاقی که رخ داد و آزمون با سبقت از آندره آ بلوتی تبدیل به مهاجم اول رم روی نیمکت ذخیره ها شد. با توجه به حضور پائولو دیبالا و روملو لوكاکو، سردار اغلب به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شد و تأثیر خود را روی نتایج گذاشت. تا جایی که مدیران و کادرفنی رم در نقل و انتقالات زمستانی آزمون را حفظ کردند و بلوتی را به بولونیا فروختند.

سردار در این مدت ۲ گل برای رم زده، یک پاس گل داده و یک پنالتی هم گرفته. آماری درخشان در کمتر از ۸۰۰ دقیقه بازی برای رم. حالا هواداران رم جور دیگری درباره سردار صحبت می کنند و هر کجا که می نشینند

از مهاجم ایرانی خود تعریف و تمجید می کنند. نتیجه درخشش سردار این بوده که او برای نخستین بار به ترکیب اصلی راه یافته و البته بحث تمدید دائمی قراردادش نیز به میان آمده. سردار علاقه مند است تا برای سال های طولانی در رم بماند و بازی با پیراهن جالوروسی را تجربه کند. اتفاقی که مدیران و کادرفنی رم هم از آن استقبال می کنند. قرار است مذاکرات انجام شود و در صورت تخفیف لورکوزن برای حق انتقال و همچنین پایین آوردن دستمزد از سوی آزمون، سردار قراردادی دائمی با رم امضا کند.

سردار در رده ملی یکی از بهترین بازیکنان ایران در سال ۱۴۰۲ بود. تعداد گل های او برای تیم ملی در این سال دورقمی شد و همچنین در جام ملت های آسیا نیز آزمون از جمله بازیکنان مهم و کلیدی تیم ملی بود. اوچ هنرنمایی سردار را مقابل ژاپن دیدیم که با پاس گل او همراه بود و همچنین گل زیبایی که مردود اعلام شد. برابر قطر هم آزمون گل اول ایران را زد اما چه سود که در ادامه تیم ملی نتوانست قطر را از پیش رو بردارد و به فینال جام ملت های آسیا صعود کند.

آزمون اتفاقات ریز و درشتی را در رده های ملی و باشگاهی در سال ۱۴۰۲ سپری کرد. خودش در این رابطه می گوید: «یکی از بهترین تصمیماتی که گرفتم، انتقال به رم بود. همیشه بازی های این تیم را وقتی کوچکتر

بودم دنبال می کردم. الان خوشحالم که برای این تیم بازی می کنم. امیدوارم شرایط طوری رقم بخورد که بتوانم سال های زیادی در این باشگاه بمانم. در رده ملی هم متأسفانه نتوانستیم به فینال جام ملت ها صعود کنیم. فقط امیدوارم بتوانیم روزی این نتیجه را جبران کنیم و بتوانیم به مردم هدیه بدهیم.»

سردار امسال پدر شد و تولد دختر خود را جشن گرفت. او می گوید: «این بهترین اتفاقی بود که برای من افتاد. تولد دخترم نوا با هیچ اتفاق دیگری قابل مقایسه نیست و امیدوارم بتوانم پدر خوبی برای او باشم.»



بررسی عملکرد مربیان خارجی لیگ برتر در سال ۱۴۰۲

توقف پرتغالی‌ها پای قله

گزارش

آرمن ساروخانیان
روزنامه نگار

مربیان خارجی در سال‌های گذشته حضور پررنگی در فوتبال ایران داشته‌اند و تأثیرگذار بوده‌اند. از حضور طولانی کارلوس کی‌روش روی نیمکت تیم ملی که بگذریم، تکنیسین‌های خارجی در لیگ برتر هم نقش پررنگی داشته‌اند.

ژوزه مورایس

سپاهان در فصل جاری با ژوزه مورایس یکی از مدعیان قهرمانی است. این مربی پرتغالی فصل قبل به سپاهان پیوست و تیم جذابی ساخت، ولی به رغم گرفتن ۱۰ امتیاز از ۱۲ امتیاز ممکن در برابر حریفان مستقیمش، استقلال و پرسپولیس تنها با یک امتیاز کمتر از سرخ‌پوشان قهرمانی را واگذار کرد. دستیار سابق مورینیو در دومین فصل حضورش تیم پرستاره‌ای بسته و هر نتیجه‌ای جز قهرمانی لیگ حکم ناکامی را خواهد داشت. سپاهان فصل را مقتدرانه شروع کرد، ولی افتی ناگهانی داشت و شش شکست متوالی در لیگ برتر و لیگ قهرمانان این تیم را به شرایطی بحرانی برد، هر چند نمی‌توان محرومیت‌های عجیب بازیکنان به دلیل قوانین مالی لیگ برتر را در این نزول نادیده گرفت. رابطه مورایس و باشگاه بعد از جدایی ساکت به خوبی گذشته نیست و احتمالاً این آخرین فصل حضورش در اصفهان باشد.

پاکو خمس

مربی اسپانیایی با سابقه مربیگری در لالیگا میانه فصل قبل روی نیمکت تراکتور جانشین قربان بردیف شد و خیلی زود توانست سبک فوتبالش مبتنی بر پرس حریف و بازیسازی از عقب زمین را پیاده کند. سرمربی سابق دپورتیوو موفق شد تراکتور را از میانه جدول تارده چهارم بالا بکشد، ولی آنچه عامل تمجید از عملکردش شد، فوتبال مدرن و تهاجمی تیمش بود. خمس حتی به عنوان گزینه مربیگری تیم ملی هم مطرح شد. انتظار می‌رفت که تراکتور در دومین فصل خمس مدعی جدی قهرمانی باشد، ولی از دست دادن مهره‌های کلیدی مثل اسدی، اخباری و محمدی و یارگیری که به ادعای خودش مطابق میل او نبود، این تیم را از کورس قهرمانی کمی دور کرد.

اوسمار ویرا

کمتر کسی فکر می‌کرد که نیمکت پرسپولیس به این برزلی گمنام برسد، ولی بعد از استعفای گل محمدی در نیم فصل باشگاه به دلیل کمبود وقت و مشکلات مالی نتوانست با سرمربی مطرحی به توافق برسد و این مسئولیت را به دستیار یحیی

سپرد. اوسمار به دلیل حضور دوساله در پرسپولیس شناخت خوبی از فضای تیم و فوتبال ایران دارد و بازیکنان هم رابطه خوبی با او دارند.

پرسپولیس در اولین بازی با این سرمربی جدید به آلومینیوم اراک باخت تا تردیدها درباره‌اش بیشتر شود، ولی بعد از آن توانست مقابل تراکتور، ذوب‌آهن و صنعت نفت گچساران به سه برد متوالی برسد. پرسپولیس که در پنجره زمستانی خریدهای خوبی داشته نسبت به نیم فصل اول شاداب‌تر بازی می‌کند و بردها و نمایش خوب هفته‌های اخیر اعتماد به اوسمار را بالاتر برده، ولی باید دید او در بازی‌های سخت از جمله دربی چه عملکردی خواهد داشت.

مارینوس اوزونیدیس

اولین سرمربی یونانی تاریخ فوتبال ایران در شروع فصل جای قلعه نویی و الهویی را روی نیمکت گل‌گهر گرفت. او مربی نسبتاً محافظه‌کار است و شروع آرامی داشت، ولی در نیم فصل دوم به تدریج با گل‌گهر به صدر جدول نزدیک می‌شود. تیم سیرجانی فصل گذشته ششم شد و هر رتبه بالاتری به معنی موفقیت نسبی برای اوزونیدیس خواهد بود.

خوان ایگناسیو

این مربی اسپانیایی بعد از هفته چهارم لیگ برتر به عنوان جانشین علیرضا منصوریان سرمربی فولاد شد. او در یازده بازی لیگ برتر ۴ برد، ۳ تساوی و ۴ شکست داشت و تیمش را از منطقه سقوط تا رده هفتم بالا کشید، ولی بعد از شکست مقابل چادرملو لیگ یکی در جام حذفی پیش از شروع نیم فصل دوم برکنار شد.

لوکاس آلکاراز

این مربی اسپانیایی بعد از نتایج ضعیف مهدی رحمتی برای هدایت تساجی انتخاب شد، ولی بعد از تنها چهار بازی جای خودش را به ساکت الهامی داد. تنها یک امتیاز مقابل پیکان از سه بازی لیگ و شکست مقابل آلومینیوم اراک در جام حذفی به معنی

پایان این همکاری کوتاه بود. او نتوانست عملکرد مؤثری داشته باشد، هر چند نساجی خوب بسته نشده و شاید الهامی هم نتواند به بقای این تیم در لیگ برتر کمک کند.

ریکاردو ساپینتو

این مربی جنجالی پرتغالی فصل گذشته سرمربی استقلال بود و عملکرد فنی و رفتارش موافقان و مخالفان زیادی داشت. او با فوتبال تهاجمی مبتنی بر پرس شدید حریف به بردهای پرگلی رسید و بهترین خط حمله لیگ هم متعلق به استقلال بود، ولی در بازی‌های بزرگ نتایج خوبی نگرفت و تیمش در لیگ بیست و دوم بعد از پرسپولیس و سپاهان سوم شد. ساپینتو با استقلال به فینال جام حذفی هم رسید، ولی در وقت اضافه این بازی پرحاشیه مغلوب پرسپولیس شد. پرخاشگری و درگیری‌های کنار زمین ساپینتو روی وجهه و حتی نتایج استقلال تأثیر منفی گذاشت، و گرنه وزن فنی‌اش آنقدر بالا بود که یک فصل دیگر به او شانس داده شود.

کارلوس هرناندز

این مربی اسپانیایی فروردین سال ۱۴۰۲ و در هفته‌های پایانی لیگ بیست و دوم جانشین حمید مطهری شد. او در پنج بازی لیگ سه شکست و دو تساوی داشت و تنها بردش مقابل پیکان در جام حذفی ثبت شد. نساجی در لیگ برتر ماند، ولی همکاری با هرناندز به خاطر نتایج ضعیفش ادامه پیدا نکرد.





هیچ وقت برای مراسم نوروز کم نگذاشته‌ام مهاجرانی: برای فینالیست شدن فقط شانس نداشتیم

زیبارا در کنار سایر موارد و جزئیات عید به جا آوریم و در مقطعی که سبزی و طراوت با گل های زیبا جلوه‌ای نو و خاص به طبیعت می بخشد از تمام زیبایی هایی که خداوند در اختیار بندگان خودش قرار داده نهایت استفاده را ببریم و دلی تازه کنیم.

سال هاست که در امارات زندگی می کنید. در آنجا هم مراسم عید را به سبک و سیاق ایرانی ها به جا می آورید؟

حتماً این طور است و سالی نیست که یادم بیاید با همسر در مراسم عید کم گذاشته و این عید را به شکل کامل اجرا نکرده باشیم. از سبزی پلو با ماهی و چیدن سفره هفت سین تا به جا آوردن مراسم عید و دید و بازدید ایرانی ها که خوشبختانه در امارات هم تعدادشان کم نیست. ما سعی کردیم که به بهترین شکل ممکن آن را انجام دهیم البته من چون حلاسن و سال دارتر از بقیه هموطنانم در کشور امارات هستم، معمولاً دوستان به جهت لطفی که به من دارند و به عنوان بزرگ تر به دیدار من می آیند اما دو فرزندم هم در آستانه عید اگر در کنارم نباشند حتماً با من تماس گرفته و ضمن تبریک سال نو برای هم بهترین ها را آرزو می کنیم.

قطعاً به دلیل عیدهای زیادی که دیده‌اید سالی پیش آمده که عید را در کنار خانواده‌تان نباشید؟

بله چند بار عید را به دلیل حضور در اردوی تیم ملی و سایر دغدغه هایی که داشتیم در کنار خانواده نبودم اما شاید باور نکنید حتی در محل اردو هم سعی می کردیم با کمترین امکانات مراسم عید را به جا آوریم و در برگزاری این مراسم زیبا کم نگذاریم.

هر سال در دل خود ممکن است اتفاقات زیادی را به همراه داشته باشید!

امیدوارم در سال آتی بهترین اتفاقات برای مردم کشورم رقم بخورد و ایرانی در هر کجا، چه در کشور عزیزم و چه در خارج از کشور که باشد در صحت و سلامت کامل باشد و هیچکس بد نیارد و حال دلش بد نباشد و من به نوبه خودم در سال جدید و ۱۴۰۳ بهترین اتفاق را برای همه ایرانی ها از خداوند منان خواهانم.

در خصوص تیم ملی برای سال جدید چه شرایطی را پیش بینی می کنید؟

به هر حال در مجموع تیم ملی ما در جام ملت‌ها نمایش قابل قبولی را ارائه داد و فکر می کنم اگر کمی شانس بیشتر هم چاشنی تیم ملی ما و عملکرد بازیکنان ما می شد حداقل تیم ما در فینال حضور داشت. برای جام جهانی هم باید بهترین برنامه ریزی و شرایط را فراهم سازیم تا در جام جهانی بعدی هم حاضر شده و نمایش های درخوری را از تیم ملی کشورمان شاهد باشیم.

گفت و گو

ناصر قراگزلو

روزنامه نگار

حشمت مهاجرانی سرمربی اسبق تیم ملی در رابطه با عید نوروز صحبت های جالبی دارد، مردی که چند دهه از عمر خودش را سبزی کرده و قطعاً با تجربه بالایی که دارد قادر است به بهترین شکل ممکن در رابطه با عید باستانی و سنتی ایرانیان به اظهار نظر بپردازد.

حشمت خان دوست داریم نظراتان را در رابطه با هفت سین و عید نوروز جویا شویم.

سفره هفت سین یکی از نمادهای عید نوروز است؛ سفره ای زیبا که هر کدام از سین های آن معنا و مفهوم خاصی دارد از سیروسرکه و سمنو و سنجید تا سین های دیگر که هر کدام معنا و مفهوم خاص خودش را دارد و در دلش یک دنیا معنی و زیبایی نهفته است. عید باستانی بهترین و زیباترین است که قدمت زیادی دارد و خوشحالم که ایرانی ها چه در ایران و چه در خارج از کشور همیشه سعی کرده اند به بهترین شکل ممکن این عید و مراسم آن را به جا آورند و سعی کنند در اجرا و احیای این مراسم که ریشه در اصالت و زیبایی دارد به هیچ وجه کم نگذارند. عیدی که با آغاز بهار شروع می شود و ادامه دارد. در شروع فصل با آغاز بهار همه چیز نو و جدید می شود به همین دلیل هم چه زیباست که اگر کینه و خدایی ناکرده ناراحتی در دل ما اگر احیاناً وجود داشته باشد با شروع عید و تغییر فصل ما هم آن کینه و ناراحتی را از دل خارج کرده و جای آن را به خوبی بدهیم و بعد از خانه تکانی زیبا و تمیزی که وجود دارد و همه چیز را پاکیزه و نو می کنیم و وجود خودمان را هم از هرگونه ناراحتی خالی کنیم و فقط سعی کنیم در عید و شروع سال به مسائل خوب و مثبت فکر کنیم و در دل مان ناراحتی و کدورتی خدایی ناکرده باقی نماند.

در بین سین های هفت سین کدام یک را بیشتر دوست دارید؟

باور کنید من همه سین ها را دوست دارم چون همه آنها زیبایی و معنای خاص خودش را دارد. جدا از هفت سین ما باید به مسائل زیبای عید نوروز و تغییر سال هم توجه ویژه ای داشته باشیم و در واقع بدانیم که با این تحول فصل و زمانی ما باید صله رحم را به جا آوریم و به دیدار اقوام و خویشان خودمان برویم و این سنت



انتخاب تیم منتخب لژیونرها در سال ۱۴۰۲ کار دشواری بود. اینکه باید تمام بازیکنان و عملکردشان را زیر ذره بین قرار داده و یک تیم ۱۱ نفره برمی گزیدیم، کار را کمی سخت کرد اما در نهایت به نام این بازیکنان رسیدیم. هر چند ستاره های دیگری نظیر سعید عزت اللهی، محمد محبی و حتی علی کریمی هم می توانستند در این تیم حضور داشته باشند.

ذره بین روی لژیونرها



مهدی طارمی

سردار آزمون

احمد نوراللهی

مهدی قایدی

سامان قدوس

علیرضا جهانبخش

احسان حاج صفی

محمد امین جزاوی

مجید حسینی

صادق محرمی

امیر عابدزاده



انتخاب تیم منتخب سال ۱۴۰۲ لیگ برتر، آنقدر دشوار است که باید سلاقی مختلف را در نظر گرفت و به یک نتیجه واحد رسید. برای هر پست بودند بازیکنانی که لایق حضور در تیم منتخب بودند اما در نهایت تحریریه ایران ورزشی این یازده بازیکن را برای تیم سال برگزید.

۱۱ ستاره در آسمان لیگ





ماهی قرمز را دوست دارم، چون نشانه شانس است

برانکو: قسمت نبود

به پرسپولیس برگردم

گفت و گو

محمد محمدی سدهی

روزنامه نگار

کشور ما امسال هم مانند سال های گذشته میزبان بازیکنان و مربیان خارجی فوتبال است؛ بازیکنان و مربیانی که در سال اول حضورشان در کشور عید نوروز برای شان مهیم است اما پس از حضور بر سفره هفت سین، نظرات جالبی در خصوص این آیین ایرانی ها دارند. برانکو ایوانکوویچ، سرمربی سابق تیم های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان نامدار فوتبال کشورمان بود. مربی ای که در دوره اول حضورش در تیم ملی مربیگری در تیم های امید و بزرگسالان را تجربه کرد و پس از آن هم به مدت ۵ سال هدایت تیم فوتبال پرسپولیس را برعهده داشت. این سرمربی کروات که به تازگی هدایت تیم ملی فوتبال چین را برعهده گرفته با وجود اینکه ۵ ساله است در کشورمان حضور ندارد، خاطرات خود را از عید نوروز و سفره هفت سین فراموش نکرده است. او در گفت و گو با «ایران ورزشی» این گونه در خصوص مراسم عید نوروز صحبت می کند: «نوروز ریشه در تاریخ کهن ایرانی ها دارد

و نماد نوشدن طبیعت است. نوروز برای ایرانی ها حکم ورود به سال نورا دارد و آنها دوست دارند با آغاز سال جدید مرتب و شیک باشند و حداقل در ظاهر هم که شده نسبت به سال گذشته متفاوت باشند. از رسم چهارشنبه سوری گرفته تا چیدن سفره هفت سین که حتی در هتل ها و فرودگاه ها و مراکز خرید ایران در آستانه سال نو مهیا بود. اتفاق جالب دیگر در سال نوری ایرانی رابطه خوب مردم و دید و بازدیدها و سفرهای شان بود که واقعاً جذاب بود و من به عنوان یک خارجی از این رابطه فوق العاده لذت می بردم.» برانکو در ادامه بیان می کند: «من با هفت سین آشنا هستم و در این بین ماهی قرمز را بیشتر دوست دارم چون نشانه بخت آوری و شانس آوری است. علاوه بر این آجیل را خیلی دوست دارم. در باور مردم باید سفره ای پهن شود از انواع خوراکی ها و نمادهایی با حرف سین البته گل و آینه و ماهی هم هست.»

جام ملت ها یکی از مهم ترین مسابقات سال ۱۴۰۲ بود که در آن مقطع برانکو هدایت تیم ملی عمان را برعهده داشت. او در خصوص حذف تیم ایران از جام ملت ها می گوید: «پیش از جام ملت ها، تیم های برتر این مسابقات آسیا ژاپن، ایران و کره جنوبی بودند. علاوه بر این از عربستان و استرالیا نیز انتظار زیادی می رفت که جزو این تیم های مدعی



فوتبال آسیا در حال رشد است و همه تیم ها کیفیت خوبی دارند. تیم ها ممکن است در سطح بالایی نباشند اما با سازماندهی و آمادگی خوب می توانند تقریباً هر تیمی را شکست زده کنند

باشند اما نتیجه دیگری رقم خورد و هیچ کس انتظار چنین نتیجه ای را نداشت. با حدود ۲۰ سال حضور در آسیا، می توانم بگویم این بزرگترین شگفتی در تاریخ جام ملت های آسیا بود. وقتی همه چیز در نظر گرفته شود به این نتیجه می رسیم که قطر با شایستگی این جام را به دست آورد. باید اشاره کنم که فوتبال آسیا در حال رشد است و همه تیم ها کیفیت خوبی دارند. تیم ها ممکن است در سطح بالایی نباشند اما با سازماندهی و آمادگی خوب می توانند تقریباً هر تیمی را شکست زده کنند.» این مربی نام آشنای فوتبال ایران در خصوص حضورش در تیم ملی چین این گونه صحبت می کند: «قسمت نشد به پرسپولیس برگردم. همه دیدند که در جام ملت های آسیا دو تیم اردن و قطر به فینال صعود کردند و این نشان دهنده پیشرفت فوتبال در قاره آسیاست. من تجربه مربیگری در تیم های غرب آسیا را داشتم و در ایران، امارات، عربستان و عمان مربیگری کردم و این پیشرفت را کاملاً حس کردم. دوست داشتم که در شرق آسیا هم جزو تیم های خوب محسوب می شوند و همیشه تیم های کره جنوبی و ژاپن جزو مدعیان بودند. چین هم پتانسیل خوبی دارد و این تیم می تواند جزو مدعیان آسیایی باشد.»



پسران برانکو، مربیان حال حاضر فوتبال ایران شاگرد اول های کلاس پروفیسور

گزارش

حامد جبرودی
روزنامه نگار



یحیی گل محمدی
که گل تیم ملی
در بازی اول آن
تورنمنت برابر
مکزیک را به ثمر
رساند، قطعاً
گل سرسبد این
مربیان است که
دوران مربیگری
بسیار موفق
داشته است

جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان اگر چه با دو باخت و یک تساوی، پایانی تلخ برای تیم ملی فوتبال ایران داشت اما برای بیشتر ملی پوشان و مربیان آن تیم در سال های بعد، روزهای خوشی را به همراه داشت و به نوعی آنها «عاقبت به خیر» شدند. برانکو ایوانکوویچ که هدایت آن تیم را برعهده داشت، هشت سال بعد، وقتی به ایران بازگشت توانست یکی از درخشان ترین دوران های پرسپولیس را رقم بزند و با سه قهرمانی پیاپی در لیگ، یک جام حذفی، سه سوپر جام و رساندن سرخ ها به فینال لیگ قهرمانان آسیا، این تیم را به افتخارات زیادی برساند. حسین فرکی هم که دستیار این مربی کروات در تیم ملی بود نیز، بعد از تیم ملی موفقیت های خوبی به دست آورد و در لیگ سیزدهم فولاد و در لیگ چهاردهم سپاهان را به قهرمانی رساند تا دو جام پیاپی را در کارنامه مربیگری اش به ثبت برساند اما نگاهی به لیست بازیکنان تیم ملی در جام جهانی ۲۰۰۶، نشان می دهد که بازیکنان آن تیم هم در پایان فوتبال خود وارد چرخه مربیان فوتبال ایران شدند و حالا در زمره مربیان جوان و بعضاً موفق به شمار می روند تا شاگرد اول های کلاس پروفیسور لقب بگیرند.

یحیی؛ مردی با ۹ جام

یحیی گل محمدی که گل تیم ملی در بازی اول آن تورنمنت برابر مکزیک را به ثمر رساند، قطعاً گل سرسبد این مربیان است که دوران مربیگری بسیار موفق داشته است. او پس از دو قهرمانی در جام حذفی و یک سوپر جام با ذوب آهن، در پرسپولیس هم توانست سه قهرمانی در لیگ برتر، یک جام حذفی و دو سوپر جام کسب کند و قرمزها را به فینال لیگ قهرمانان آسیا برساند. او با اینکه در نیم فصل از پرسپولیس جدا شد اما با ۹ قهرمانی قطعاً یکی از موفق ترین مربیان فوتبال ایران است.

مأموریت مهم سهراب

دیگر گل تیم ملی در جام جهانی ۲۰۰۶ را سهراب بختیاری زاده در بازی با آنگولا به ثمر رساند. این مدافع خوش فکر، مربیگری در تیم هایی مانند نفت مسجد سلیمان، امید ایران (دستیار)، استقلال خوزستان و شهر خود را تجربه کرده و حالا هم سرمربی صنعت نفت است. قطعاً نجات آبادانی ها از انتهای جدول و قرار دادن این تیم در یک وضعیت باثبات، مهم ترین مأموریت دوران مربیگری این بازیکن سابق استقلال محسوب می شود.

جواد به دنبال جام لیگ برتر

یکی از نفرات اصلی تیم ملی در آن دوره از جام

جهانی، جواد نکونام بود. هافبک سابق تیم ملی که نشان داده رموز مربیگری را به خوبی بلد است. او پس از رساندن نساجی به لیگ برتر و کسب قهرمانی در جام حذفی و سوپر جام با فولاد، در این فصل هدایت استقلال را برعهده دارد و پس از قرارداد این تیم در سکوی نخست جدول نیم فصل لیگ برتر، می خواهد آبی پوشان را به قهرمانی لیگ بیست و سوم برساند.

مسعود در آغاز راه

هم تیمی نکونام در جام جهانی آلمان و همچنین اوساسونا، مسعود شجاعی، یکی از مربیان جوان این دوره از لیگ برتر است. کاپیتان سابق تیم ملی که به تازگی از فوتبال خدا حافظی کرده، پس از مقطع کوتاهی که به عنوان بازیکن-سرمربی هدایت تراکتور را برعهده داشت، حالا سرمربی هوادار شده و امیدوار است مسیر خوبی که در دوران بازیگری طی کرد را در دوران مربیگری هم طی کند.

محرم، مربی باهوش

محرم نویدکیا یکی از بازیکنان حاضر در لیست جام جهانی ۲۰۰۶ بود اما در آن مسابقات به دلیل آسیب دیدگی که داشت، به میدان نرفت. محرم که پلی میگری خوش فکر بود، حالا هم در مربیگری هوش بالای خود را نشان داده است. او در قامت سرمربیگری

سپاهان اگر چه جام نگرفت اما کاملاً مستحق آن بود و در این فصل هم تأثیر خود را روی نیمکت مس رفسنجان در کوتاه مدت به خوبی نشان داد.

عنایتی جانشین خطیبی

رضا عنایتی یکی از بازیکنانی بود که به کم بازی کردن خود در جام جهانی از برانکو انتقاد داشت. آقای گل سابق لیگ برتر، در مربیگری هوادار را به لیگ برتر آورد ولی در ادامه موفقیتی به دست نیاورد که نقطه اوج آن ناکامی اش به عنوان سرمربی تیم ملی امید بود. عنایتی در این فصل جایگزین رسول خطیبی روی نیمکت پیکان شده که او هم یکی از ملی پوشان ایران در جام جهانی آلمان بود.

آندو و رحمان در تیم ملی

در بین بازیکنان جام جهانی ۲۰۰۶ که حالا در فوتبال ایران مشغول هستند، آندرانیک تیموریان و رحمان رضایی در کادر فنی فعلی تیم ملی حضور دارند و امیر قلعه نویی را یاری می کنند. وحید هاشمیان هم که دستیار مارک ویلموتس و دراگان اسکوچیچ در تیم ملی بود. در رده باشگاهی هم محمد نصرتی دستیار پاکو خمس در تراکتور است و حسین کعبی هم در کادر فنی فولاد حضور دارد. ضمن اینکه آرش برهانی هم سرمربی شهرداری آستارا است.



پرسپولیس در ۱۴۰۲ چه اتفاقاتی را از سر گذراند؟ سال دبل تاریخی، قهر و جدایی!

پرسپولیس سال ۱۴۰۲ را با اتفاقات عجیب و غریبی پشت سر گذاشت اما با نگاهی به آنچه طی ۲۰ سال اخیر در این باشگاه اتفاق افتاده دیگر هیچ چیز در پرسپولیس چندان غیر معمول و عجیب و غریب نیست و هواداران این تیم را غافلگیر نمی‌کند. سال ۱۴۰۲ برای پرسپولیس خیلی خوب شروع شد و با یک اتفاق تاریخی پیش رفت اما این تیم تابستان خوبی را سپری نکرد و مشخص بود که حواشی اوج خواهد گرفت و ممکن است به بدنه تیم قهرمان لطماتی وارد کند. پاییز پرسپولیس پرحاشیه بود و اتفاقات عجیبی در خود داشت و در شروع زمستان آنچه نباید اتفاق می‌افتاد، رخ داد. از میانه زمستان نیز پرسپولیس وارد یک ثبات و آرامش نسبی شد و شرایط در آخرین روزهای سال نسبتاً قابل قبول بود اما دوباره همه چیز تحت تأثیر مشکلات مالی باشگاه، شرایط را به گونه‌ای پیش برد تا تیم قهرمان با مشکلات ابتدایی مواجه شود و حاشیه‌ها دوباره برگردد.

سالنامه

محمد قراگزلو
روزنامه نگار

بهار رویایی، فصل شکستن رکوردها

پرسپولیس در آخرین مسابقه سال ۱۴۰۱ مقابل سپاهان شکست خورد و از حریفانش در جدول عقب افتاد اما در شروع سال جدید همه چیز به شکل دیگری پیش رفت.

پرسپولیس شروعی عالی در سال جدید داشت و هفت بازی پیاپی لیگ از جمله دربی برگشت را برد تا با استفاده از لغزش سپاهان قهرمانی لیگ را به دست بیاورد. این قهرمانی برای یحیی و تیمش به خاطر از دست دادن جام سال قبل از آن در رقابت با استقلال اهمیت بسیاری داشت. همچنین یحیی گل محمدی در رقابت با دومری پرتغالی، ساپینتو در استقلال و مورایس در سپاهان که با توپ پر وارد رقابت‌ها شده و هزینه‌های زیادی برای بستن تیم‌های خود متقبل شده بودند، اهمیت زیادی به عنوان یک مربی موفق ایرانی داشت.

با فاصله کوتاهی از قهرمانی در لیگ، پرسپولیس فینال حذفی را هم از استقلال برد و گل محمدی اتفاق تاریخی سال ۱۳۹۸ با برانکو و سال ۱۳۷۸ با علی پروین را تکرار کرد. با دبل قهرمانی، پرسپولیس به صورت خودکار صاحب سوپر جام هم شد تا درخشان‌ترین فصل یحیی در این تیم رقم بخورد. با این سه جام یحیی گل محمدی تقریباً هر آنچه برانکو در پرسپولیس به دست آورده بود را صاحب شد و تنها با یک سوپر جام کمتری که از موفق‌ترین مربیان تاریخ باشگاهش لقب گرفت.





فنی انجام شد زمینه دیگری برای تقابل و مشکلات بیشتر درویش با یحیی شد تا اختلافات آنها پررنگ تر شود.

داستان جدایی بیرانوند و احتمال انتقالش به استقلال یکی از حاشیه های بزرگی بود که تابستان پرسپولیس را داغ کرد اما سرآرایین نمایش با عقد قرارداد جدیدی با این دروازه بان به پایان رسید. جدایی آل کنیر هم به خاطر پیشنهاد بالاتر سپاهان حاشیه بزرگی بود که هواداران را رودرروی او قرار داد.

شروع فصل با مشکلات مالی، جدایی کریم باقری و نرفتن به اردوی خارجی برای چهارمین سال متوالی نیز تردیدهای بزرگی را نسبت به موفقیت دوباره این تیم به وجود آورد؛ بخصوص اینکه با تعیین سقف قرارداد برای باشگاه اوضاع بدتر هم شد و در حاشیه ای ماجرا به خاطر مالیات قرارداد گولسیانی یک امتیاز از این تیم کم شد که چند ماه بعد برگشت.

تابستان داغ؛ دوباره گلایه، دوباره انفعال

برای تیمی که سه گانه گرفته بود ورود پر قدرت به نقل و انتقالات اهمیت بسیاری داشت و پرسپولیس باید قوی تر می شد اما تعداد خروجی ها با ورودی های تیم هرگز بالانس نشد.

از همان شروع نقل و انتقالات گل محمدی با گلایه از مدیریت باشگاه درخواست شرايطی بهتر برای تیمش داشت و همان روزها گفته شد او بیشتر به سمت اعضای هیأت مدیره و رودرروی درویش قرار گرفته است.

یحیی که قبل تر شایعاتی مبنی بر خستگی و جدایی اش از پرسپولیس شنیده می شد سرکارش برگشت اما مشخص بود از وضعیت نقل و انتقالات رضایت ندارد. پرسپولیس کنعانی زادگان و زاهدی را برگرداند، ریگی را در اختیار گرفت و در پایان نیل باهوئی را به عنوان مهاجم خارجی جذب کرد اما همین خرید باشگاه که بدون هماهنگی با کادر



پاییز؛ از قهر و مقابله تا حذف از آسیا

مهم ترین اتفاق این فصل رودرویی درویش با بازیکنان بود که اتفاقات تلخی را در این تیم به وجود آورد که بی سابقه بود. شروع فصل پاییز و لیگ قهرمانان با استقبال عجیب مدیریت باشگاه پرسپولیس از رونالدو و النصر حواشی عجیبی برای سرخ ها ایجاد کرد و بعد از آن مصدومیت ها و همان ناکارآمدی و انفعال در نقل و انتقالات تابستانی باعث شد پرسپولیس در بازی آخر مرحله گروهی با شکستی ناباورانه مقابل الدحیل از لیگ قهرمانان حذف شود. اتفاق تلخ ترا اما مواجهه هواداران ناراضی پرسپولیس با یحیی گل محمدی بود که با پرتاب بطری خواستار جدایی او شدند و ستون های کاخ امپراتوری او همان روز فرو ریخت.

حاشیه بعدی این تیم حذف جریمه کسر ۱۰ درصد قرارداد بازیکنان بود که باعث اعتصاب چند روزه در تمرینات سپس بیانیه عجیب بازیکنان علیه درویش شد که البته یحیی خودش را از این ماجرا کنار کشید.

پرسپولیس دربی برده را هم در ثانیه های آخر با قضاوتی پرحاشیه و عجیب و تصمیمات عجیب کمک داور ویدیویی با مساوی عوض کرد تا از حریف سنتی عقب بیفتد و همین مسأله باعث شد تا هواداران پرتوقع پرسپولیس یکی از موفق ترین مربیان تاریخ باشگاه شان را به باد انتقاد بگیرند.

زمستان؛ فصل سرد جدایی

در آخرین بازی نیم فصل و در رفسنجان یحیی گل محمدی استعفا کرد. بعد از آن همه تصور کردند این هم مثل قهر و استعفا های قبلی در جهت فشار گذاشتن روی باشگاه برای گرفتن بازیکنان بهتر و امکانات بیشتر است اما گل محمدی جدی بود و بعد از دو هفته از عبور شایعات مختلف سرانجام قراردادش را فسخ کرد و جدا شد.

با جدایی او مدیران باشگاه دنبال گزینه خارجی در حد و اندازه قهرمانی افتادند و دو هفته ای هم با اسم برانکو مانور دادند اما سرآر او شمار دستیار برزیلی یحیی را در مسند سرمربیگری نشانند که با اعتراض شدید هواداران و پیشکسوتان مواجه شد. در عین حال پرسپولیس بعد از چهار سال و نیم بالاخره به اردوی خارجی رفت و موفق شد در ازای دست دادن چهار بازیکن چهار خرید جدید داشته باشد و بعد از تغییرات در کادر فنی با وجود باخت اول در اراک کم کم به ثباتی نسبی برسد و او شمار هم رضایت هواداران و پیشکسوتان را جلب کند.

پرسپولیس در روزهای پایانی سال دوباره به کورس قهرمانی لیگ برتر برگشت اما مطالبات معوقه بازیکنان صدای آنها را در آورد و باشگاه را در چالش دیگر قرار داد، ضمن اینکه بحث مالکیت مشترک و مجوز حرفه ای هم داغ شد تا در اوج مشکلات مالی، بحران دوباره روی این باشگاه سایه بیندازد.



اوسمار لوس ویرا اولین سرمربی برزیلی تاریخ پرسپولیس آدم خوش شانسی هستم!

گفت و گو

محمد قراقرلو
روزنامه نگار

با قربانی شدن دستیاران یحیی گل محمدی بعد از واگذاری رقابت قهرمانی به تیم فرهاد مجیدی، پای مربیان خارجی به کادرفنی پرسپولیس باز شد. ایجت ها شروع به معرفی مربیان مختلف برای پرکردن جای حمید مطهری دستیار اول یحیی به او کردند و گزینه های اروپایی و آمریکای جنوبی مختلفی به گل محمدی پیشنهاد شد. یحیی همراه با دستیاران ایرانی اش رزومه تک تک این افراد را بررسی کرده و در نهایت به این نتیجه رسیدند تا اوسمار لوس ویرا را به پرسپولیس بیاورند. در رزومه اوسمار اولین چیزی که عجیب به نظر می رسید اینک که او هیچ گاه برای مربیگری از برزیل خارج نشده و حالا باید هزاران کیلومتر دورتر چالش تازه ای را آغاز می کرد. اوسمار خیلی دیر به پرسپولیس اضافه شد و یکی، دو هفته اول در تمرین بیشتر نظاره گر بود اما کم کم کار را در درست گرفت و یحیی طراحی تمرین را به او سپرد. بعدتر اوسمار لب خط طولی به یحیی نزدیک می شد و در جریان مسابقه و تغییرات حین بازی به او مشورت می داد تا مشخص شود دستیار اول او این برزیلی کم حرف است که در نشست های مطبوعاتی گزینه حرف می زد. اوسمار برعکس خیلی از برزیلی ها با اینکه از کشورش خارج نشده بود انگلیسی را می دانست اما آنقدر مسلط نبود تا مصاحبه های مطبوعاتی اش و زمانی که جای یحیی به سالن کنفرانس می رفت زیاد حرف بزند ضمن اینکه جایگاهش به عنوان دستیار اجازه بیرون رفتن از مرزهای یک دستیار را به او نمی داد.

اوسمار با پرسپولیس در آخرین روزهای بهار سال ۱۴۰۲ سه گانه ای تاریخی به دست آورد و فصل دوم را به عنوان یک مربی برنده شروع کرد اما تصور نمی کرد در اولین روزهای سال ۲۰۲۴ مسئولیت مهم سرمربیگری در پرتفردارترین تیم ایران به او سپرده شود. اوسمار وقتی سرمربی پرسپولیس شد که حتی بعد از یک سال و نیم حضور در ایران کمتر کسی از او اطلاعات دقیقی از لحاظ فوتبالی و شخصیتی داشت. او در بدو ورود به ایران در هتل اسکان داشت اما حالا در آپارتمانی که باشگاه در منطقه سعادت آباد برایش اجاره کرده زندگی می کند و هر روز مسیر این منطقه در شمال غربی تهران تا کمر بندی آزادگان در حاشیه جنوب غربی پایتخت را با راننده ای که

در اختیارش گذاشته اند طی می کند. اوسمار فرد خوش مشربی است اما با تصور عمومی از برزیلی ها تا حدودی تفاوت دارد. به لحاظ چهره شاید شباهت زیادی به برزیلی های سبزه رو نداشته باشد اما آدم خشکی هم نیست. شخصیتش تلفیقی از مربیان با دیسپلین و منعطف است که بموقع با بازیکنانش گرم می گیرد و اهل خنده و شوخی هم هست. اوسمار به کارش اهمیت زیادی می دهد و یک مربی جدی است. او برای مربیگری وقت می گذارد و فوتبال را با تمام جزئیاتش دوست دارد. به خاطر اهمیتی که به کارش می دهد در کار مربیگری بسیار جدی است و برای تک تک امور فنی پلن دارد و مدام فکری می کند. همسرا و یک دکتر دامپزشک است و در برزیل بیمارستان دامپزشکی دارد اما در یک سال و نیم گذشته تنها دو بار به تهران آمده و کنار لوس ویرا بوده است.

این مربی ۴۹ ساله که فارغ التحصیل رشته تربیت بدنی است در بیست و یک سال مربیگری اش هدایت پرسپولیس را در دست گرفت. او از پاسو فوندو می آید؛ جایی در ایالت ریوگرانده جنوبی در جنوب غربی برزیل. اوسمار فردی معتقد و مذهبی است و نشانه های این ویژگی اش را روی نیمکت پرسپولیس هم بروز داده است. او به سبک مربیان برزیلی شور و نشاط را به مدل بازی پرسپولیس آورده است و با اینکه در بیست سال اخیر تیم سرخ پایتخت هیچ وقت از بازیکن برزیلی شانس نیاروده اما انگار



**اوسمار ویرا انسان
ایده آل گرای
است و در
مربیگری دنبال
اهداف بزرگی
می گردد. روزی
که قصد کرد از
برزیل خارج
شود با خودش
عهد کرد که
باید برای بزرگتر
کردن دنیای
مربیگری اش
چالش های
تازه ای را از سر
بگذراند**

با این برزیلی به همان جاهای خوبی هدایت می شود که قبلاً توسط برانکو ایوانکوویچ و یحیی گل محمدی هدایت شده و رسیده بود. زنا تو آگوستو، پائولینیو، مالکوم، آلیسون بکر، لوئیز آدریانو و البته الکساندر پاتو که در زمستان ۱۴۰۲ بحث حضورش در پرسپولیس مطرح شد از مهمترین بازیکنانی هستند که اوسمار در برزیل با آنها به عنوان مربی کار کرد. اوسمار در مربیگری یک انسان ایده آل گراست و می خواهد چیزی مابین واندربی لوکزامبورگو و فیمل اسکولاری بزرگ باشد. او در دنیای مدرن مربیگری نیز از پپ گواردیولا و یورگن کلوپ پیروی می کند و دوست دارد کاملاً به روز باشد.

اوسمار ویرا انسان ایده آل گرای است و در مربیگری دنبال اهداف بزرگی می گردد. روزی که قصد کرد از برزیل خارج شود با خودش عهد کرد که باید برای بزرگتر کردن دنیای مربیگری اش چالش های تازه ای را از سر بگذراند و حالا در شروع یک دوران حساس و سرنوشت ساز قرار گرفته که فعلاً آغاز خوشی داشته و به نوعی سامبا را به سرزمین سرخ ها آورده است تا بلکه به عنوان اولین سرمربی برزیلی تاریخ پرسپولیس قدم بزرگی برای شروع دوران موفق دیگری در این باشگاه بردارد.

اوسمار درباره حضور در ایران و چالش تازه ای که از سرمی گذراند، گفت: «برایم تجربه خوبی است. با خودم عهد کردم که خارج از برزیل کار کنم. شروع به یادگیری زبان انگلیسی و مطالعه در خصوص سایر لیگ های فوتبالی کردم. آدم خوش شانسی هستم، چون در برزیل اگر ۳ یا ۴ بازی نتیجه نگیرید، بیرون تان می کنند و من فقط ۸ یا ۹ ماه بیکار ماندم. به خاطر همین هم بود که هیچ گاه به کار در خارج از کشور فکر نکردم، ولی بعد این طرح را برای خودم ریختم.»





برزیلی مستعد و کمی هم خوش شانس آن ویرا، این ویرا

گزارش

محسن ذاکری

روزنامه نگار

حدود دو سال قبل وقتی یحیی گل محمدی تصمیم گرفت یک دستیار جدید جانشین حمید مطهری کند، نام اوسمار ویرا برای اولین بار مطرح شد. یک مربی گمنام برزیلی که البته در چند تیم درجه یک و برای چند مقطع کوتاه سرمربیگری هم کرده بود. اوسمار که در تیم‌های برزیلی یک مربی شبیه ناصر الجوه‌ر-مربی عربستانی و همیشه آلترناتیو- بوده، در پرسپولیس دو سال در خشان را همراه با گل محمدی سپری کرد و نقشی مهم در کسب

عناوین قهرمانی این تیم داشت.

بعد از جدایی یحیی گل محمدی، باشگاه پرسپولیس با چند گزینه مذاکره کرد که هر یک بنا به دلایلی منتفی شد. برانکو به پرسپولیس نیامد و تأکید کرد که می‌خواهد استراحت کند اما یکی دو هفته بعد هدایت تیم ملی چین را به دست گرفت. چند مربی دیگر مانند خاوی پریرای اسپانیایی و پتکوویچ سویسی هم با پرسپولیس به توافق نرسیدند تا رضا درویش به اجبار نام اوسمار ویرا را از قوطی در بیاورد. اوسمار در شرایطی که پرسپولیس گزینه‌ای روی میز نداشت، جانشین یحیی گل محمدی شد تا مهم‌ترین مقطع از دوران مربیگری خود را سپری کند.

در بازی نخست، پرسپولیس با اوسمار مغلوب آلومینیوم اراک شد اما در سه بازی بعدی خود در لیگ و جام حذفی توانست مقابل رقبای پیروزی دست یابد. ارائه فوتبال تهاجمی در کنار استفاده درست و صحیح از بازیکنان کلیدی و خریدهای جدید باعث شده تا پرسپولیس متفاوتی را در زمین ببینیم. تیمی که تماشاگرپسند بازی می‌کند و البته با این نمایش کم‌نقص پیشکسوتان را هم به تعریف و تمجید از اوسمار ویرا وادار کرده است. سال‌ها قبل یک مربی برزیلی کم‌نام و نشان جانشین محمد مایلی کهن روی نیمکت تیم ملی ایران شد. مربی به نام والدیرو ویرا که ایران را از بازی حساس با استرالیا دست پر خارج کرد تا تیم ملی بعد از ۲۰ سال بتواند به جام جهانی ۱۹۹۸ صعود کند. آن ویرا هم خیلی مشهور نبود اما توانست رد پای خوبی از خود در فوتبال ایران به جا بگذارد. حالا نوبت همنام و البته هموطن او در پرسپولیس رسیده. مربی جوانی که هم مستعد است و هم کمی خوش شانس. او حرف‌های بسیاری برای گفتن خواهد داشت، به شرطی که اسیر هیاهو نشود و تمرکز خود را روی مسائل فنی بگذارد.



ابتدا پارس جم را در یک چهارم نهایی جام حذفی شکست دهد، با صنعت نفت در لیگ برتر مساوی کند و مس رفسنجان را در شهرش مغلوب سازد اما حسن ختام استقلال در لیگ بیست و دوم برتری ۷ گله مقابل تراکتور بود؛ بردی که در مخیله هیچ کس نمی گنجید و حتی خوشبین ترین پیشگوها نیز نمی توانستند حدس بزنند که استقلال با این تعداد گل از صحنه بازی با تراکتور خارج خواهد شد. استقلال در واقع بزرگترین برد تاریخ رقابت های خود با تراکتور را رقم زد و یکی از مهم ترین بردهایش در لیگ برتر را در تاریخ به ثبت رساند تا پایان متفاوتی در لیگ بیست و دوم رقم بزند و با امیدواری بیشتری به قهرمانی در جام حذفی که هنوز به عنوان یک فرصت در اختیار سایننتو و شاگردانش قرار داشت بنگرند. البته بعد از این بازی حرف و حدیث هایی هم درباره برخی تبانی های احتمالی درباره خلق چنین نتیجه ای در فضای مجازی شکل گرفت اما هیچ یک به اثبات نرسید.

جام دوم هم از کف رفت

تاریخ عدد ۱۰ خرداد سال ۱۴۰۲ را نشان می داد. استقلال لیگ را از دست داده بود اما توانست خود را به سلامت به بازی پایانی جام حذفی برساند. حریف هم تیمی نام آشنا بود؛ پرسپولیس که با قهرمانی در لیگ برتر به این دیدار رسیده بود و از انرژی و روحیه کافی برای خلق یک موفقیت دیگر برخوردار بود. استقلال با سایننتو اما عمیقاً آشنه دستیابی به جام می نمود و آن روزها که استقلال از لحاظ مدیریتی اوضاع آشفته و نابسامانی داشت، قهرمانی در جام حذفی می توانست مرهمی بر زخم ها باشد. استقلال در آن بازی نیز اما به آنچه می خواست نرسید و به رغم آنکه با گل محمد حسین مرادمند در دقیقه پایانی ناگهان زنده شده بود و بازی را به وقت های اضافه برد اما پرسپولیس بار دیگر موفق شد دروازه استقلال را باز کند و با گل دقیقه ۱۱۵ امید عالیشاه باخت دیگری را به آبی ها تحمیل کند. در عرض کمتر از دو ماه استقلال دو بار به پرسپولیس باخت و دو جام را تقدیم رقیب سنتی خود کرد تا همه آمل و آرزوهای سایننتو برای تداوم حضور در این باشگاه درهم بشکند و استقلال یک فصل سراسر ناکامی را بعد از قهرمانی در لیگ بیست و یکم تجربه کند.

ورود پرحاشیه نکونام

۳۰ خرداد ماه و درست در روزهایی که نیاز بود مدیران وقت اقدامات آینده نگرانه ای در راستای حفظ ستاره ها انجام دهند، جواد نکونام سرمربی استقلال شد. تصمیمی که با حواشی بسیار عملی گردید و همه به یاد دارند که برای حضور این مربی روی نیمکت استقلال چه اما و اگرهایی به وجود آمد. بعد از جدایی سایننتو اوضاع به حدی غیرمنتظره پیش می رفت که روشن نبود نکونام تأیید نهایی را برای جلوس روی نیمکت استقلال خواهد گرفت یا خیر. در هر حال با تأیید نهایی این مربی و خواست عمومی هواداران نکونام سرمربی استقلال شد و جای سایننتو پرحاشیه را گرفت اما حقیقتاً تیم قابل ذکری تحویل نکونام نشد و سرنوشت بسیاری از ستاره ها در زمان ورود نکونام به استقلال کاملاً نامشخص بود به طوری که سرمربی آبی ها در اولین مصاحبه خود دست گذاشت روی همین موضوع و صراحتاً اعلام کرد نه وقت کافی برای تمرین دارد و



زشت و زیبای استقلال در ۱۴۰۲

سه جام در یکسال از دست رفت

سالنامه

حمیدرضا عرب
روزنامه نگار

کارنامه استقلال در سال ۱۴۰۲ پر بار نیست و این تیم نتوانست در سالی که گذشت به دستاورد مهمی برسد. استقلال در سال ۱۴۰۲ سه جام را از دست داد و به سبب تغییرات متعدد مدیریتی نتوانست در نهایت کفه ترازو را به سمت و سوی خود سنگین کند. نقل و انتقالات نه چندان موفقیت آمیز و حواشی مربوط به درگیری های لفظی نکونام و خطیر فضای نامناسبی را برای این باشگاه پدید آورد و تنها نقطه امیدبخش سال جاری قهرمانی نیم فصل آبی ها در لیگ بیست و سوم بود که امیدها برای کسب عنوان قهرمانی در فصل جاری را افزایش داده است. در روزهای پایانی سال حذف از دور جدید مسابقات جام حذفی مقابل مس رفسنجان سبب شد آبی ها در یک سال سه جام را از دست بدهند.

اولین باخت سال در دربی

استقلال سال را خوب شروع کرده بود. با برد ۲ بر صفر مقابل ذوب آهن و پس از آن برتری یک گله مقابل



خبرهای ناامیدکننده بعد از ناکامی در رسیدن به جام های قهرمانی اما یکی بعد از دیگری گوش هواداران این باشگاه را آزار می داد. در حالی که انتظار بود بعد از جدایی قابل پیش بینی سایننتو و رفتن این مربی به لیگ قیبرس لا اقل ستاره ها در استقلال حفظ شوند اما مدیران وقت هیچ اقدامی در این راستا انجام ندادند و یکی بعد از دیگری بازیکنان مهم استقلال جدا شدند

آلومینیوم اراک. بازی سوم استقلال مقابل هوادار نیزیکی از آن نتایج عجیب روزهای آغازین سال بود. استقلال موفق شد تیم هوادار را با شش گل درهم بکوبد و با یک امیدواری بالا گام به بازی مهم ابتدای سال برابر رقیب سنتی بگذارد. سه برد پی در پی در روزهای آغازین سال استقلال را با حداکثر امیدواری به میدان دربی فرستاد اما آنچه در دربی رقم خورد با محاسبات آبی ها در تضاد بود و استقلال در تاریخ سوم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۲ با گلی که عیسی آل کثیر وارد دروازه سید حسین حسینی کرد، عملاً شانس های خود برای رسیدن به جام قهرمانی لیگ برتر را از کف داد و بازیکنان با چهره هایی مخموم و غم زده از بازی مهم با پرسپولیس خارج شدند. تردیدی نبود اگر استقلال در این بازی به برتری می رسید استقلال با امید بیشتری به قهرمانی چشم می دوخت اما شکست مقابل پرسپولیس موجب شد استقلال عملاً دیگر هیچ شانس برای قهرمانی خود در لیگ برتر در ذهن متصور نباشد و به بازی های باقی مانده بی تفاوت نگاه کند.

بزرگترین برد تاریخ مقابل تراکتور

بعد از دربی استقلال به خودش بازگشت و با اینکه فایده ای نداشت و پرسپولیس بارش را برای رسیدن به جام قهرمانی بسته بود اما استقلال موفق شد



قهرمان نیم فصل



بیش

در حالی که اوضاع استقلال از لحاظ نیروی انسانی آنچنان امیدبخش به نظر نمی‌رسد اما نکونام و تیمش لیگ را خوب شروع کردند و به رغم آنکه در هفته سوم در اصفهان باختند اما در نهایت موفق شدند نیم فصل را با صدرنشینی به پایان برسانند. استقلال تا قبل از پایان سال موفق شد به نوعی تلافی باخت در اصفهان را سرسپاهان دریاورد و این تیم را در تهران شکست دهد تا همچنان صدرنشین لیگ باشد و به قهرمانی خود در نیم فصل اعتبار بیشتری ببخشد. در واقع استقلال برخلاف پیش بینی‌ها حرکت کرد و در حالی که تصور می‌شد به دلیل در اختیار نبودن ستاره‌های آنچنانی و کوچ دسته جمعی بسیاری از چهره‌ها به اصفهان، سپاهان فاصله خود را با رقیب زیاد کند اما استقلال بود که در نهایت توانست از دیگر رقیب سابق بگیرد و شرایط مطلوبی برای خود در جدول ایجاد کند. اینکه استقلال سال بعد را هم با همین هیبت کلید بزند و به جام قهرمانی برسد، سؤالی است که در اردیبهشت ماه پاسخ روشن خواهد شد و با گذشت زمان پرده‌ها کنار خواهد رفت و ماهیت این تیم مشخص خواهد شد. اگر نکونام بتواند با استقلال صاحب جام شود، اولین سرمربی خواهد بود که در نخستین فصل مربیگری موفق شده جام قهرمانی در لیگ برتر را صاحب شود.



گرفت که البته این بازیکن هم چندان چهره جدیدی برای هواداران این باشگاه محسوب نمی‌شد و جزو بازیکنانی محسوب می‌شود که قبلاً برای استقلال بازی کرده‌است. در واقع استقلال با کمترین تغییرات ممکن وارد فصل جدید شد و در عمل مدیریت نتوانست جای خالی رفته‌ها از این باشگاه را پر کند. خطیر نیز البته ادله خودش را داشت و معتقد بود باشگاه استقلال بدهی انباشته دارد و چندان نمی‌شود روی خریدهای جدید مانور کرد. بیان این موضوع البته سرآغاز چالش‌های تازه میان او و مدیرعامل بود و اولین جرقه‌های اختلافات از همین جازده شد.

آتش بس موقت نکونام و خطیر

اوایل همراه بود که نشست‌ها با حضور نکونام و خطیر و برخی پیشکسوتان استقلال نظیر روشن، جباری، بیانی و عالمی برگزار شد تا این دو چهره تأثیرگذار به دعوای رسانه‌ای خود پایان دهند. پیش از این نشست نکونام و خطیر در محفل کشتی‌گیران نیز حاضر شده بودند اما برای اینکه به این آشتی جنبه رسمی داده شود دو طرف کنار چهره‌های قدیمی استقلال جمع شدند تا دعوای دو طرفه به تیم لطمه وارد نکند. در ظاهر همین گونه هم شد و چند هفته‌ای بین دو طرف سکوت و آرامش حاکم بود اما دیری نپایید که دوباره مصاحبه علیه هم شروع شد و خطیر و نکونام به تنظیمات کارخانه بازگشتند و علیه هم مصاحبه کردند. این درگیری‌ها تا ماه‌های پایانی سال نیز ادامه داشت و نکونام در اوایل اسفند ماه تندترین مصاحبه ممکن را علیه خطیر انجام داد که البته این بار سکوت مدیرعامل را در پی داشت تا آرامش از استقلال سلب نشود و اوضاع به نوعی تحت کنترل باقی بماند. هر چند که هر آن احتمال می‌رود دوباره دو طرف علیه یکدیگر صحبت کنند و حرف‌هایی به زبان بیاورند که دود از سر هر شنونده‌ای بلند کند!

باشگاه استقلال درباره انتخاب علی خطیر به عنوان مدیرعامل استقلال به جمع بندی نهایی رسیدند و معاون سابق استقلال را به عنوان مدیرعامل برگزیدند. انتخاب خطیر بعد از تغییرات مکرر مدیریت استقلال در فصل آتی که به ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۲ کشید تا حدی آرامش بخش بود. استقلال فصل پیش را با آجورلوشروع کرد، سپس فتح‌الله زاده مدیرعامل شد و بعد از او کریمی به عنوان سرپرست موقت کار را پیش برد تا در نهایت قبل از شروع فصل بیست و سوم علی خطیر روی این صندلی لرزان بنشیند. به واقع این تغییرات را بسیاری ریشه بحران‌های این تیم در فصل گذشته که به ماه‌های ابتدای سال کشیده شد می‌دانند و معتقدند اگر این اندازه تغییرات در بخش مدیریت انجام نمی‌شد شاید لااقل استقلال یک جام به دست می‌آورد اما تصمیم‌سازان باشگاه استقلال طوری پیش رفتند که تحولات متعدد به این باشگاه لطمه‌های بسیاری زد و تعدد مدیران که از گذشته نیز با این باشگاه همکاری کرده بودند، به نقطه مطلوبی ختم نشد و استقلال یک فصل سیاه را از این منظر در تاریخ حیات خود به ثبت رساند.

نقل و انتقالاتی که داغ نبود

بخشی از نقل و انتقالات پیش فصل استقلال در دید علی خطیر بود و مدیرعامل جدید فرصت داشت با خریدهای آنچنانی جای خالی بازیکنانی همچون قایدی، محبی و سیلوا را پر کند اما خریدهای استقلال چندان چشمگیر نبود و عملاً تنها بازیکنی که تا حدی سروصدا کرد مهرداد محمدی بود که در نهایت قبل از شروع لیگ بیست و سوم به جمع آبی‌ها ملحق شد. اگر نگاهی به ترکیب استقلال در اولین بازی فصل جدید ببیند ازیم به این نتیجه می‌رسیم که فقط سهرابیان به عنوان بازیکن جدید در ترکیب اصلی استقلال پیش از شروع فصل جای



تاریخ عدد ۱۰
خرداد سال ۱۴۰۲
را نشان می‌داد.
استقلال لیگ را
از دست داده بود
اما توانست خود را
به سلامت به بازی
پایانی جام حذفی
برساند. حریف
هم تیمی نام آشنا
بود؛ پرسپولیس
با قهرمانی در
لیگ برتر به این
دیدار رسیده
بود اما استقلال با
سایپنتو اما عمیقاً
تشنه دستیابی
به جام می‌نمود
و آن روزها که
استقلال از لحاظ
مدیریتی اوضاع
آشفته و نابسامانی
داشت، قهرمانی
در جام حذفی
می‌توانست
مرهمی بر زخم‌ها
باشد

نه اینکه تیمش کامل است و نه حتی تکلیف ستاره‌ها مشخص شده است. با این حال چون نکونام علاقه داشت به هر شکل ممکن مربیگری در استقلال را تجربه کند، با وجود تمام ابهاماتی که وجود داشت، کارش را در استقلال شروع کرد.

جدایی محبی و قایدی

خبرهای ناامیدکننده بعد از ناکامی در رسیدن به جام‌های قهرمانی اما یکی بعد از دیگری گوش هواداران این باشگاه را آزار می‌داد. در حالی که انتظار بود بعد از جدایی قابل پیش بینی سایپنتو و رفتن این مربی به لیگ قبرس لااقل ستاره‌ها در استقلال حفظ شوند اما مدیران وقت هیچ اقدامی در این راستا انجام ندادند و یکی بعد از دیگری بازیکنان مهم استقلال جدا شدند. محمد محبی اولین بازیکنی بود که استقلال را به سمت روستوف ترک کرد. خبر جدایی او در روزهای پایانی تیرماه سال جاری به شدت خشم هواداران استقلال را به دنبال داشت اما این پایان ماجرا نبود. مهدی قایدی نیز چند روز بعد به طور رسمی به تیم الاتحاد کلبای امارات پیوست و شاگرد مجیدی شد. هر چند که از مدت‌ها قبل گفته می‌شد قایدی فصل بعد در استقلال نمی‌ماند اما هواداران این باشگاه دل بسته بودند به اقدامات مدیران این باشگاه تا شاید ستاره‌ها بعد از جدایی سایپنتو در این باشگاه باقی بمانند. تأسف بار اینکه در همین ایام که محبی و قایدی از استقلال جدا شدند، سیلوا نیز که یکی از ارکان اصلی استقلال در خط دفاع بود، از این تیم رفت و شکایتی سنگین را نیز به دوش باشگاه گذاشت تا حس بی‌اعتمادی نسبت به آینده استقلال در ذهن هواداران تقویت شود.

بیرانوند سوهان روح

در عذاب آور بودن تیرماه که گذشت فقط نباید به ماجرای جدایی ستاره‌های فصل پیش اشاره کرد. در داغی تابستان مدیران سابق آبی با اقداماتی نمایشی و تنها به جهت آنکه خود را مشتاق به جذب ستاره‌ها نشان دهند دست روی گزینه‌ای گذاشتند که حقیقتاً ضرورتی هم نداشت این اندازه برای جذب او هیاهو شود. حجت کریمی که قصد داشت با جذب بیرانوند جایگاه خود را در استقلال حفظ کند و فصل بیست و سوم نیز روی صندلی مدیریت این باشگاه بنشیند، به سراغ عل برضا بیرانوند رفت و پیشنهاد بزرگی به این دروازه بان داد. بیرو هم از خدا خواسته از پیشنهاد استقلال نهایت بهره را برد و بعد از ایام طولانی سرکار گذاشتن مدیران استقلال در نهایت با رقمی باور نکردنی قراردادش با پرسپولیس را تمدید کرد تا همین موضوع دستمایه‌ای باشد برای متولیان باشگاه استقلال و حجت کریمی را از این باشگاه کنار بگذارند. به واقع ماجرای بیرانوند وقت زیادی از استقلال در نقل و انتقالات گرفت و بسیاری از کارشناسان آبی هم اعتقاد داشتند تفاوت آنچنانی میان این دروازه بان و سید حسین حسینی وجود ندارد و کریمی اگر چنین پولی داشت باید به سراغ دو ستاره دیگر لیگ برتری رفت و آنها را به خدمت می‌گرفت که عملاً هیچ یک میسر نشد.

خطیر پایانی بر تغییرات سریالی

در تاریخ ۲۳ مرداد ماه سرانجام تصمیم گیران

گفت و گو

هیراد حمیدزاد
خبرنگار

روزهای پایانی خرداد ماه سال ۱۴۰۲ بود که جواد نکونام بعد از طی یک فرآیند طولانی و وقتگیر و در حالی که بارها تا آستانه حذف کامل از میان گزینه های مربیگری در استقلال پیش رفته بود، به عنوان سرمربی استقلال برگزیده شد. نکوگرچه سال های آنچنانی به عنوان بازیکن در ترکیب استقلال دیده نشد و بیشتر عمر خود را خارج از فوتبال ایران (امارات و اسپانیا) سپری کرد اما به سبب علایق عمیق به این باشگاه و موفقیت هایی که در باشگاه فولاد خوزستان به دست آورد، بعد از جدایی ریکاردو وساپینتو به عنوان یک گزینه جدی مطرح و در نهایت در جایگاهی قرار گرفت که بسیاری از بزرگان فوتبال ایران در این پست جلوس کرده بودند.

پیش از به صدا در آمدن سوت آغاز لیگ برخی معتقد بودند که نکونام دچار ریسک بزرگی شده و انتخاب استقلال در فصلی که ستاره هایی همچون قایدی و محبی از این باشگاه کوچ کرده اند، نباید سکان هدایت آبی ها را به عهده می گرفت اما مرد لالیگایی فوتبال ایران بی توجه به این نگرانی هادل را به دریا زد و قدم به باشگاه آرزوهای خود گذاشت تا شاید بعد از قهرمانی با استقلال به عنوان بازیکن (فصل دوازدهم)، این بار در دای سرمربی هم جام قهرمانی را به چنگ آورد و به یکی از معدود چهره های تاریخ این باشگاه (حجازی، پورحیدری، قلعه نویی، مجیدی) تبدیل شود که هم به عنوان بازیکن و هم به عنوان سرمربی جام گرفته است. نکونام برای رسیدن به این هدف بزرگ از همان ابتدای کارش بنای یک سیاست گفتاری منطقی را در پیش گرفت. گرچه او بارها و بارها بر سر مسائل نقل و انتقالاتی با علی خطیر دچار چالش شد و مصاحبه های تندی را علیه مدیرعامل این باشگاه به زبان آورد اما آقای سرمربی همواره در مواجهه با این سؤال که چه سرنوشتی را با استقلال رقم خواهی زد، این پاسخ را داد: «قول قهرمانی نمی دهم اما قول می دهمیم با همه وجود تلاش کنیم تا هواداران خوشحال باشند.»

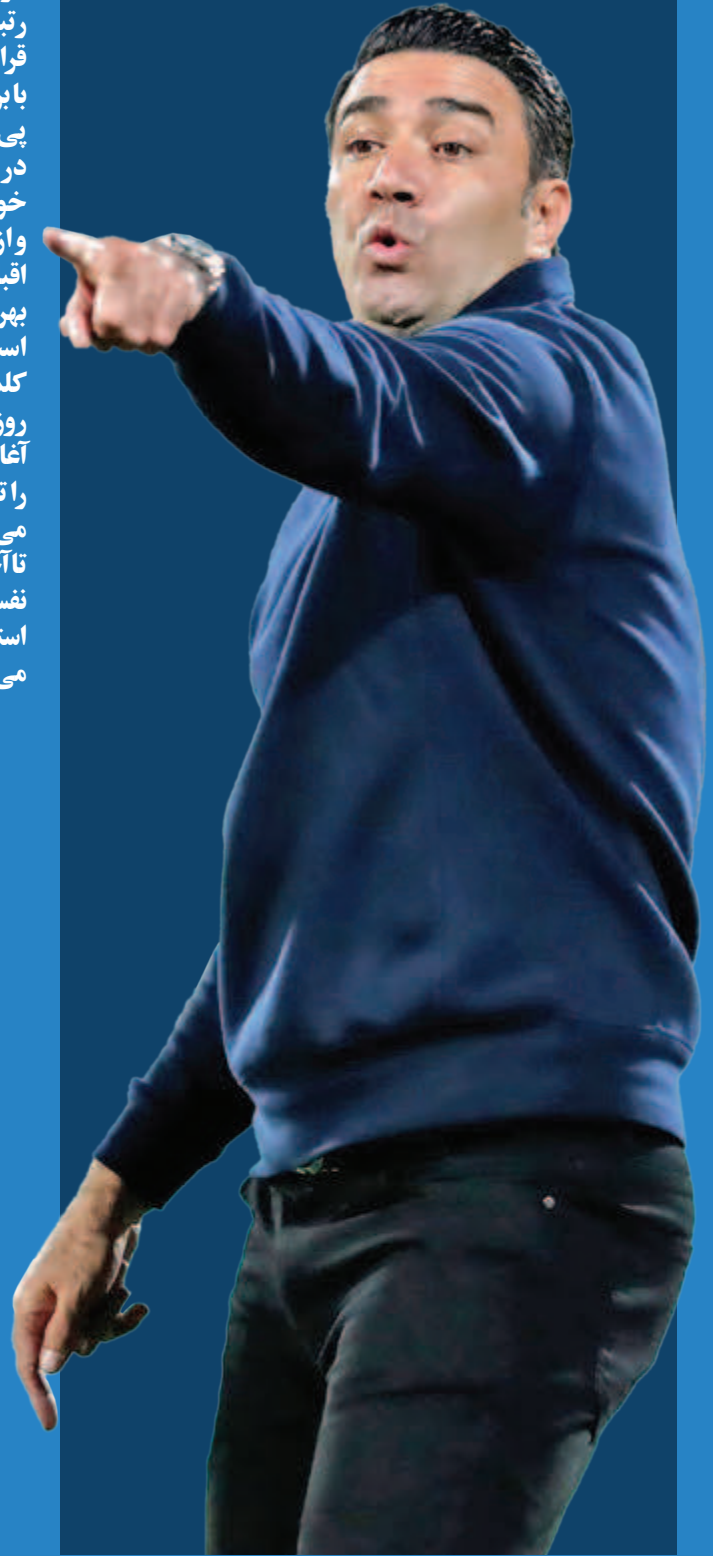
چهره ویژه نیمکت استقلال در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ نیز همان استراتژی روزهای آغازین را در کلامش دارد. نکونام همان است که بود. بدون تغییر در آرایش تاکتیکی اظهاراتش. بعد از گذشت ماه ها از مربیگری او در استقلال و در شرایطی که تیمش در بهترین رتبه ممکن قرار دارد، با بردهای پی در پی در صدر جا خوش کرده و از شانس و اقبال بسیاری بهره مند است، همان کلمات روزهای آغازین را تکرار می کند: «ما تا آخرین نفس برای استقلال می جنگیم.» خطاب به نکونام فقط خودش و بازیکنانش نیستند. او وقتی از واژه «ما» استفاده می کند به این مفهوم کاربردی است که هواداران استقلال در کنار کادرفنی و بازیکنان باشند؛ همچون دست هایی واحد و متصل به هم تا شاید استقلال بعد از یک فصل دوری از جام قهرمانی بار دیگر طعم شیرین جام را بچشد. نکونام نیز به این مهم کاملاً واقف است که استقلال در سالی که گذشت عملکرد مطلوبی نداشت. دو جام ابتدای سال از دست رفت و فرصت دوباره قهرمانی در جام حذفی نیز بار دیگر در روزهای پایانی سال با شکست مقابل مس رفسنجان نابود شد تا فقط لیگ باقی بماند.

هر چند که این از دست رفتن جام حذفی ممکن است یک پیام خوشایند نیز برای نکونام و شاگردانش به همراه داشته باشد چرا که در همه فصولی که استقلال قهرمان لیگ شد، جام حذفی را از دست داد. نکونام تاریخ استقلال را ورق زده و بار دیگر این موضوع را به شاگردانش یاد آور شده که نباید انگیزه شان را از دست بدهند تا شاید همچون فصل پنجم، هشتم، دوازدهم و بیست و یکم که استقلال در جام های حذفی شکست خورد اما در نهایت جام قهرمانی لیگ برتر را به دست آورد، این بار نیز در فصل بیست و سوم همان وقایع شیرین تکرار شود. حذف از جام حذفی چندان برای استقلال خبر بدی نیست. شاید این بار نکو بعد از امیر قلعه نویی که قهرمانی سه باره اش پس از حذف های مکرر از جام حذفی رقم خورد (قهرمانی او در سپاهان هم با همین سیاق بود!) یا فرهاد مجیدی که او نیز به رغم از دست دادن جام حذفی قهرمان لیگ شد، سومین مربی تاریخ باشگاه استقلال باشد که بر سرکوی قهرمانی لیگ برتر تکیه می زند در حالی که جام حذفی را از کف داده است. جمله تکراری آقای سرمربی در تلاش حد اکثری به منزله دشواری های هفته های باقیمانده است. هفته هایی که آقا جواد اینگونه توصیفش کرده است: «در نیم فصل دوم دروازه ها کوچک می شود. نیم فصل دوم یک جنگ تمام عیار است.»



بعد از گذشت ماه ها از مربیگری او در استقلال و در شرایطی که تیمش در بهترین رتبه ممکن قرار دارد، با بردهای پی در پی در صدر جا خوش کرده و از شانس و اقبال بسیاری بهره مند است، همان کلمات روزهای آغازین را تکرار می کند: «ما تا آخرین نفس برای استقلال می جنگیم.»

حرف نکو دو تا نشد: تا آخرین نفس برای استقلال...





دعای سید حسین، پای سفره هفت سین ۱۴۰۳:

شادی هواداران استقلال، خوشحالی مردم ایران...

گفت و گو

حمیدرضا عرب
روزنامه نگار



وقتی کوچکتر بودم، بهترین عیدی که گرفتم کتانی فوتبال بود اما حالا که بزرگتر شده ام، بیشتر عید می‌دهم تا عیدی بگیرم

سال ۱۴۰۲ برای سید حسین حسینی به مانند دیگر استقلالی‌ها خوب شروع نشد؛ شکست در دو دربی که منجر به از دست رفتن دو جام برای استقلال شد، روزهای تلخ و عذاب‌آوری را برای شماره یک آبی‌ها به وجود آورد. حسینی عمیقاً امیدوار بود که به مانند فصل بیست و یکم که از نظر فنی بهترین بازیکن لیگ لقب گرفت و با کلین شیت‌های پی در پی استقلال را به سمت قهرمانی در لیگ برتر پرتاب کرد، در لیگ بیست و دوم هم آن نمایش خیره‌کننده را تکرار کند، اما سرنوشت طور دیگری رقم خورد و استقلال این بار با مربیگری ریکاردو ساپینتونه در جام حذفی توفیقی داشت و نه در لیگ برتر.

از همه اسفبارتر فضای بسیار ترسناکی بود که بعد از به صدا درآمدن سوت پایان بازی‌های استقلال به وجود آمد. همان شب سیاه که استقلالی‌ها امیدوار بودند با قهرمانی در جام حذفی قدری از ناکامی خود در لیگ برتر را کاهش دهند اما شکست در فینال جام حذفی مقابل رقیب سنتی موجب شد بار دیگر فرصت دستیابی به جام از دست برود و پس از این بازی حسینی سیبل شود و تیرانقادات یکی بعد از دیگری به سمت او شلیک شود.

حسینی اما با وجود تمام طعنه‌هایی که از خودی و غیرخودی شنید و پیش از فصل بسیار زجرآوری را تجربه کرد، اما زیر بار سنگین انتقادات تاب آورد و

دوباره با استقلال وارد فصل جدید شد. خودش درباره این بازگشت جمله کوتاهی دارد که همیشه زیر لب زمزمه می‌کند: «همیشه امیدم به خدا بوده و از او کمک خواستم. این بار هم اودستم را گرفت و باعث شد امیدم را برای بازگشت از دست ندهم.» فصل بیست و سوم برای حسینی تبدیل به فصل بازگشت شد تا آن اردیبهشت و خرداد ناخوشایند را به دست فراموشی بسپارد و در نیمه دوم سال به سبب بازی‌های تحسین برانگیز دوباره تبدیل شود به همان شمار یک دلخواه آبی‌ها. شاید آنها که منتظر بودند علی بیرو در فصل جدید شماره یک قفس توری استقلال باشد، با دیدن نمایش حسینی در فصل جدید و اشتباهات مکرری که بیرو در دروازه پرسپولیس و تیم ملی مرتکب شد، به این باور رسیده باشند که در قبال شماره یک آبی دچار چه اشتباهات محاسباتی بزرگی شده‌اند و به سبب نفع‌های غیرمنصفانه و گاه غیرمنطقی سید حسین حسینی را چگونه تا مرز جدایی از استقلال پیش برده بودند.

حسینی خود نیز این روزها به آرامش بیشتری دست یافته است و در تلاش است با همین فرمان لیگ را به پایان برساند و همچون فصل بیست و یکم به یکی از ارکان موفقیت تیمش تبدیل شود. او با وجود ثبت کلین شیت‌های بسیار اما هرگاه با این سؤال مواجه می‌شود که خود را در موفقیت دفاعی فصل جاری چه اندازه سهیم می‌داند، این پاسخ را می‌دهد: «باز هم تکرار می‌کنم که همه تیم در کلین شیت‌ها سهم دارند. عامل کلین شیت‌های استقلال فقط من نیستم. باید از همه بچه‌ها تشکر کرد که خط دفاع محکمی را ساخته‌اند. دست همگی درد نکند. این یک کار جمعی است. ما یک تیم هستیم...»

آیا این ویژگی-ساختار دفاعی کم‌نقص- استقلال را در سال جدید به سمت قهرمانی سوق خواهد داد؟ آیا سید حسین حسینی می‌تواند روند رو به رشد نیمه دوم سال ۱۴۰۲ را حفظ کند و دوباره همان شماره یک رؤیایی باشد؟ پاسخ سید حسین به این سؤال هوشمندانه است: «فقط می‌توانم این آرزو را در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ داشته باشم که بعد از پایان فصل بیست و سوم لیگ برتر که در ماه‌های ابتدای سال جدید است، بتوانیم هواداران مان را خوشحال و شاد کنیم. این مهم‌ترین آرزوی من برای سال جدید است تا آن خاطرات تلخی که ابتدای سال ۱۴۰۲ رقم خورد از ذهن هواداران پاک شود و یک شروع سال رؤیایی را رقم بزنیم.» اینکه حسینی مدام به هواداران تیمش اشاره دارد، برخاسته از حس همیشگی او به کسانی است که به گفته او در تمام این سال‌ها کمکش کرده‌اند. گرچه گاهی ناملامت‌هایی هم بوده و جریان‌هایی سید آبی را مورد آماج حملات بی‌رحمانه و نقد‌های تند قرار دادند اما شماره یک استقلال بی‌توجه به آنچه در ماه‌های آغازین سال ۱۴۰۲ بر او گذشت، آرزوی کند همه مردم ایران فارغ از رنگ‌ها و دلبستگی‌ها در سال جدید روزهایی خوش و سراسر امیدواری را تجربه کنند.

سید حسین حال خودش را در آستانه تحویل سال و فرا رسیدن بهاری تازه را این‌گونه برابریان به تصویر می‌کشد: «حال و هوای عید همیشه شیرین و جذاب است. همه انرژی‌های خوبی دارند بخصوص قبل از رسیدن عید نوروز که من این روزها را بیشتر دوست دارم. امیدوارم که مردم ایران در سال جدید بهترین‌ها نصیب شان شود. شاد باشند و این سختی‌ها و دشواری‌ها تمام شود. به امید روزهای بهتر برای مردم ایران...»

آرزوهای دروازه‌بانی که از دل مردم به تیم ملی رسید میرجلیلی: گل به تاهیتی بهترین صحنه عمرم بود

گفت‌وگو

محمد محمدی سدهی
روزنامه نگار



شاید پیش از برگزاری جام جهانی فوتبال ساحلی نام مهدی میرجلیلی، دروازه‌بان دوم فوتبال ساحلی رانشنیده باشد؛ دروازه‌بانی که در امارات فوق العاده ظاهر شد و با وجود ۲۴ سال سن راه زیادی برای چهره شدن دارد. او در جام جهانی ۲ گل زد و گل زیبایی او مقابل تاهیتی باعث شد تا فیفا از میرجلیلی تمجید کند. میرجلیلی از آرزوهای خود در سال ۱۴۰۳ صحبت می‌کند، آرزویی که تنها مختص خودش نیست و به تمام مردم کشورمان اختصاص دارد.

دروازه‌بان دوم تیم ملی در خصوص عملکردش در سال ۱۴۰۲ می‌گوید: «سال فوق العاده‌ای راپشت سرگذاشتم و در ابتدای سال با تیم ملی قهرمان آسیا شدم و به عنوان بهترین دروازه‌بان این مسابقات معرفی شدم. علاوه بر این توانستم به عنوان بازیکن لژیونر در لیگ روسیه بازی کنم و سهمیه المپیک ساحلی را با تیم ملی کسب کنم. مسابقات کسب سهمیه در روسیه برگزار شد و تیم ملی ما با وجود شایستگی فراوان با ناداوری نایب قهرمان این مسابقات شد و روسیه به عنوان قهرمانی رسید.»

او که در جام جهانی پیراهن شماره ۱۲ را به تن کرده بود، صحبت‌هایش را اینگونه ادامه می‌دهد: «در روسیه هم با وجود حضور بهترین دروازه‌بان‌های دنیا به عنوان بهترین دروازه‌بان مسابقات انتخاب شدم. پس از پایان لیگ روسیه به ایران آمدم و با یک پیشنهاد خوب مالی در لیگ بازی کردم. در واقع سال ۱۴۰۲ پر از اتفاقات خوب بود و تنها اتفاق بد برای من مصدومیتی بود که باعث شد ۲ ماه خانه‌نشین شوم اما خوشبختانه در آستانه مسابقات جام جهانی مصدومیتم برطرف شد و توانستم در این مسابقات معتبر همراه تیم ملی باشم.»

این دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ساحلی در خصوص کسب عنوان سومی در جام جهانی می‌افزاید: «کل دنیا پتانسیل تیم ملی را در جام جهانی دید. ما در این مسابقات عملکرد خوبی داشتیم و تنها برزیل توانست ماراشکست دهد. پیروزی مقابل تیم‌های حاضر در این مسابقات بسیار سخت بود اما ما توانستیم برای دومین بار روی سکوی سومی دنیا بایستیم و مطمئن هستیم که می‌توانیم در آینده‌ن چندان دور به سکوهای بالاتر برسیم. بهترین مسابقاتی که تیم ملی حاضر شد، مسابقات آسیایی بود که ما توانستیم در این مسابقات هر ۶ بازی مان را با پیروزی به پایان برسانیم. در فوتبال ساحلی مهم‌ترین پست دروازه‌بانی است چرا که هشتاد درصد مالکیت توپ در اختیار دروازه‌بان است. به این دلیل تیم‌ها باید یک دروازه‌بان خوب داشته باشند تا بازیکنان را سازماندهی کند.»

میرجلیلی در خصوص گلزنی در جام جهانی می‌گوید: «صحنه گلی که به تاهیتی زدم، بهترین صحنه تمام عمرم بود. ما در این بازی ۲ گل عقب بودیم که گل اول را بهزادپور و گل دوم را من به ثمر رساندم. پس از گل مساوی بود که توانستیم مجدداً به این تیم گل بزنیم و

در نهایت ۳-۵ این تیم راشکست دهیم. دیدار با تاهیتی برای ما اهمیت زیادی داشت چرا که در صورت پیروزی مقابل این تیم به عنوان تیم اول از مرحله گروهی صعود می‌کردیم.»

او صحبت‌های خود را اینگونه ادامه می‌دهد: «گلزنی دروازه‌بان‌های تیم ملی یکی از تاکتیک‌های جدید ما برای گلزنی است. عملکرد ما در جام جهانی باعث شد تا فیفا از دو دروازه‌بان تیم ملی تجلیل کند. خود فیفا در گزارشی اعلام کرد که بجز دروازه‌بان‌های ایران، دروازه‌بان‌های تیم‌های دیگر ساکن هستند و ۲ دروازه‌بان ایرانی حتی از خیلی بازیکنان حاضر در جام جهانی لمس توپ بیشتری داشتند. حرکات ما رو به جلو بود و دائماً در حال پاس دادن به هم‌تیمی‌های مان بودیم.»

چهره درخشان فوتبال ساحلی در جام جهانی در خصوص عید نوروز اینگونه صحبت می‌کند: «هیچ‌گاه در هنگام تحویل

سال خانه نبودم و اکثر اوقات در اردوهای تیم ملی حضور داشتم. البته این تنها مختص من نیست و بچه‌های دیگر هم چنین شرایطی داشتند و حتی در هنگام تولد فرزندشان در اردو بودند. برای تمام هموطنانم در سال ۱۴۰۳ آرزوی سلامتی دارم و امیدوارم که مشکلات‌شان برطرف شود. تمام بازیکنان فوتبال ساحلی از دل مردم هستند و در سال‌های اخیر توانستند بدرخشند.

من خودم فوتبال را از کوچه‌های خاکی شروع کردم و بدون چشم‌داشتی برای بالارفتن غرور مردم کشورم تلاش می‌کنم.»



هیچ‌گاه در هنگام تحویل سال خانه نبودم و اکثر اوقات در اردوهای تیم ملی حضور داشتم. البته این تنها مختص من نیست و بچه‌های دیگر هم چنین شرایطی داشتند و حتی در هنگام تولد فرزندشان در اردو بودند.





دروازه‌بانی که عامل دوستی ۲ خانواده شد

بهزادپور: ۱۱ سال است روزی ۱۰۰ شوت می‌زنم

را ببرند اما ما در زمین جواب‌شان را دادیم. « او در خصوص گلزنی خود می‌گوید: «گل‌های زیادی در لیگ ایران و روسیه زدم و در واقع سبک خاص دروازه‌بانی من به گونه‌ای است که توان بالایی در شوتزنی دارم. همین موضوع باعث می‌شود تا در هر مسابقه‌ای شوت بزنم و شوت‌هایم به گل تبدیل شود. در قانون جدید فوتبال ساحلی گلر نقش ویژه‌ای دارد و هر تیمی که گلر شوتزنی داشته باشد می‌تواند به برد برسد. تیم ما هم دو تا گلر گلزن داشت.»

بهزادپور صحبت‌های خود را اینگونه ادامه می‌دهد: «گلزنی دروازه‌بان‌ها کار ساده‌ای نیست چرا که دروازه‌بان هم باید مراقب دروازه باشد و هم اقدام به شوتزنی کند. موفقیت دروازه‌بان‌های تیم ملی در گلزنی، حاصل تلاش یک یا دو سال نیست و من ۱۱ سال است که اینگونه بازی می‌کنم و در هر تمرین حدود ۱۰۰ شوت می‌زنم و در واقع شوت زدن ملکه ذهن من شده است و این به هیچ وجه کار ساده‌ای برای دروازه‌بان‌ها نیست.»

دروازه‌بان شماره یک تیم ملی در خصوص خاطرات تلخ و شیرینش از عید نوروز بیان می‌کند: «خاطرات زیادی دارم. من در یزد و شهرستان مهریز به دنیا آمدم، سال گذشته در شهرمان ۲ راننده بر سر جای پارک با همدیگر دعوا گرفتند و من با دیدن این صحنه بلافاصله خودم را به صحنه رساندم. در هنگام دعوا یکی از فرزندان راننده من را شناخت و در همان لحظه کت پدرش را کشید و من را معرفی کرد. این دو خانواده بعد از اینکه من را شناختند، شماره تلفنم را گرفتند و حالا در حدود یک سال است که رفت و آمد خانوادگی دارند. این یکی از خاطرات خوب من از عید نوروز بود. خوشبختانه توانستم عامل دوستی ۲ خانواده شوم.»



اما من به عنوان دروازه‌بان توانستم به این عنوان برسیم و این برای من افتخار بزرگی است. سایت فیفا هم در این خصوص گزارشی منتشر کرده و این نشان می‌دهد که ۱۴۰۲ سال خوبی برای من بود و امیدوارم که سال جدید هم برای من و هم تمام مردم کشورمان خوب باشد.»

این دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ساحلی بیان می‌کند: «جام جهانی فوتبال ساحلی کیفیت بالایی داشت و تمام تیم‌های حاضر در این مسابقات قدرتمند بودند. ما در گروه بسیار سختی حضور داشتیم و شاید هیچ کس فکرش را نمی‌کرد که تیم ایران از این گروه صعود کند. گروه ما به گروه مرگ معروف بود و همه تیم‌ها گروه ما را گروه مرگ می‌دانستند. معمولاً مسابقات مهم در امارات برگزار می‌شود و ایرانی‌های زیادی از ما حمایت می‌کنند. البته اماراتی‌ها تماشاگران ایرانی را در جام جهانی اذیت کردند و به آنها بلیت ندادند. آنها همه کار کردند ما

نگاه فنی

مجتبی حسین مرشدی
روزنامه نگار

تیم ملی فوتبال ساحلی کشورمان یکی از تیم‌هایی بود که سال ۱۴۰۲ با حضور روی سکوی سومی خوش درخشید. در این بین حمید بهزادپور، دروازه‌بان شماره یک تیم ملی یکی از بازیکنان تأثیرگذار تیم بود که برخلاف دروازه‌بان‌های سایر تیم‌ها هم گل زد و هم پاس گل داد. دروازه‌بان ۳۶ ساله فوتبال ساحلی با تیم ملی چهار بار قهرمان مسابقات جام بین قاره‌ای به میزبانی کشور امارات شد. او می‌خواهد در سال ۱۴۰۳ روند خوب خود را ادامه دهد و با تیم ملی به افتخارات زیادی دست یابد.

شماره یک تیم ملی در خصوص عملکردش در سال ۱۴۰۲ اینگونه صحبت می‌کند: «از همان نوروز سال ۱۴۰۲ کارمان شروع شد و فقط به فکر تمرین کردن بودیم. در زندگی ورزشی و حتی شخصی‌ام تنها به جام جهانی فکرمی‌کردم تا بتوانم در این مسابقات معتبرترین عملکرد را داشته باشم و برای تیم ملی مؤثر باشم. حدود ۷ ماه درگیر اردو بودیم که خدا را شکر تمرینات مان نتیجه داد و توانستیم در جام جهانی سوم شویم. سومی تیم ملی در جام جهانی عنوان ارزشمندی بود که می‌تواند در سال‌های آینده به بالا رفتن جایگاه‌مان در مسابقات بین‌المللی کمک کند.» او می‌افزاید: «از خودم راضی بودم و در تمام مسابقاتی که حضور داشتم، توانستم عملکرد خوبی داشته باشم. من در مسابقات جام جهانی ۳ گل زدم و ۷ پاس گل دادم و دومین پاسور جام جهانی معرفی شدم. البته معمولاً بازیکنان به عنوان بهترین پاسور معرفی می‌شوند



گفت و گو

پریسا غفاری

خبرنگار

فرشته کریمی کاپیتان تیم ملی فوتسال موفق ترین ورزشکار کشورمان در این رشته است و همیشه هر سرمربی آرزوی بودن او را در تیمش دارد. اما امسال تیم نظنز نتوانست زیاد از همراهی او استفاده کند چون آسیب دید. آسیب دیدگی ای که تا پایان فصل ادامه داشت. باین حال آنقدر شخصیت منطقی دارد که با آن کنار آمد و اکنون آماده است تا در فصل جدید رویاهایش را دنبال کند.

شعارتان در زندگی چیست؟

خوشی. آدم باید هر جایی که حضور دارد با احترام به همه بتواند خوش باشد و از زندگی لذت ببرد و به شرایط بستگی ندارد چون سخت و آسان باید

آدم زندگی کند و از آن لذت ببرد.

دوست دارید جای چه کسی باشید؟

به این فکر نکردم که جای کسی باشم ولی دوست داشتم کریستیانو رونالدو دختران باشم! دوست نداشتم که پسر باشم، دوست داشتم دختر بودم و به اندازه او حرفه ای بودم.

پس رونالدو را بیشتر از کسی دوست دارید؟

بله، من به رونالدو بیشتر علاقه دارم. مسی واقعاً فضایی است. او اگر ده دقیقه قبل از مسابقه هم از خواب بیدار شود و به زمین مسابقه برود همان مسی و همیشه خوب است. اما رونالدو تلاش کرده و شاید مسی ۱۰۰ درصد استعداد باشد اما به نظرم رونالدو ترکیبی از تلاش و استعداد است که برای من اهمیت بیشتری دارد.

خودتان را مدیون چه کسی (کسانی) می دانید؟

مشخصاً خانواده ام. پدر، برادر، خواهر و همینطور مادرم برگردن من حق دارند. آن زمان نمی گذاشتند دختران فوتبال با فوتسال بازی کنند اما پدر و برادرم از من حمایت می کردند و از آنها بسیار ممنونم.



من خیلی از خواننده های کشور را دوست دارم و فقط یک سبک خاص گوش نمی دهم. انتخاب موسیقی به حالم بستگی دارد؛ اینکه روی چه مود و در چه حسی باشم

قهرمان دوران بچگی؟

شوچنکو. آن پیراهن زرد او کرابین و شادی گل هایی که انجام می داد مورد علاقه من بود.

پس دلیل انتخاب شماره ۷ نیز همین بوده است؟

هفت را از کودکی دوست داشتم چون شماره مقدسی است اما اینطور نبوده که وابستگی به این شماره داشته باشم و به این خاطر اصول حرفه ای را زیر پا بگذارم. به نظرم این بازیکنان هستند که به شماره ها ارزش می دهند و یک شماره از شما ستاره نمی سازد.

فرشته کریمی در زندگی خصوصی خود کیست؟

چه چیزی دوست دارد و چه شخصیتی دارد؟

زندگی در تهران و ایران چگونه است؟

به نظر خودم فرشته کریمی یک انسان مستقل و با پشتکار بالاست که زندگی با هدفی را دنبال می کند. من خانواده ام و زندگی با آنها و کنار آنها بودن را به هر چیزی ترجیح می دهم. از لحاظ شخصیتی انسانی منطقی هستم. دوست دارم زندگی شاد و سالمی داشته باشم. زندگی در ایران و تهران را دوست دارم. عاشق کشورم هستم و یک وجب از خاک آن را با کل دنیا عوض نمی کنم.

فعالیت اجتماعی دارید؟

بله، من کمک کردن به بچه های کار را دوست دارم و علاقه مندم هر کس که از دستش برمی آید، به آنها کمک کند. من از نزدیک این بچه ها را دیده ام و می دانم در چه شرایطی هستند. دوست دارم کمک کنم تا آدمی که در شرایط سخت زندگی می کند، بتواند بخندد و از زندگی اش لذت ببرد.

بیشتر در چه خصوصی فکر می کنید؟

برای فکر کردن موضوع زیاد است. بیشتر فکری که می کنم این است که در گذشته نمانم. بهتر است آدم ها درباره زندگی فکر کنند. همیشه دلیل برای اینکه اخمو و دلگیر باشی، هست اما این دست ماست که غمگین نباشیم. آسیب دیدم و یک سال تنهایی تمرین کردم، یک هفته حالم بد بود و یک هفته خوب. به خودم گفتم اگر دوست دارم فوتبال بازی کنم، پس باید تلاش کنم. با این حرف، حالم بهتر شد.

ارتباطت با دنیای مجازی چیست؟

فضای مجازی را اصلاً دوست ندارم. سعی می کنم در دنیای حقیقی زندگی کنم.

با موسیقی رابطه خوب دارید؟

من خیلی از خواننده های کشور را دوست دارم و فقط یک سبک خاص گوش نمی دهم. انتخاب موسیقی به حالم بستگی دارد؛ اینکه روی چه مود و در چه حسی باشم.

برای ایام عید دوست داری چه هدیه ای بدهی؟

با وضعیت اقتصادی ای که هست، هدیه دادن سخت است. من بیشتر سعی می کنم به دوستانم چیزهایی را که لازم دارند، هدیه بدهم. دوست دارم خودم هم چیزهایی را که نیاز دارم، هدیه بگیرم. مثلاً اگر گوشی نیاز دارم، به من گوشی بدهند. نمی دانم مهر و محبت کردن هم هدیه محسوب می شود یا نه. من دوست دارم آدم ها از بودن در کنارم خوشحال باشند و لذت ببرند.

برای سال جدید چه آرزویی داری؟

دوست دارم دیگر هیچ کودک کاری نباشد، آنقدر برای همه مردم کشورم اتفاقات خوب رقم بخورد که در سال ۱۴۰۳ همه از زندگی شان لذت ببرند. دیگر مصدوم نشوم. فوتسال تیم ملی دوباره به روزهای خوبش برگردد. در المپیک مدال های خوب بگیریم.

فرشته کریمی: شماره از شما ستاره نمی سازد

دوست دارم رونالدوی زنان باشم





کاش همه اتفاقات بد ۱۴۰۲ خواب بود

خواججوی: به تاریکی فوبیا دارم

گفت و گو

پریسا غفاری
خبرنگار

زهره خواججوی، دروازه بان ملی پوش فوتبال کشورمان و باشگاه خاتون بم این روزها بعد از تصادف دردناک که به فوت ملیکا محمدی منجر شد در خانه استراحت می کند. هر چند هنوز نمی تواند ب راحتی راه برود ولی با فیزیوتراپی و آب درمانی کم کم به روزهای خوبش برمی گردد.

او در مقطعی استوری را در صفحه اجتماعی اش

منتشر کرد که با عسای زیر بغل از درد نمی تواند پایش را روی زمین بگذارد. این روزها به چه کاری مشغول هستید؟

هنوز به خودم نیامده ام و روزهای سختی را پشت سرمی گذارم. از لحاظ روحی نتوانستم خودم را جمع و جور کنم. ملیکا دوست عزیزم را از دست داده ام. دختر مهربانی که حالا حالاها دنیا به خودش نخواهد دید. آرزو داشتم کاش همه این اتفاقات خواب بود.

اوضاع جسمانی تان بعد از آن تصادف چگونه است؟ ببینید خیلی دلم نمی خواهد آن زمان را به یاد بیاورم چون اولاً ملیکا به یاد می آید. بعد صحنه بد تصادف. من و بهناز حالا حالاها زمان می برد تا آن اتفاق را فراموش کنیم. در خصوص وضعیت جسمانی ام هم باید بگویم مدت ها نمی توانستم روی پاهایم راه بروم. آرزوی این را داشتم که بتوانم همانند گذشته ورزش کنم و داخل زمین بدم اما هنوز نمی شود. هر چند با فیزیوتراپی بهتر شدم. کی به مستطیل سبز برمی گردید؟

در سال ۱۴۰۳ می توان از آن صحبت کرد. بهناز طاهرخانی چطور؟

من وضعیتیم از بهناز خیلی بهتر است، او چون دچار ضربه مغزی شد پروسه طولانی تری دارد. بگذار کمی از دنیای ناراحتی بیرون بیاییم و سراغ خوبی های زندگی برویم. شما در ابتدا یک مدافع بودید و وقتی از شما خواستند درون دروازه بایستید، یک هفته اعتصاب غذا کردید؟

من ورزش را ابتدا از هندبال شروع کردم و به طور اتفاقی وارد فوتسال شدم. در فوتسال نیز بازیکن بودم و درون دروازه نمی ایستادم. پس از گذشت دو سال، به تیم ملی زیر ۱۴ سال دعوت شدم. سال ۹۳/۹۴ به تیم پاس همدان رفتم و یک روز که یکی از دروازه بانان

تیم نیامده بود، مربی از من خواست درون دروازه بایستم و واکنش هایی به صورت غیرعادی و غیرارادی داشتم. پس از مسابقه مربی مرا کنار کشید و گفت اگر می خواهی در تیمم باشی، باید دروازه بان باشی. من نیز یک هفته اعتصاب غذا کردم ولی وقتی دیدم چاره ای ندارم، آن را قبول کردم.

یعنی از دروازه بانان بدتان می آمد؟

بله بسیار. شاید دلیلش این بود که در اردوهای تیم ملی زیر ۱۴ سال نیز بازیکن بودم و فکر می کردم موفق هستم چون به بالاترین سطح در کشور رسیده ام. در تمرینات حتی به شکلی بود که توپ های هوایی را به جای مهار با دست، با مهار می کردم. مربی نیز به روی من نمی آورد و فقط مرا تشویق می کرد تا اینکه به این باور رسیدم که شاید بتوانم در این پست موفق شوم و پس از گذشت دو ماه به تیم ملی زیر ۱۹ سال این بار به عنوان دروازه بان دعوت شدم.

شما قبل از دروازه بانان یک مدافع بودید. اکنون می دانیم که ویژگی های بارز بازی شما شیرجه ها و سبوهایی است که خیلی بدون ترس اتفاق می افتند و دیگری، جمع کردن توپ پشت مدافعان به عنوان یک سوپیپر است. این ویژگی ها از دوره مدافع بودن تان نشأت می گیرد؟

بله قطعاً همین طور است. زمانی که گلر شدم، حدود ۷ سال پیش بود و در آن زمان باب نشده بود که دروازه بان بیاید و پشت مدافعان را جمع کند ولی خب من در زمان بازی به عنوان مدافع نیز این کارها را می کردم و به هنگامی که دروازه بان شدم هم انتقال دادم و همین موجب شد این مسأله به چشم مربیان بیاید.

یعنی شما زودتر از مانوئل نوبل این کار را کردید؟ نه، نوبل الگوی من است (با خنده).

به همین دلیل به این دروازه بان علاقه مند هستید؟ بله دقیقاً به همین دلیل است. آقای احمدرضا عابدزاده چطور؟

ایشان یکی از دروازه بان های مورد علاقه من هستند. او خیلی تمرین می کرد و الان هم همینطور است. به همین دلیل من هنگام بازی های فصل خیلی تمرین می کنم.

شما زیاد می خوابید. داستانش چیست؟ زیرا عاشق خوابیدن هستم.

خب این با تمرین کردن و فعال بودن مناسبات ندارد؟ عاشق خوابیدن هستم ولی اولویت با آرزوها و اهدافم است. حس می کنم زمانی که بتوانم به آرزوها و هدف هایم برسم، زمان زیادی خواهم داشت که بتوانم بخوابم. پس اکنون تلاش می کنم. از تاریکی می ترسید؟

نسبت به آن فوبیا دارم. در کل نظرتان در مورد لیگ برتر بانوان که بالاترین سطح فوتبال در کشورمان است، چیست؟

شاید من و دیگر بازیکنان به این باور رسیده باشیم که می توانیم در سطح جهانی بازی کنیم ولی آن اعتماد به نفس از فوتبال بانوان گرفته شده است. گل خوردن برایت چه معنایی دارد؟

ظرفیت گل خوردن ندارم و در بازی نهایی ابتدا برای پیروزی تیم و بعد هم برای رکورد زنی خودم می جنگم.

پیامی برای مردم در آستانه سال نو نداری؟ امیدوارم اتفاقات تلخ ۱۴۰۲ دیگر برای جامعه فوتبال ما تکرار نشود. ان شاء الله در سال جدید حال دل همه مردم خوب باشد. مردم غم نبینند و شرایط اقتصادی هم بهتر شود.



دربی؛ سکوی پرتاب قربانی به جام جهانی ۲۰۲۷

روز خاص داور زن ایرانی

گفت و گو

مهديه بهرام دريابهنگام

خيرنگار

مغروری نداشته است و تمام تلاش خود را برای قضاوت در جام جهانی انجام می دهد. این داور بارها تأکید کرده است: «قضاوت در جام جهانی دور از دسترس نیست. اگر روزی هم بخواهم از داورى خداحافظى کنم قطعاً دوست دارم در امر مرتبط با داورى والبتة تدریس فعالیت داشته باشم.» قربانی در ۳۴ سالگی توانست نخستین گام را برای رسیدن به هدفش بردارد. حدود سه سال قبل بود که فیفا با ارسال نامه‌ای به فدراسیون فوتبال ایران مشخصاً اعلام کرد؛ مهسا قربانی در میان ۷۵۰ داور الیت فیفا، در جمع ۵۰ کاندیدای قضاوت در جام جهانی ۲۰۲۳ زنان حضور دارد اما برای حضور در این تورنمنت بزرگ باید دو آیتم در خصوص قربانی رعایت شود.

علی رغم اینکه قربانی به همراه دیگر داور زن فوتبال ایران یعنی مهناز ذکایی، سال ۲۰۲۱ لایسنس قضاوت با VAR را در کشور امارات و پس از گذراندن سه مرحله دریافت کرده بود؛ اما فیفا تأکید داشت که داوران بعد از دریافت لایسنس باید به طور مداوم از این تکنولوژی استفاده کنند. عدم وجود VAR در ایران، یکی از موانع اصلی قربانی برای قضاوت در جام جهانی بود اما مشکل بزرگ تر مربوط به دیگر الزام فیفا می شد. فیفا صراحتاً در نامه‌ای که به فدراسیون فوتبال ایران ارسال کرده بود؛ اعلام کرده بود که قربانی باید در مسابقات مردان قضاوت داشته باشد؛ چرا که جام جهانی زنان سطح بالایی دارد و به همین دلیل داوران حاضر در این تورنمنت باید قضاوت در سطوح بالاتر را تجربه کرده باشند. اما این امکان هم برای قربانی فراهم نشد و سرانجام این داور نتوانست در جام جهانی ۲۰۲۳ حاضر شود. افشاریان در آن برهه از زمان مدعی شد که به فکر حل کردن این مشکل است و داوران بین المللی زن فوتبال ایران باید در مسابقات مردان قضاوت کنند. حالا درست دو سال بعد از آن اتفاق تلخ برای مهسا قربانی، طبق اعلام رسمی فدراسیون او به عنوان اولین داور زن تاریخ ایران، در کوبل داورى یک مسابقه لیگ برتر مردان قرار گرفت. خبر خوش برای مهسا قربانی این است که با قضاوت او در دربی تهران و ارائه مستندات به فیفا والبتة تداوم این اتفاق خوب، او و دیگر داوران زن ایران که الیت فیفا هستند؛ امکان قضاوت در جام جهانی ۲۰۲۷ زنان را خواهند داشت و حالا بزرگ ترین سدی که پیش روی آنها بود؛ کنار گذاشته شد.

قطعاً بیوگرافی و نحوه ورود مهسا قربانی نخستین داور زنی که در دربی پایتخت حضور داشت برای فوتبالیست وستان جالب است. مهسا قربانی (زاده ۱۳۶۸) و از سال ۱۳۸۳ داورى خود را شروع کرده است. مهسا کارش را با فوتسال آغاز کرد و پس از دو سال وارد فوتبال شد. او دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازاریابی و ورزشی است. قربانی در مسابقات لیگ برتر فوتبال زنان ایران داورى می کند و از سال ۲۰۱۷ داور بین المللی فیفا است. او همچنین نخستین داور فوتبال زن ایرانی است که مسابقه مردان را قضاوت کرده است. همچنین یکی از نامزدهای داورى در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۳ زنان بود. قربانی در یکی از مصاحبه های خود گفته: «دلیل انتخاب کردن داورى، این است که از زمان بچگی خودم را به جای داور مسابقات فوتبال گذاشته ام به همین دلیل این علاقه از من یک داور ساخت.» البته از ابتدای شروع کارش در داورى با توصیه اطرافیان برای اینکه در قضاوت هایش موفق باشد، فوتبال بازی کرده است. مهسا چند سالی به صورت آماتور بازیکن فوتبال بوده است و همین نکته این روزها به او در امر قضاوت کمک می کند.

قربانی از کارت قرمز خوشش نمی آید

یکی از خصوصیات مهسا قربانی این است که از دادن کارت قرمز خوشش نمی آید. قربانی در این زمینه گفته است: «زمانی که کارت قرمز می دهم خودم را جای بازیکن می گذارم و می بینم که چقدر آن لحظه می تواند برای آن بازیکن سخت باشد. بازیکنان نسبت به تصمیم داور کاملاً آگاه هستند، اما گاهی اوقات در آن شرایط مجبورند کاری انجام بدهند که مستحق دریافت کارت زرد یا قرمز باشند. بدتر از آن زمانی است که داور کارت می دهد و بازیکن منکر خطای خود می شود. داور دوست ندارد به کسی کارت بدهد، او فقط می خواهد بازی برگزار شود و همه به روح قانون نیز احترام بگذارند. فوتبالی باید نمایش داده شود که همه انتظارش را دارند.»

افق دید مهسا جام جهانی است

اطرافیان مهسا معتقد هستند او هیچ گاه شخصیت





سائنامه

آرش عبدی
خبرنگار

زمان چندانی تا المپیک پاریس باقی نمانده و این رقابت‌ها از پنجم مرداد سال آینده آغاز می‌شود. رقابت‌هایی که عیار ورزش کشور و فاصله آن را با ورزش سایر کشورها نشان می‌دهد. موضوعی که در حال حاضر بحث‌های زیادی در خصوص آن می‌شود تعداد مدال‌های کاروان ایران در این دوره از رقابت‌های المپیک است.

پیش‌بینی تعداد مدال‌های ایران در المپیک پاریس چشمک به ۳ طلا

تیراندازی، منتظر یک اتفاق

یکی از شیرین‌ترین مدال‌های ایران در المپیک توکیو، مدال طلای جواد فروغی در تیراندازی بود؛ مدالی که کسی توقع آن را نداشت. این بار هم کسی توقع کسب مدال المپیک از تیراندازان ایران ندارد؛ مگر اینکه همچون المپیک توکیو اتفاق خاصی رخ دهد. نکته جالب در خصوص نمایندگان تیراندازی ایران در پاریس، کسب سهمیه توسط ۳ تیرانداز جوان است. شرمینه چهل امیرانی ۲۴ ساله، فاطمه امینی ۲۳ ساله و محمد بیرانوند ۱۵ ساله توانستند شانس حضور در المپیک را پیدا کنند تا خبری از چهره‌های مطرح این رشته در پاریس نباشد.

دوچرخه‌سواری

دوچرخه‌سواری ایران حال و روز خوشی ندارد. در کاروان اعزامی کشورمان به المپیک ۲۰۲۴، دوچرخه‌سواری هم نماینده دارد. هر چند تا کنون مشخص نشده که کدام رکابزن راهی پاریس می‌شود اما به احتمال فراوان علی لیبیب نماینده دوچرخه‌سواری کشورمان در این رقابت‌ها خواهد بود. انتظار خاصی از دوچرخه‌سواری برای موفقیت در المپیک نمی‌رود. همین که نماینده ایران بتواند به خط پایان برسد انتظارات را برآورده کرده است.

کشتی، امید کاروان ایران

اگر فرض بر این گذاشته شود که تیم‌های ملی آزاد و فرنگی با تمامی نفرات در المپیک پاریس شرکت کنند می‌توان توقع کسب چندین مدال از این دو تیم داشت. حسن یزدانی چهره محبوب کشتی ایران همچنان دوران نقاهت خود را طی می‌کند و مشخص نیست می‌تواند روی تشک المپیک برود

یا خیر. با حضور تیلور آماده بعید است یزدانی شانس برای مدال طلا داشته باشد اما به هر حال توقعات از او بالاست و باید دید آیا می‌تواند در شرایطی که نسبت به قبل هم آمادگی خوبی به لحاظ بدنی ندارد غول آمریکایی را شکست دهد یا خیر. از دیگر آزادکارانی که شانس کسب مدال در پاریس را دارند می‌توان به رحمان عموزاد و امیرحسین زارع اشاره کرد. در کشتی فرنگی هم امین میرزازاده، محمد هادی ساروی و محمدرضا گرای امیدهای کاروان ایران برای رفتن روی سکو هستند.

روی کاغذ می‌توان ۲ طلا و ۲ نقره و ۲ برنز المپیک پاریس را برای کشتی‌گیران کشورمان پیش‌بینی کرد.

وزنه‌برداری، شانس کسب ۲ مدال

یکی دیگر از امیدهای ورزش ایران به کسب مدال در المپیک پاریس، وزنه‌برداری است. هر چند هنوز سهمیه‌های این رشته قطعی نشده است اما تا حدود زیادی حضور مصطفی جوادی و علی داودی در پاریس قطعی شده است. جوادی شانس زیادی برای کسب مدال طلا دارد و داودی هم اگر در یکضرب عملکرد بهتری از خود نشان دهد می‌تواند روی سکو المپیک برود. علی دهدار هم کار سختی برای کسب سهمیه المپیک دارد و اگر موفق به این کار شود هم نباید روی مدال او حساب باز کرد.

تکواندو، شانس سکو برای کیانی

تاکنون حضور ناهید کیانی و مهران برخوردار در

المپیک پاریس قطعی شده است. کیانی به لحاظ فنی در دنیا بهترین است اما مشکلی که او دارد فراز و نشیب‌هایش در مسابقات است. اگر در المپیک پاریس، روز کیانی باشد او شانس رفتن روی سکو و حتی کسب مدال طلا را دارد. برخورداری هم تکواندوکار قابل‌است و رسیدن به سکو المپیک برای او موفقیت بزرگی محسوب می‌شود؛ هر چند کار برای این تکواندوکار بسیار سخت است.

رشته‌هایی که می‌توانند شگفتی‌ساز باشند

در برخی رشته‌های دیگر همچون شمشیربازی و ژیمناستیک می‌توان امید به کسب سهمیه داشت. توقعی از این رشته‌ها برای کسب مدال المپیک پاریس نیست؛ اما شاید همچون المپیک توکیو که فروغی صاحب مدال طلا شد شاهد شگفتی‌سازی از سوی ورزشکارانی باشیم که کسی انتظار مدال از آنها نداشت؛ هر چند نباید روی اینگونه پیش‌بینی‌ها حساب چندانی باز کرد چرا که احتمال خطای آن بسیار زیاد است.

کسب ۳۵ سهمیه در خوشبینانه‌ترین حالت

اگر همه چیز بروفق مراد ورزش ایران باشد امکان کسب ۳۵ سهمیه وجود دارد اما در خصوص کسب مدال، کار بسیار سخت شده است چرا که در گذشته و بخصوص در دهه ۹۰ کار اصولی در ورزش قهرمانی نشده است و حالا می‌توان اثرات آن را در المپیک پاریس دید. ۲ مدال طلا در کشتی و یک مدال طلا در وزنه‌برداری به علاوه ۴ مدال نقره و برنز در کشتی و تکواندو

می‌تواند منطقی‌ترین پیش‌بینی از تعداد مدال‌های کاروان ایران در المپیک پاریس باشد.



دوست داشتم آدم درجه یکی باشم حیدری: از کشتی خسته ام کردند

بزرگترین آرزویم فتح اورست بود

گفت و گو

محسن وظیفه
خبرنگار

۱۴ اسفند ۱۳۵۴ یکی از فنی ترین کشتی گیران تاریخ در ایران چشم به جهان گشود. علیرضا حیدری از بدو تولد فقط ۲۰ سال زمان نیاز داشت تا خودش را به عنوان فنی ترین کشتی گیر جهان معرفی کند. کسی که حالا با ۶ مدال جهان و المپیک یکی از استثناهای تاریخ کشتی ایران است. کسی که در عرصه مربیگری و مدیریت در ورزش به اندازه دوران قهرمانی اش موفق نبود. حالا او در آستانه ۵۰ سالگی از نیم قرن زندگی خود می گوید. از آرزوهایی که به آن نرسیده و از حسرت هایی که برایش مانده است. در سالروز تولدش درباره زندگی پر فراز و نشیب او حرف زدیم که حرف های مهمی زد. شاید مهمترینش به سرمربیگری کوتاه مدت او در تیم ملی و یا خدا حافظی زود هنگامش از تیم ملی برمی گردد.

متولد اسفند هستی و همین چند روز پیش تولد شما بود، تبریک می گویم.
خیلی ممنونم. متولد ۱۴ اسفند هستم. چند ساله شدی؟
دقیق خاطر من نیست اما عمر است که مثل برق و باد می گذرد.
نزدیک به ۵۰ سالگی هستی، راضی هستی از این نیم قرنی که پشت سر گذاشتی؟
خدا را شکر می کنم. سلامت من و خانواده ام کنارم هستند و اینکه به کسی احتیاجی ندارم، راضی کننده است اما یک سری چیزها را دوست داشتم که نرسیدم.
آرزویی داشتی که نرسیده باشی؟
نه آرزوی خاصی ندارم اما دوست داشتم که آدم درجه یکی باشم.
خب قطعاً هستی.

نه نیستم. دوست داشتم آدم قابل اتکاتری باشم. توانمندی های زندگی روزمره را بهتر بلد باشم. در فضای مدیا، دیجیتال مارکت و نت ورک خیلی بهتر باشم. فکرمی کنم خیلی بد است که الان احساس می کنم از رایانه خیلی بلد نیستم.
به نظرم اتفاق طبیعی هست. خیلی ها هم هستند که نمی توانند یکی از این مدال های شما در کشتی را به دست بیاورند.

آره قبول دارم خودم هم به این فکرمی کنم که به هر حال وقتم را گذاشتم برای کشتی اما همیشه دوست داشتم کوله پشتی را جمع کنم و بزنم به کوه و جنگل و چند ماهی خارج از خانه زندگی کنم. دوست داشتم برم دنیا را بگردم ولی الان امکانش نیست. یکی از آرزوهای بزرگم این بود که بروم اورست را فتح کنم. ولی روزهایی را که می توانستی تا این حد خوب بگذرانی در اردوی تیم ملی ماندی. این هم کار بسیار سختی بود.

نه اتفاقاً اعتقاد دارم خیلی هم سخت نبود. چند روز پیش رفته بودم اسپانیا. داشتم با خودم فکرمی کردم که کریستوف کلمب چطور دل به دریا زده و رفته تا آمریکا؟ کار سخت این بوده.

ولی آمدن به اردوی تیم ملی از زورآباد کرج با اتوبوس و مشکلاتی که آن موقع بود.

وضع مالی خوبی نداشتم و زندگی واقعاً سخت بود اما نه به این اندازه سخت که نشان دادم. از گلایه هایی که نسبت به زندگی سخت در گذشته داشتم، هویت گرفتم. ولی شاید امروز این به نظر ساده بیاید اما سختی کم نکشیدی.

بدون پشتوانه بودم. کار خاصی نکردم. استعدادی داشتم که شانس آوردم که به موفقیت رسیدم. شانس سراغ افرادی می رود که بیشتر زحمت می کشند.

قبول دارم اما کار بزرگی نکردم. ابرمردی نبودم که نشان داده شد.

خیلی ها در کشتی بودند. هم نسل خودت بودند اما در کشتی به حقشان نرسیدند.

به نظرم در کنار استعداد و شانس کمی هم عرضه لازم است. نباید زود و امی دادند. خیلی ها در دوره ما بودند که از من هم کشتی گیر بهتری بودند اما زود وا دادند و به چیزی که باید نرسیدند. یک عده به جای تلاش فقط غر می زنند. تا یک نفر را می بینند که سوار بنز شده می گویند دزدی کرده. آره با گفتن این حرف بار را از روی خودش برداشته که می شد تلاش کرد و به این بنز رسید. با گفتن این حرف ها خودشان را راحت کردند. این طور دوست دارند که خودشان را قربانی نشان بدهند اما خب ته ما چرا چی؟ خودش چی؟ دلسوزی برخی هم برای این افراد مثل این می ماند





خوردی، چطور بلندی شوی.
زمین خوردی در کشتی؟

کم نه. یاد هست اولین بار که در مهرشهر کرج رفتم باشگاه حمید کرمانی من را گذاشت جلوی یک بچه ژینگول و چشم رنگی که پیش خودم می گفتم اصلاً کشتی بلد نیست اما از اول تا انتها اینقدر من را زمین زد که چشم هایم هیچ جا را نمی دید. یک بار هم علی اکبرنژاد در تمرین تیم ملی کشتی آنقدر روی من فن اجرا کرد که تا کرج گریه کردم. مدام به خودم می گفتم مگر می شود یک نفر این همه فن بخورد؟

شروع و پایان در کشتی یا منصور بزرگ بودی. سال ۲۰۰۶ بعد از جهانی رفتی سراغ سرمربیگری که باز هم منصور خان کنارت بود. جهانی ۲۰۰۷ در باکو اما همیشه این سؤال وجود داشت که چرا سراغ سرمربیگری نیامدی؟

نمی خواهم خیلی درباره اتفاقات آن سال حرف بزنم اما واقعیت این است اگر آن سال یک برد می آوردیم، دوم دنیا می شدیم. مراد محمدی بد باخت که سال قبل قهرمان جهان شده بود. فردین معصومی سال قبلش با اختلاف به تایمازوف باخت بود اما در باکو دو بریک شد. مشکل این جا بود که منصور خان آن موقع ظاهراً کنار رفت اما رها نکرد. تیم دو تکه شده بود، خیلی جاها تصمیم چیز دیگری بود اما نظر منصور خان اعمال می شد. یکی از نفراتی که آن موقع باخت مراد محمدی بود. تصمیم داشتیم که انتخابی ندهد با با دو کیلوگرم ارفاق وزن بدهد اما منصور خان گفت انتخابی سرورزن قانونی و مراد از این بابت آسیب دید و خوب سرورزن نرسید.

بعد هم دوباره بازگشتی به کشتی؟

اگر مدیر تیم می کردند تا المپیک لندن کشتی می گرفتیم و مدال می آوردیم. اینقدر مسابقه فرستادند که خسته ام کردند. اگر اجازه می دادند مثل بزرگان کشتی لیپولد و یا کورتانیدزه یک سال باشم و یک سال نباشم اما درگیر انتخابی نشوم، تا لندن می ماندم. خدا حافظی برای من زود بود.

به عنوان آخرین سؤال، باز هم در کشتی مسئولیت می گیری؟

دوست دارم آکادمی ورزشی بزنم. چیزی در حد استعداد های درخشان تا نخبه های ورزش را تربیت کنیم برای آینده ورزش.



سرمربی منصور بزرگ بود.

منصور خان مولانای کشتی است. او عاشقانه برای کشتی کار کرد و بیشتر از اینکه استراتژی برای کشتی داشته باشد، با قلبش کار می کرد. اعتراض نکردی؟

معترض بودم اما همیشه احترام منصور بزرگ را حفظ کردم. هیچ وقت مقابلش حرفی نزدیم. لیاقت این را داشت که نتایج بهتری را در تاریخ کشتی ایران بگیرد. خیلی ها از او یاد گرفتند؛ چه آنهایی که در آن موقع کشتی گیر بودند و چه کسانی که بعداً به عنوان مربی در کنارش بودند و یا کسانی که به عنوان رئیس فدراسیون با منصور برزگر کار کردند؛ همه از او یاد گرفتند.

یک دختر و یک پسر داری؛ دوست داری پسر کشتی گیر بشود؟

قبلاً دوست نداشتم اما الان اعتقاد دارم که باید کشتی گیر شود. کشتی به آدم بلند شدن بعد از زمین خوردن را یاد می دهد. کشتی ورزش سختی است اما به آدم یاد می دهد که اگر هزار بار زمین



انتخابی که اصلاً در کار نبود. یک تمرین بین من و امیررضا خادم برگزار شد. برای المپیک ۹۶ آتلانتا گفتند بچه است به درد المپیک نمی خورد، انتخابی برگزار نشد

که دستی سربیک یتیم بکشند و این دلسوزی اصلاً خوب نیست.

کمی درباره دوران قهرمانی هم صحبت کنیم. ۲۰ ساله بودی که راهی کراسنویارسک شدی و فنی ترین کشتی گیر جهان شدی.

بهترین دورانم بود. از سال ۱۹۹۴ که از جوانان آمدم بزرگسالان، هیچ کس حرفم نبود. در ایران به هیچ کس یک امتیاز هم ندادم. در جهانی هم خوب کشتی گرفتم اما قبل از آن هم می توانستند به من اعتماد کنند اما نکردند. یک روز تمرین گذاشتند بین من و امیررضا خادم اما به حدی خوب بودم که دیگر این اتفاق تکرار نشد. آدمی نبودم که با سیستم تا امیررضا خادم تمام شود و بعد پیام. دنبال این بودم که هر جور شده به تیم ملی برسم.

اما از انتخابی خبری نبود؟

انتخابی که اصلاً در کار نبود. یک تمرین بین من و امیررضا خادم برگزار شد. برای المپیک ۹۶ آتلانتا گفتند بچه است به درد المپیک نمی خورد، انتخابی برگزار نشد.

انصافاً کنار گذاشتن امیررضا خادم با طلای جهان به خاطر یک کشتی گیر ۱۸ الی ۱۹ ساله سخت بود. بله سخت بود و شاید اگر من هم بودم همین تصمیم را می گرفتم اما یک مسابقه حقم بود که خودم را نشان بدهم.

چی شد که نوبت شد؟

امیررضا خادم بعد از المپیک ۹۶ گفت دیگر کشتی نمی گیرم و من به تیم ملی رسیدم. سال ۹۸ هم چشم ها را خیره کردی اما بعدش به نظرم دچار نوسان شدی.

تمرکز نداشتم و عدم تمرکز باعث شد تا کشتی ها را نتوانم کنترل کنم. از بچگی بیش فعال بودم و این در کارم روی تشک تأثیر گذاشت. الان هفت الی هشت سال است که کتاب می خوانم. آن موقع خیلی اهل کتاب خواندن نبودم. اعتقاد دارم باید روی عزت نفس بچه ها کار کرد. علاوه بر اعتماد به نفس، عزت نفس هم مهم است. بچه پرو بودم اما اگر متولد محله دیگری بودم در هر کاری نمره ۲۰ می گرفتم.

درباره منصور خان بزرگ هم صحبت کنیم. دوره های که انتخابی برگزار نشد و دیر به تیم ملی رسیدی،



فشار را از روی کشتی بردارند

میرزازاده: نه از کایالپ می ترسم، نه از لویز

گفت و گو

حامد حسینی

یکی از خوب‌های سال ۱۴۰۰ امین میرزازاده بود.

کشتی‌گیر سنگین وزن تیم ملی کشتی فرنگی که توانست بعد از سال‌ها شکست ایرانی‌ها مقابل

کایالپ، او را در قهرمانی جهان شکست دهد و مدال طلای جهان را در سنگین وزن به دست آورد. امین حالا با این مدال شانس اصلی ما برای رسیدن به مدال طلای المپیک است. هر چند که او برای رسیدن به طلای المپیک دو حریف سخت دارد: اول رضا کایالپ و دومی میهان لویز کوبایی که برای کسب پنجمین طلای المپیک به پاریس می‌آید. این دو حریف قدیمی برای طلای المپیک دندان تیز کرده‌اند اما با این حال امین می‌گوید هراسی از این نبرد با این ستاره‌ها ندارد: «نه از کایالپ می‌ترسم، نه از لویز.»

سال گذشته را خیلی عجیب گذراندی. طلسم

شکست‌های کشتی ایران مقابل کایالپ را شکستی.

این اتفاقات یک روزه و دو روزه به دست نمی‌آید. کشتی که در فینال همه دیدند حاصل تمام عمرم بود. سال‌ها تلاش کردم و زحمت کشیدم تا به این مرحله رسیدم و خدا را شکر می‌کنم که توانستم مزد این زحمات را بگیرم.

فکر می‌کردی به این برد برسی؟

سخت بود اما سال قبل تر در جهانی ۲۰۲۲ وقتی به کایالپ باختیم، فهمیدم که می‌توانم او را شکست بدهم. از روی تشک آدمم پایین هم خودم و هم محمد بنا ناراحت بودیم اما گفتم که آیا دفعه بعد هر جا به کایالپ برخورد کنم، شکستش می‌دهم.

و این وعده زمانی عملی شد که محمد بنا دیگر نبود.

واقعاً خیلی برای من و تیم زحمت کشید. دوست داشتم طلا را همان سال ۲۰۲۲ بگیرم و تا یک قدمی طلا هم رفتم اما نشد. خیلی دوست داشتم که مزد تلاشش را کنار تشک ببیند اما نشد.

در کشتی با رضا کایالپ در تایم دوم به یکباره همه چیز

عوض شد، نزدیک بود نتیجه دیگری رقم بخورد؟

واقعاً کشتی قابل پیش بینی نیست. کشتی کلاً دقیقه است و هر اشتباهی می‌تواند نتیجه یک کشتی را تغییر بدهد. در کشتی استراحت بین دو تایم برای نفس گرفتن است، زمانی برای برنامه ریزی وجود ندارد. از قبل طرح ریخته بودم که اخطار اول را بگیرم و در تایم دوم اخطار به کایالپ برسد و برنده بیرون بیایم اما تجربه کایالپ باعث شد تا او هر دو اخطار را ببرد ولی از آنجا که می‌دانستم باید برنده بیرون بیایم تمام توانم را گذاشتم و در نهایت برنده شدم. وقتی در خاک بودم و ۲-۰ عقب افتاده بودم، به خودم گفتم بلند که شدم باید تمام تلاشم را انجام بدهم که حریف فرار نکند. هر چه داشتم گذاشتم. شاید همین قسمتش با نیمه دوم قابل قیاس باشد که همه چیز گذاشتم که برنده بیرون بیایم.

حالا برای المپیک تبدیل به شانس اول شدی؟

نه بابا اینجور هم نیست. حالا اول باید از انتخابی تیم ملی برنده بیرون بیایم و بعد به المپیک فکر کنم ولی اگر به المپیک برسم دیگر رها نمی‌کنم و از هیچ حریفی هم نمی‌ترسم. تمام زورم را می‌زنم طلا را بگیرم اما یک نکته را نباید فراموش کنیم که فشار زیاد روی کشتی می‌تواند آسیب‌زننده باشد. باید این فشار را از روی کشتی برداشت تا هر کسی دوبنده تیم ملی را به تن کرد بتواند بهترین عملکرد را داشته باشد.

ولی لویز و کایالپ هستند. به خصوص که لویز اعلام

کرده برای کسب طلای پنجم می‌آید.

خیلی خوب و قدرتمند هستند و این را با مدال‌های زیادی که کسب کردند، به همه نشان دادند اما من نه از لویز می‌ترسم و نه از کایالپ. فقط می‌خواهم به آرزوی دوران کودکی‌ام که طلای المپیک است، برسم.

یعنی طلای المپیک حتمی است؟

هیچ چیزی در ورزش حرفه‌ای حتمی نیست. حتی حضورم در المپیک هم هنوز مشخص نیست. باید اول به تیم ملی برسم و بعد وعده مدال المپیک بدهم. ضمن اینکه نباید توقعات را از کاروان ورزشی ایران به خصوص از کشتی بالا برد. کار در پاریس اصلاً آسان نیست و در بیشتر رشته‌ها تغییر نسل صورت گرفته و شاید خوب نباشد که این دوره را با دوره‌های قبلی قیاس کرد.

سال گذشته بحرانی بین فوتبالیست‌ها و کشتی‌گیران سر

پاداش‌ها پیش آمد، شاید از جمله کسانی که حرف می‌زد

تو بودی اما سکوت کردی.

در شأن ما نیست که بخواهیم مدام مصاحبه کنیم که از ما حمایت کنند. آقای دبیر در حد توان تلاش می‌کنند و کم هم نگذاشتند. بحرانی هم نبود، بلکه خواسته‌ای بود که به همه یک جور نگاه شود. با فوتبالیست‌ها و پاداش گرفتن آنها مشکلی نداشتیم بلکه حرف بچه‌ها این بود که از کشتی حمایت شود.

شاید کلبی که از شماها پخش شد، کمی فضا را تلطیف کرد.

فوتبال واقعاً ورزش جذابی است، ما هم دوست داریم که تیم ملی فوتبال بدرخشد. بعد از بازی با ژاپن همه لذت بردیم. دوست داشتیم بردهای آنها ادامه پیدا کند اما بحث پاداش چیز دیگری بود. بی توجهی به ورزش‌های غیر فوتبالی انگیزه‌ها را از بین می‌برد اما سال آینده همه از این رشته‌ها مدال می‌خواهند.





۹۳ تا ۲۰۰۳ بهترین تیم تاریخ کشتی بود کاوه: چاره نداشتم باید سر مربی تیم ملی می شدم!

هیچ وقت اهل لابی نبودم

مقبولیتی وجود دارد. توانمندی تیم را هم می شناسم و امید دارم که بتوانیم نتیجه خوبی بگیریم. ولی خیلی توقع از تیم وجود دارد.

باید به اندازه این توقع تلاش کنیم. البته مردم هم باید بدانند که واقعاً المپیک متفاوت است و کسب مدال به این سادگی نیست اما تمام تلاش مان را می کنیم. البته من خیلی اهل تبلیغ و نمایش نیستم؛ تمرین می کنیم اما جار و جنجال به راه نمی اندازیم. هر چند که مشکلات کشتی در المپیکها همیشه این بوده که بار ورزش را به دوش کشیده و همین کار کسب مدال را با سختی های زیادی روبه روی می کند. امیدوارم که این بار نهادهای بیرونی کمی از این فشار راکم کنند.

یکی از موضوعاتی که بعد از انتخاب شما مطرح شد، درباره رفاقت شما با دبیر و رابطه آن با انتخاب شدن به عنوان سرمربی تیم ملی بوده.

یکسری حرفها در فضای مجازی مطرح شد، بعضی طوری نوشته اند انگار یک مربی تازه کارم در حالی که هر کسی رئیس فدراسیون شد، سراغ من آمد، اما من هرگز لابی نکردم. هیچ وقت اهل لابی کردن نبودم و شاید هم به همین دلیل خیلی سخت سرمربیگری را به من دادند. یک سری فکر می کنند که کشتی ایران همیشه چند هزار گزینه برای سرمربیگری داشته اما واقعیت این است که تعداد گزینه های مربیگری در تیم ملی همیشه کم بودند. همین الان فکر می کنید چند نفر می توانستند به عنوان سرمربی انتخاب شوند؟

یک فیلمی هم از شما منتشر شد که در آن گفته بودید من بهترین مربی هستم و بهتر از خودم کسی را سراغ ندارم.

این فیلم که از سر و تهش زدند و با هدف مشخصی به آن شکل منتشر شده است اما همین الان هم این حرف را می زدم هر کسی در هر کاری اگر می خواهد موفق شود باید بگوید که بهترین است. اگر کشتی گیری خودش را در حد قهرمانی المپیک ببیند که موفق نمی شود اصلاً نباید هم وارد کشتی شود. مربی هم همین است؛ اگر مربی خودش را بهترین نداند و به کارش اعتقاد نداشته باشد که نمی تواند موفق شود.

شما آرزوی داشتید که به آن نرسیده باشید؟ طبیعتاً رسیدن به طلای قهرمانی جهان و المپیک بهترین و مهم ترین آرزوی من بود که به آن نرسیدم. در عرصه مربیگری چطور؟ دوره ای بود که دوست داشتید سرمربی تیم ملی شوید و هدایت آن تیم را بر عهده بگیرید؟

بله. این آرزوی شخصی من بوده و حتماً دوره ای بوده که بخواهم سرمربی تیم ملی شوم. دهه ۹۰ میلادی بهترین دوره کشتی ایران بوده و سرمربی آن موقع تیم ملی حسابی خوش به حالش بود. همیشه اعتقاد داشتم که از سال ۹۳ تا ۲۰۰۳ بهترین نسل کشتی ایران بوده و طبیعی است که دوست داشتم سرمربی آن تیم باشم.



من از نسل سوخته ورزش ایران هستم. دوره ما با شروع جنگ خیلی از اعزام ها انجام نشد.

مسابقات جهانی و المپیک به کنار، تورنمنت ها را هم

نرفتنیم. طبیعی بود که نتوانیم

بدرخشیم. خیلی زود هم از کشتی

خدا حافظی کردم. ۲۵ و یا ۲۶ ساله بودم که

کشتی را کنار گذاشتم

یکی از قدیمی ترین و با سابقه ترین مربیان تاریخ کشتی ایران، محسن کاوه است. مربی که دوران قهرمانی خیلی درخشانی نداشت اما در عرصه مربیگری یکی از بهترین و پرافتخارترین مربیان تاریخ است. او در عرصه مربیگری از ۹۵ میلادی در عرصه ملی فعالیت خود را شروع کرد و هر وقت عضو کادر فنی تیم ملی نبود در باشگاه میزبان بسیاری از ملی پوشان بود. در قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد در سال ۲۰۰۲ کنار تیم ملی بود و در تغییر نسل کشتی ایران و شروع یک دوره درخشان در کشتی حذافصل سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ هم کنار تیم ملی کشتی آزاد بود اما در آستانه المپیک و با آمدن رسول خادم از تیم ملی کنار رفت. حالا در حساس ترین روزهای کشتی او سرمربی تیم ملی کشتی آزاد شده و قرار است که در المپیک ۲۰۲۴ پاریس هدایت کشتی ایران را بر عهده داشته باشد. دوره ای که کشتی ایران شاید یکی از بهترین دوران خود را دارد؛ هر چند که محسن کاوه اعتقاد دارد بهترین تیم تاریخ ایران حذافصل سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ پدید آمده بود.

ورزش ایران هستم. دوره ما خود به انقلاب و بعد هم شروع جنگ و همین باعث شد تا خیلی از اعزام ها انجام نشود. مسابقات جهانی و المپیک به کنار، تورنمنت ها را هم نرفتنیم. طبیعی بود که نتوانیم بدرخشیم. خیلی زود هم از کشتی خدا حافظی کردم. ۲۵ و یا ۲۶ ساله بودم که کشتی را کنار گذاشتم.

با خدا حافظی از دنیای قهرمانی وارد عرصه مربیگری شدید اما اینجا هم خیلی دیر به سرمربیگری تیم ملی رسیدید.

اهل شو و نمایش نبودم. مربیگری را در کشتی خیلی دوست داشتم. از حضور در لیک برنر و باشگاه مربیگری شروع کردم و اگر در تیم ملی بودم که هیچ اما وقتی نبودم در باشگاه مشغول می شدم.

چرا دیر سرمربی تیم ملی شدید؟ چهار بار پیشنهاد سرمربی تیم ملی را رد کردم. یعنی پیشنهاد داشتید و قبول نکردید؟

بله. در سال ۲۰۰۵ طالقانی پیشنهاد داد که سرمربی تیم ملی شوم اما خودم رفته دنبال عسگری محمدیان و امیر توکلیان که بیایند و با هم کار کنیم. سال ۲۰۰۹ هم محمدرضا یزدانی خرم به من پیشنهاد داد که باز هم ترجیح دادم تا مربی باشم. بهروز نعمتی وقتی سرپرست فدراسیون شد هم پیشنهاد داد که باز هم قبول نکردم. علیرضا دبیر هم پیشنهاد داد اما ترجیح داده بودم که دور از تیم ملی باشم. اما این بار قبول کردید.

چاره ای جز اینکه قبول کنم، نداشتم. تیم در شرایطی بود که فاصله زمانی زیادی تا المپیک نداشت و باید می پذیرفتم که به تیم کمک کنم.

اما ریسک بالایی دارد؛ تیم سه سال با کسی دیگر کار کرده و حالا شما باید در یک سال به تیم کمک کنید که در المپیک بدرخشند.

تیم را می شناسم و خوشبختانه بچه ها هم در سال های گذشته بارها با من در اردو بودند و به همین دلیل



گفت و گو

مرتضی طهوری
خبرنگار

عنوان قدیمی ترین و با سابقه ترین مربی کشتی ایران در رده ملی، شاید فقط مناسب شما باشد.

از اواسط سال ۹۵ میلادی مربیگری را در تیم ملی شروع کردم اما در سال ۹۳ هم تیم منتخبی را به عنوان مربی به مسابقات بلغارستان و ترکیه بردم.

انگار جوهر مربیگری در وجود شما بوده. حتی موقعی که مربی تیم ملی نبودید، در باشگاه کار کردید.

هر جا به عنوان مربی کار کردم به پایگاه تمرینی خیلی خوب تبدیل شد. در کارگران هم کارم را شروع کردم و مدتی را هم با اکبرفلاح بودیم که همه دوست داشتند

در باشگاه ما تمرین کنند. شاید جالب باشد که این را هم تعریف کنم که در محله خودمان یک تیم فوتبال محلی را تشکیل دادیم که هم کاپیتان تیم بودم و هم سرمربی. فوتبالیست معروفی هم در تیم شما بود؟

علی لطیفی بعدها فوتبالیست مطرحی شد. اسم اکبر فلاح به میان آمد هنوز هم بعد از سال ها شما رابطه خوبی با هم ندارید.

من هیچ مشکلی با اکبرفلاح ندارم. نه آن موقع و نه الان اما شاید آدم ها در زندگی خود یک زمانی به بلوغی می رسند که مسیر زندگی خود را تغییر می دهند.

شما بر خلاف دوران مربیگری که موفقیت های زیادی را کسب کردید، نتوانستید در دوران قهرمانی بدرخشید.

زمانی که کشتی می گرفتم در هر سه رده سنی ملی پوش شدم. هم نوجوانان، هم جوانان و هم بزرگسالان اما موفقیتی به دست نیاوردم. شاید توانایی نداشتم و شاید هم کمبود امکانات و مشکلات در آن زمان باعث شد که به موفقیت لازم نرسم. من هم متعلق به نسل سوخته

نسل ما اعتماد به نفس نداشت رنگرز: ۴ طلای المپیک را می خواهیم امین میرزازاده بهترین سنگین وزن تاریخ است





گفت و گو

محسن وظیفه
خبرنگار

یکی از استثناهای تاریخ کشتی فرنگی ایران حسن رنگرز است؛ کسی که با یک طلا و برنز توانست نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد. آن هم در روزهایی که کشتی فرنگی توان گرفتن مدال طلا در قهرمانی آسیا را هم به سختی پیدا می‌کرد اما حالا این چهره استثنایی به عنوان سرمربی انتخاب شده و قرار است که در المپیک هدایت تیم ملی را برعهده داشته باشد اما او رؤیای بزرگی دارد. او در این المپیک به دنبال کنار زدن حسرت طلایی شدن است. او می‌گوید بزرگ‌ترین رؤیایش رسیدن به ۴ طلای المپیک است.

در عرصه قهرمانی یکی از کشتی‌گیران مطرح ایران بودی و البته شاید هم بدشانس. حالا در قامت سرمربی شاید بتوانی تعریف بهتری از دوران قهرمانی داشته باشی.

دوران قهرمانی و کشتی‌گیری سراسر پراز ریاضت، سختی و زنج است و به هر شکل کشتی‌گیر باید به یک سرسختی ذهنی برسد. باید درد و وقت گذاشتن، تعهد، سختکوشی را به جان بخرد تا نامش را مانا کند. مسیرو ورزش قهرمانی، مسیرو سنگلاخی و پراز موانع است ولی وقتی به انتهای مسیری می‌رسند، مثل صعود به قله کوه می‌ماند و وقتی یک ورزشکار به قهرمانی می‌رسد و به گذشته می‌نگرد، متوجه می‌شود که این قهرمانی ارزش آن همه سختی را داشته است. همانند وقتی که از یک کوهنوردی سخت برمی‌گردد و در هنگام بازگشت با آرامش و راحتی به سختی‌های مسیروفت نگاه می‌کند.

و همین باعث می‌شود که قهرمانان ورزشی، چهره خاصی هستند.

دوران قهرمانی، مسیرو زندگی و حتی شخصیت افراد را تغییر می‌دهد و باعث می‌شود که افراد در سایر بخش‌های زندگی هم چهره‌های موفق‌تری باشند.

و شاید همین شاخصه زندگی قهرمانی باعث شد که خیلی زود وارد عرصه مدیریت شوی؟

فقط من نبودم؛ رسول خادم، امیررضا خادم، علیرضا دبیر، عباس جدیدی و خیلی‌های دیگر از قهرمانان بزرگ کشتی بودند اما وارد عرصه سیاست شدند و بعضاً در این عرصه هم افراد موفق‌تری بودند.

ولی خیلی زود از عرصه قهرمانی کنار رفتی.

یک طلا و یک برنز جهان آن هم در روزهایی که در عرصه جهانی حرفی برای گفتن نداشتیم.

مجموعه‌ای از دلایل و اتفاقات دست به دست هم داد تا زود از عرصه کشتی بروم اما خدا را شکر می‌کنم. امروز که نگاه می‌کنم اعتقاد دارم که لطف خدا شامل حال من شده و از

این بابت شاکر هستم. همه تلاش‌م را کردم تا بهترین باشم.

یک طلا و برنز جهان احتمالاً می‌شد که بهتر و بیشتر هم باشد.

هر چیزی که برایم رقم خورد تقدیر الهی بود. برایم شیرین بود، هم بردهایی که آوردم شیرین بود و هم باخت‌هایم مهم بود. شاید در بعضی جاها هم اشتباهات فنی داشتم اما الان که به گذشته نگاه می‌کنم راضی هستم.

هنوز هم جهانی ۲۰۰۲ و مسابقه نیمه نهایی برای علاقه‌مندان به کشتی سؤال است.

چطور آن مسابقه را باختی؟

اتفاق بسیار دردناکی برای من بود. شاید الان که به آن روزها فکر می‌کنم بیشتر درد می‌کشم. چرا که آن موقع فکر می‌کردم در سال‌های بعدی می‌توانم آن باخت را جبران کنم اما هرگز این فرصت و شانس را پیدا نکردم. بیش از دو دهه از آن ماجرا گذشته و هنوز هم وقتی این کشتی‌گیر را در تورنمنت‌های بین‌المللی می‌بینم، یاد آن روز عجیب می‌افتم.

شاید اینکه می‌گویند باید قدر لحظات را دانست را بهتر از هر کسی درک می‌کنی.

به هر حال خیلی از آن ماجرا گذشت ولی برایم درس عبرت بزرگی شد. من واقعاً این جمله را زندگی کردم.

یک حسرت بزرگ برای تو شد.

حسرت بزرگ‌تری را هم در سال‌های بعد تجربه کردم. بزرگ‌ترین آرزوی من حضور در المپیک و کسب طلای المپیک بود اما هرگز به آن نرسیدم و این برای من خیلی تلخ شد. حضور در المپیک و کسب مدال طلای المپیک بزرگ‌ترین آرزو و مهم‌ترین اتفاق هر ورزشکار حرفه‌ای است ولی این موفقیت مهم را نتوانستم تجربه کنم. با توجه به توان فنی که در آن زمان داشتم حضور در بازی‌های آسیایی و طلای المپیک را حق خودم می‌دانستم اما به بزرگ‌ترین حسرت ورزشی‌ام تبدیل شد. و حالا در نقش سرمربی در آستانه حضور در المپیک هستی؟

من فکر نمی‌کنم که موفقیت در المپیک و کسب مدال طلا توسط کشتی‌گیران در این رویداد بزرگ کمتر از طلای خودم باشد. یعنی در این حد واقعاً خوشحال می‌شوی؟

نزدیک به دو دهه است که کشتی فرنگی ایران به موفقیت‌های کم‌ظنیری در سطح جهان رسیده و حالا بزرگ‌ترین آرزوی من در حال حاضر تکرار این موفقیت‌ها است.

به رؤیای دوران قهرمانی که نرسیدی، فکر می‌کنی به رؤیای دوران مربیگری برسی؟

رؤیای من در عرصه مربیگری کسب ۴ مدال طلای المپیک است.

یعنی عبور از رکورد محمد بنا؟

نه موضوع این نیست. من نگاهم در عرصه مربیگری مثل مسابقات دوی ۴۰۰ متر امدادی است. چوب را از محمد بنا تحویل گرفتم و باید به بهترین شکل ممکن دیر یا زود به فرد بعدی تحویل بدهم. بار امانتی را به دوش کشیدم و باید امانتدار خوبی باشم. جمله شما یعنی به فکر ثبت یک رکورد جدید هستی، این توقع زیادی را به وجود می‌آورد.

تمام توان و تمرکز من این است که امانتدار خوبی باشم. به چیز دیگری فکر نمی‌کنم اما اگر توقعی وجود دارد و این توقع از جانب مردم است که مطالبه‌جویی است و باید مثل یک سرباز برای تحقق مطالبه آنها تلاش کنیم اما اگر از جانب کارشناسان و مسئولان است که بحث فرق می‌کند.

چرا؟

چون هیچ وقت المپیک‌های فکر نکردیم و هیچ وقت برای حضور در بازی‌های المپیک برنامه‌ریزی نکردیم. همیشه به فکر مسابقات جهانی بودیم. مدال بگیریم و خوش بدرخشیم و المپیک فدای جهانی شده است. باید نگاه خود را تغییر بدهیم، باید المپیک‌های فکر کنیم.

ولی حالا در آستانه المپیک همه نگاه‌ها به سوی کشتی است.

کشتی‌کلا در تمام دوره‌ها ۱۱ طلا گرفته که فقط ۴ طلا سهم کشتی فرنگی بوده. کشتی فرنگی هم یک خط در میان طلای المپیک را گرفته.

این حرف یعنی در المپیک خبری از طلا نیست؟

نه من چنین حرفی نزدم ولی می‌گویم باید شرایط را درک کرد. برنامه‌ریزی واردی و تدارکات به بهترین شکل انجام شده اما المپیک رویداد دیگری است.

می‌توانی کشتی فرنگی الان را با دوره خودتان مقایسه کنی؟

کشتی فرنگی در دوره ما با الان اصلاً قابل قیاس نیست. دوره ما اعتماد به نفس نداشتیم. الان کشتی‌گیر ۲۰ ساله با توقع کسب مدال طلای جهان به اردو می‌آید اما آن موقع کسی جرأت فکر کردن به مدال را نداشت. تمرینات، برنامه‌ریزی و امکانات همه چیز تغییر کرده است.

اگر بخواهی ترکیبی رؤیایی بچینی کدام نفرات را انتخاب می‌کنی؟

به نظر من در وزن ۵۵ کیلوگرم حمید سوریان بهترین تاریخ است اما اگر بخواهم تیم المپیک بچینم باید بگویم که در وزن ۶۰ کیلوگرم امید نوروزی، در وزن ۶۷ کیلوگرم محمدرضا گرایسی، در وزن ۷۷ کیلوگرم محمدعلی گرایسی، در وزن ۸۷ کیلوگرم طالب نعمت‌پور، در وزن ۹۷ کیلوگرم ترافیک داریم. هادی ساروی که الان با چهار مدال جهانی و المپیک بهترین است و در کنار او بابک قربانی و امیرعلی اکبری و قاسم رضایی که با دو مدال المپیک پرافتخارترین فرنگی کار تاریخ است. در وزن ۱۳۰ کیلوگرم امین میرزازاده بهترین کشتی‌گیر سنگین وزن است.

درباره نسل دوره شما که فقط دو مدال جهانی هم گرفت حرف زیاد بود. محمد بنا اعتقاد داشت که نسل شما مدال‌های بیشتری باید می‌گرفت.

نسل کشتی فرنگی که بعد از نسل سیم‌خواه و چمن‌گلی آمد، واقعاً شایستگی فراوانی داشت ولی به حق فنی خود نرسیدند. شاید خیلی‌ها در آن تیم از من بهتر بودند اما نتوانستند به حق خود برسند.

گفت و گو با هاگان دمیر سرمربی تیم ملی بسکتبال خیلی دوست دارم نوروز ایران را ببینم

می خواهم بسکتبال ایران را به روزهای خوب گذشته برگردانم

هاگان دمیر سرمربی ترکیه ای تیم ملی بسکتبال سال پرچالشی را همراه با تیم ملی گذراند. او در همان شروع کار خود با دو تورنمنت بزرگ جام جهانی و بازی های آسیایی روبه رو بود و زمان زیادی برای آماده سازی تیم در اختیار نداشت. با این حال بابت نتایج ضعیف تیم ملی مورد انتقاد قرار گرفت. هاگان اما وارث تیمی است که بسیاری از ستاره های سرشناس خود را از دست داده و با تغییر نسل بزرگی مواجه شده است. او خودش نیز سعی دارد به بسکتبال ایران کمک کند تا از مرحله گذار و تغییر نسل به خوبی عبور کند. عملکرد تیم ملی در دو بازی پنجره اول انتخابی کاپ آسیا که در اسفندماه برگزار شد امیدوارکننده بود و نشان داد هاگان با گذشت زمان می تواند تفکرات خود را در تیم پیاده کند. به مناسبت پایان سال ۱۴۰۳ گفت و گویی اختصاصی با سرمربی تیم ملی ترکیه

گفت و گو

فرخ حسابی
روزنامه نگار

با حال و هوای فرهنگی و البته فنی انجام دادیم.



بسکتبال ایران در جست و جوی یک فرایند تازه است. به عنوان فردی که در شروع این فرایند هدایت تیم ملی را برعهده گرفته ام، می خواستم و می خواهم کسی باشم که به این فرایند تغییر نسل کمک کنم و بسکتبال ایران را به روزهای خوب گذشته خود برگردانم



قبل از اینکه مربی تیم ملی ایران شوید، چه ذهنیتی راجع به ایران داشتید و بعد از کار در ایران چه تغییری در دیدگاه شما ایجاد شد؟
من قبل از شروع کار در تیم ملی، شناخت خوبی از ایران داشتم. ایران همسایه کشور من است و من همیشه ادبیات، سینما و موسیقی این کشور را تحسین می کنم که البته روابط نزدیکی هم با ترکیه در طول تاریخ داشته اند. فرصت کار از نزدیک در ایرانی که من از دور می شناختم، تحسین من را نسبت به همه مواردی که قبلاً به آنها جذب شده بودم، بیشتر هم کرد.

چه جنبه هایی از فرهنگ ایران بیشتر برای شما جذاب بود؟

همانطور که گفتم فرصت مشاهده و تجربه سینما و ادبیات ایران از نزدیک، شیفتگی من را نسبت به این موضوعات فرهنگی بیشتر کرد. ایران در بسکتبال هم تاریخ خوبی دارد. فرصت گرفتن مسئولیت تیم ملی کشوری که موفقیت های مهمی در آسیا کسب کرده اما در چند سال اخیر به دنبال راه حل های جدیدی بوده، قطعاً یک عامل جذاب برای من بود تا پست سرمربیگری تیم ملی را قبول کنم.

به عنوان یک مربی حرفه ای، چطور آگاهی و شناخت فرهنگی را در کار با تیم ملی ایران به خدمت گرفتید و به شما کمک کرد؟

دلیلی که من تیم ملی را انتخاب کردم این بود که ایران تاریخچه و قدمت مهمی در بسکتبال آسیا دارد اما در عین حال در مرحله تغییر نسل قرار دارد و نسل طلایی خود را پشت سر گذاشته است. همچنین بسکتبال ایران در جست و جوی یک فرایند تازه است. به عنوان فردی که در شروع این فرایند هدایت تیم ملی را برعهده گرفته ام، می خواستم و می خواهم کسی باشم که به این فرایند تغییر نسل کمک کنم و بسکتبال ایران را به روزهای خوب گذشته خود برگردانم.



دمیر، یک چهره متفاوت و دقیق

مردی که زیاد می‌دانست

آیسان سعیدی

روزنامه‌نگار

چالش بزرگ آغاز کرد؛ قلم قرمز کشیدن روی نام محمد جمشیدی، مهم‌ترین ستاره تهاجمی تیم. آنچه از دمیر در بدو ورود چهره یک مربی جدی و اصولگرا را به رخ کشید که از انگاره‌هایش سرسوزنی عقب‌نشینی نمی‌کند.

دمیر در طول حضورش روی نیمکت تیم ملی بسکتبال پلن خود را بله به پله پیش برد اما چند ایونت مهم از جام جهانی بسکتبال گرفته تا بازی‌های آسیایی و البته پنجره انتخابی کاپ آسیا سرعت او را کند کرد و برنامه‌هایش را عقیم گذاشت. به ویژه اینکه در بحث نتیجه‌گرایی نیز دمیر چندان موفق نبود و همین پلن را به حاشیه برد. با این وجود آنچه از دمیر روی نیمکت تیم ملی بسکتبال دیدیم، چهره یک مربی جدی، منضبط، دقیق و با دیسیپلین بود که برای هر لحظه و هر ثانیه‌اش برنامه داشت و هیچ تصمیمی او را ولو کوچک بدون برنامه و تفکر انجام نداد. مردی که در اتمسفر سنتی بسکتبال ایران، یک هوای تازه بود که توپ و حلقه را با علم روز در هم آمیخت. دمیر از این منظر برای بسکتبال ایران یک غنیمت بود، اگر چه برای اجرای تفکرات و انگاره‌هایش نیاز به زمانی طولانی دارد که در بسکتبال عجول ایران کمتر به آن تن می‌دهند.

حضور او در ایران یک شگفتی بزرگ بود. مردی از همسایه غربی که در بسکتبال چندان آوازه‌ای ندارد. آنها مدت‌هاست برای بسکتبال برنامه‌ریزی کرده‌اند و به دنبال ماجراجویی زیرسید هستند اما تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله ببعیدی دارند. با این وجود هاکن دمیر در این دوران گذار یک چهره متفاوت است. مردی که بسکتبال را از دریچه متفاوتی می‌بیند و این تفاوت در حوزه تکنیکال و تاکتیکال و مهم‌تر از همه سلوک او به وضوح قابل لمس است. دمیر از این منظر یک گزینه جامع و مانع برای بسکتبال ما بود که در روزگار تغییر نسل و عصر بازنشستگی نسل طلایی خیرالموجودین محسوب می‌شد. دمیر با مأموریت تغییر نسل به ایران آمد و با آنالیز دقیق از بسکتبال ایران که روزگار پیرانه‌سری ستاره‌های بزرگش را تجربه می‌کرد، به فراسط دریافت که بسکتبال ایران به همان اندازه که در فاز تهاجمی موفق و برنده است، در فاز تدافعی متزلزل و آسیب‌پذیر نشان می‌دهد، پس برنامه کوتاه‌مدت خود را به بازسازی و ترمیم ساختار دفاعی گذاشت و در همان ابتدا کارش را با یک



در ترکیه این باور وجود دارد که هر طور که سال را شروع کنی همانطور هم آن را تمام می‌کنی. بنابراین اکثر مردم دوست دارند در کنار خانواده و عزیزان خود در سال نو باشند. خود شما و خانواده‌تان چه کار خاصی هنگام تغییر سال انجام می‌دهد و چه احساسی دارید؟

پسرم «پوپریاز» در حال حاضر خارج از ترکیه مشغول تحصیل است. به همین خاطر جشن گرفتن تحویل سال نو در کنار خانواده‌ام برای من خیلی ارزش بیشتری دارد. همیشه اولین انتخابم این است که هنگام شروع سال در کنار پسرم و خانواده‌ام باشم، چرا که در طول سال خیلی دلتنگ آنها می‌شوم.

فرهنگ نوروز در ایران را چقدر درک کرده‌اید و آیا می‌توانید آن را با جشن سال نو در ترکیه مقایسه کنید؟

کلمه نوروز در ترکیه معنی کمی متفاوت نسبت به فارسی دارد اما در فرهنگ ما هم نماد شروع بهار است. استقبال از بهار هم با شوق و شوق خاصی انجام می‌گیرد اما به اندازه ایرانی‌ها نه چون برای ایرانی‌ها شروع بهار با شروع سال نو همراه است. در ترکیه فستیوالی در شروع بهار به نام «مسیر فستیوال» در شهر مانیسا که من الان در آن زندگی و کار می‌کنم برگزار می‌شود. من نوروزهای زیادی را در ترکیه تجربه کرده‌ام و خیلی دوست دارم یک نوروز را در ایران هم تجربه کنم.

بیامی برای مردم ایران در شروع سال جدید. ایران کشوری است که در آن بسیار راحت هستیم و آن را مثل خانه خودم می‌دانم. صمیمانه به همه مردم ایران سال جدید را تبریک می‌گویم. امیدوارم این شانس را داشته باشم که در آینده نوروز را در ایران و کنار مردم خوب ایران تجربه کنم.

و آخرین سوال؛ هاکن دمیر با تیم ملی ایران ادامه می‌دهد؟

من تا ماهی با تیم ملی قرارداد دارم. تا آن زمان با فدراسیون بسکتبال ایران مذاکره خواهیم کرد و تصمیمی می‌گیریم که بهترین تصمیم برای بسکتبال ایران باشد.





افول بسکتبال ایران در سال ۱۴۰۲ سید بی‌مدال!

گزارش

محمدرضا طبری
خبرنگار

سال ۱۴۰۲ سالی پرترافیک و پررویداد برای بسکتبال ایران بود. سالی که سه ماهه اولش چندان پرتب و تاب نبود اما با لمس تابش شدید تابستانی خورشید رویدادهای این رشته دانشگاهی استارت خورد و تیم‌های ملی ایران را به چالش کشاند. رویدادهای مختلف و متنوعی که کسب موفقیت در آنها می‌توانست سالی ماندگار را رقم بزند ولی عدم موفقیت در آنها، به معنای به باد رفتن رویاهای ورزش برای کسب افتخارات بزرگ شد. رویای از دست دادن المپیک، مدال طلای بازی‌های آسیایی و از دست دادن مرد بزرگ بسکتبال (محمود مشحون) باعث شد تا سال خرگوش برای بسکتبال ایران خوش‌یمن نباشد.

بازنده تمام عیار در جام جهانی ۲۰۲۳

هاکان دمیردر تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه سرمربی تیم ملی شد. او ایران را در پنجره‌های انتخابی کاپ آسیا، جام جهانی و بازی‌های آسیایی عهده‌دار شد. او پیش از شروع جام جهانی ۲۰۲۳ در مصاحبه‌ای گفت: «در ترکیه به عنوان مربی ای شهرت دارم که در امور دفاعی تبحر دارد. امیدوارم تغییرات مثبت در جام جهانی حس و دیده شود. باید دفاع و حمله تیم‌مان را به سطح جهانی برسانیم.» اما با قبول شکست مقابل تیم‌های برزیل، ساحل عاج و اسپانیا در دور مقدماتی و سپس در مسابقات رده‌بندی ۱۷ تا ۳۲ جام جهانی به لبنان ۲۳-۸۱ باخت تا پیش از اردن جایگاه ۳۱ را به خود اختصاص دهد و جام جهانی ۲۰۲۳ را به عنوان یک بازنده تمام عیار به پایان برساند. تیم ملی ایران با این نتیجه حتی به تورنمنت انتخابی المپیک هم صعود نکرد و تأثیر مثبت اولین مربی خارجی بعد از ۷ سال، در زمین بازی دیده نشد.

خداحافظی تلخ حدادی

حامد حدادی که پیش از این هم انتظار خداحافظی او در پایان جام جهانی می‌رفت، مقابل لبنان با چشمانی آماده گریه، بازی را تماشا کرد. حدادی که دوران پرافتخاری را در تیم ملی بسکتبال ایران طی کرده، در روز آخر هم موفق به یک برد دیگر با تیم ملی نشد و به این ترتیب بازی و تورنمنت خداحافظی او به خاطرهای تلخ تبدیل شد. بازیکنان لبنان در پایان مسابقه دور حدادی حلقه زدند و در مراسم خداحافظی او مشارکت کردند.

بدترین عملکرد در بازی‌های آسیایی

تیم ملی بسکتبال ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ هانگ‌ژو از رسیدن به سکوناکام بود و پنجم شد تا همانند ۵۷ سال قبل، در جمع ۴ تیم برتر این مسابقات نباشد.

با وجود اینکه تیم ملی ایران در دوره‌گذار و تغییر نسل قرار دارد، بسیاری معتقدند که عدم حضور در جمع ۴ تیم پایانی بازی‌های آسیایی نشان از عملکرد ضعیف تیم است. در بعد نتیجه‌گرایی قطعاً این موضوع رانمی‌توان انکار کرد، با این حال باید این نکته را هم در نظر داشت که پس از سال ۲۰۰۷، این نخستین بار بود که تیم ملی بسکتبال ایران بدون در اختیار داشتن فوق ستاره‌ای چون حامد حدادی، در یک تورنمنت رسمی حاضر شد و به طور کلی خبری از ستارگان نسل طلایی در این تیم نبود. آنها در چهار دوره قبل بازی‌های آسیایی یعنی ۲۰۰۶-۲۰۱۰، ۲۰۱۰-گوانگژو، ۲۰۱۴-اینچئون و ۲۰۱۸-جاکارتا، با حضور ستارگان خود به ترتیب ۲ عنوان سومی و ۲ عنوان نایب قهرمانی را به دست آورده بودند که به همین دلیل انتظار می‌رفت که در بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲-هانگ‌ژو هم مدال آوری خود را تکرار کند که این اتفاق رخ نداد و شاگردان دمیر با باخت مقابل فیلیپین (قهرمان مسابقات) از رسیدن به جمع چهار تیم بازمماند و به رتبه پنجم رسید.

نتایج بهتر در بخش زنان

یکی از بخش‌های مثبت کارنامه داوری، تغییرات امسال در تیم ملی بسکتبال زنان بود. حضور الی



تیم ملی ایران
با نتایجی که
در جام جهانی
بدست آورد حتی
به تورنمنت
انتخابی المپیک
هم صعود نکرد و
تأثیر مثبت اولین
مربی خارجی بعد
از ۷ سال، در زمین
بازی دیده نشد

کاپوچیانی سرمربی یونانی تیم ملی بسکتبال زنان ایران برخلاف هاکان دمیر با استقبال مواجه شد و تیمی که در دوره قبلی مسابقات دسته ب کاپ آسیا مقابل همه حریفان شکست خورده بود، این بار به فینال رسید و با باخت مقابل اندونزی از صعود به دسته الف بازماند. تیم زیر ۱۶ سال دختران هم امسال عملکرد بهتری داشت و به فینال دسته ب آسیا صعود کرد.

وداع با مرد بزرگ بسکتبال

ضایعه بزرگ برای بسکتبال از دست دادن محمود مشحون بود. رئیس قدیمی بسکتبال ایران در سن ۸۲ سالگی چشم از جهان فرو بست. او متولد سال ۱۳۲۰ بود و خیلی زود وارد عرصه مدیریت ورزشی شد. او در چند مقطع ریاست فدراسیون بسکتبال را برعهده گرفت و آخرین دوره ریاستش از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۶ همزمان با دوران طلایی بسکتبال بود. مردی با شخصیتی محکم و کاریزماتیک، روش خاص او در مکالمه این بود که حرف‌ها را با دقت می‌شنید، نگاه نافذی داشت که از عکس‌ها هم مشخص است، کمی تأمل در باره حرف‌های مطرح شده، داشت و بعد جوابی می‌داد که مشخص بود تا چند قدم بعدی را هم سنجیده. این بود که معمولاً حرف او به نتیجه می‌رسید و کمتر کسی با قدرت شخصیتی مشابه برای مخالفت مستقیم وجود داشت.

فرشته‌هایی که پرکشیدند

امسال بسکتبال فرشتگانی را از دست داد که داغ را بر دل همه گذاشت. ترنم شاهین زاده بازیکن تیم نفت آبادان که به علت سانحه رانندگی در مسیر اصفهان به شاهین شهر در تیرماه درگذشت. بازیکن ۲۲ ساله‌ای که طبق گفته کارشناسان یکی از ستاره‌های آینده‌دار بسکتبال زنان محسوب می‌شد.

امیرمحمد اردکانی و محمدامین کاظمی، دو بسکتبالیست قزونی که اوایل بهمن ماه و در مسیر بازگشت از رقابت‌های لیگ بسکتبال نوجوانان در جاده ساوه دچار سانحه شده و دارفانی را وداع گفتند.



حدادی: قیمت دلار از پرش بسکتبالیست‌ها بلندتر شده

خدا حافظی از تیم ملی؟ دل‌تنگ شدم اما پشیمان نه!

برای شروع سبزه انتخاب می‌کنیم که نماد زندگی و نشاط است و بعد برای روشنایی و جاودانه شدن گرمای زندگی به سراغ جاشمی و شمع می‌رویم. حالا نوبت آب و آینه است که به ترتیب نماد روشنی و پاکی هستند. در ظرف دیگر باید سیب‌ها را بچینیم که نماد عشق، سلامتی و زیبایی هستند و در کنار آن سنجدها که نماد دلدادگی و زایش و باروری هستند را قرار می‌دهیم. سین بعدی سکه است که برکت را وارد زندگی ما می‌کند. برای حفظ صبر و استقامت سمنو را هم در طرف دیگر سفره می‌گذاریم. بوی خوش سمبل به ما یادآوری می‌کند که با آمدن بهار امید دوباره در ما جوانه می‌زند و زندگی ادامه دارد. ماهی قرمز کوچولو که بی‌تابانه در تنگ کوچک شنا می‌کند هم حرفی برای گفتن دارد که به ما می‌گوید که فصل زمستان رفتنی و فصل بهار در راه است. حالا که هفت سین زیبایی خود را چیدیم باید مشتاقانه منتظر رسیدن فصل بهار بنشینیم. اینها همه حال و هوایی است که هر ایرانی به هنگام نزدیک شدن سال تحویل دارد، شاید این حال برای بازیکنی چون حامد حدادی ستاره بزرگ بسکتبال ایران و آسیا که ۱۵، ۱۶ سالگی بود دور از خانواده، عید را در زمینی به وسعت ۲۸ در ۱۵ متر سپری می‌کرد. هفت سین او ۴ بازیکن هم‌تیمی‌اش، سرمربی و توپ بسکتبالش بود. سال‌ها دل‌تنگ و دل‌تنگ گفتن پدرش و دستان مادر بود که او را در آب و هوای گرم اهواز کنار سفره هفت سین بنشانند و خنده‌های شادی و سال نوی‌شان سر به فلک بکشد. در آستانه سال نوی شمسی به سراغ حامد مهربان رفتیم تا از این روزهای پیش رو صحبت کنیم.

هم به سعید خان فتیحی که تأثیر زیادی روی بسکتبال من داشت، زنگ می‌زنم.

دومین عیدی خواهد بود که کنار همسران جشن عید نوروز می‌گیرید. آیا با همسرت جنگ این را ندارید که منزل مادرخانم ابتدا بروید یا منزل خانواده خودتان؟

نه مشکلی ندارم. با او یکی هستیم و پارسال هم به جنوب رفتیم و کنار خانواده‌ام همه جمع بودیم.

متأهلی بهتر است یا مجردی؟

هر دو خوبی و بدی‌های خودشان را دارند. ولی وقتی متأهل می‌شوی، زندگی‌ات نظم بهتری خواهد داشت. تمرین، خواب و خورد و خوراک بهتر است. کلاً زندگی‌ات روتین خودش را پیدا می‌کند. ضمن اینکه از حاشیه‌ها به دور هستی. در کل باید بگویم در سن مناسب ازدواج کردن خوب است. زمانی که به یک بلوغ فکری رسیده باشی.

دوست نداری در حال حاضر پدر شوی؟

هر مرد وزنی دوست دارد که پدر و مادر شود تا خانواده خود را کامل کنند. ولی برای ما هنوز زود است.

سال ۱۴۰۳ سال ازدهاست، ازدهای ورزشی ایران کیست؟

نمی‌دانم. ولی چون سال المپیک است آرزوی منم که همه در پاریس ازدها باشند و مدال‌ها را مال خود کنند. بین ورزشی‌ها چه کسی قبل از همه به شما زنگ می‌زند؟ یا اینکه خودت زنگ می‌زنی؟

معمولاً خودم به دوستان ورزشی‌ام پیامک می‌زنم. ولی به خانواده‌و آدم‌های خاص زندگی‌ام زنگ می‌زنم. و اولین فوتبالیستی که با او تماس می‌گیری؟

من همیشه پیشقدم هستم. برایم فوتبالیست، هنرمند و بسکتبالیست ندارد. خودم هنرمند و بسکتبالیست می‌دهم.

پیشاپیش پیامک می‌دهم. خدا حافظی نشده‌ای از تیم ملی خدا حافظی کرده‌ای؟

مسلماً برای تیم ملی دلم تنگ می‌شود. اما پشیمان نیستم. فکر می‌کنم به موقع بود. خیلی دلم هم می‌خواست در بازی‌های آسیایی بازی کنم ولی شرایط به سمتی رفت که خدا حافظی کردم.

پیامی برای مردم ایران به مناسبت سال جدید داری؟

شرایط زندگی خیلی سخت شده امیدوارم مسئولین به فکر مردم باشند و آرزوی موفقیت و سلامتی برای تمام مردم عزیز کشورم می‌کنم.

فکر می‌کنم برای سال جدید دیگر نتوان بازیکنان خاصی را در هر رشته‌ای جذب کرد؟

مطمئن باشید. به هر حال بازیکن با کیفیت قیمت بالایی دارد. در بسکتبال هم تمامی تیم‌ها با این شرایط صعودی قیمت، جذب خارجی‌ها را برای مرحله پلی‌آف می‌گذارند. در این حالت کار تیمی و هماهنگی تیم‌های باشگاهی برهم می‌خورد. کیفیت لیگ‌ها هم پایین می‌آید.

خیلی‌ها می‌گویند وضعیت حامد حدادی آنقدر خوب است که می‌تواند به همه ورزشکاران وام دهد؟

به خدا اشتباه رساندند. الان چند سال است چینی‌ها پول نداده‌اند. این حرف‌ها دروغ است.

اولین عیدی است که محمود مشحون بزرگمرد بسکتبال در بین ما نیست. از آنجا که رابطه خوبی هم بین شما دو نفر حاکم بود و همیشه اعیاد به او زنگ می‌زدی، سال جدید چه خواهی کرد؟

من همیشه در اولین گام به محمود آقا خدا بیا مرز زنگ می‌زنم. الان هم برای من خیلی سخت است که او نیست. دلم تنگ می‌شود. بعد از او



هر مرد وزنی دوست دارد که پدر و مادر شود تا خانواده خود را کامل کنند. ولی برای ما هنوز زود است

گفت و گو

پریسا غفاری خبرنگار

عید را تا حالا شده در کنار خانواده‌ات نباشی؟

بله خیلی وقت‌ها بود. ۱۵ تا ۱۶ سالگی شد که بواسطه بازی در آمریکا و چین عیدها کنار خانواده عزیزم نبودم. دل‌تنگ همه آنها می‌شدم. دل‌تنگ پدر، مادر، خواهر و برادرم. دل‌تنگ هفت سین و شنای ماهی و هوای عالی اهواز.

در این مدت زمانی چینی‌ها و آمریکایی‌ها سورپرایز کرده‌اند و برای جشن سال تحویل بگیرند؟

اغلب ایرانی‌ها در شهرهایی که من بودم من را سورپرایز کرده‌اند. آنها حتی شب یلدا و چهارشنبه سوری من را دعوت می‌کردند ولی بواسطه اینکه بازی داشتم، اغلب درگیر تمرین بودم.

الان پس خیلی خوشحالی بعد از این همه سال عید پیش خانواده‌ای؟

بله، ۱۶ سال دور از خانواده بودم. ولی الان در آبادان که بازی می‌کنم و هفته‌ای یکی و دوبار به دیدن خانواده و بچه‌ها هم به اهواز می‌روم. او با همان کودکی‌اش آنقدر خوشحال است که دایی‌اش را می‌بیند. دلم برای همه این روزها تنگ شده بود.

امسال عید را کجا خواهی برد؟

پیش خانواده‌ام به خوزستان می‌روم. ارتباط با مردم آبادان چطور است؟

خودم خیلی خوشحالم که به آنجا برگشتم. تمام سعی و تلاشم این است که بتوانم با این تیم همیشه برنده بیرون بیایم. بین من و مردم آبادان رابطه خوبی است. به هر حال

همه ول‌کیم.

تو هم مهم‌ترین اتفاق سال بوده. پرش قیمت دلار از

پرش شما بسکتبالیست‌ها بیشتر

شده! قبول دارید؟

نه تنها از پرش ما بسکتبالیست‌ها، بلکه از والیبالی‌ها و هر رشته‌ای دیگر حتی پاراگلایدر بیشتر شده است. با این شرایط بالارفتن قیمت دلار در سال جاری



با پشت‌خطزن سابق تیم ملی

محمودی: ژن خوب پسر است و والیبال در خونش

گفت‌وگو

مهری رنجبر
روزنامه نگار

چند وقتی هست که نه از او خبری است، نه پروازهای روی تورش. سوپرستار والیبال ایران با اینکه گفته مری می‌شود، اما وقتی پیشنهادش چنگی به دل نزد، جور دیگری در ورزش ماند. او حالا مجموعه‌ای ورزشی ساخته تا به قول خودش هم خودش ورزش کند و هم مردم. حرف از شهرام محمودی است؛ پشت‌خطزن سابق تیم ملی والیبال. همان بازیکنی که با هر پرش روی تور در تیم ملی همه را به وجد می‌آورد. با شهرام محمودی بعد از مدت‌ها درباره والیبال، دلتنگی‌ها، مجموعه‌اش و... صحبت کردیم که خواندنش خالی از لطف نیست.

شما در ساخت مجموعه ورزشی هستی، چه زمانی افتتاح می‌شود؟

خدا را شکر کارمان خوب پیش رفته، البته به خاطر یکسری مشکلات، کار متوقف شد که پیگیر هستیم تا برطرف شود، بنابراین افتتاح فاز یک، دوسه ماه بیشتر زمان می‌برد. این مجموعه چهار فاز دارد که فاز اول آن شامل دوزمین تنیس خاکی، والیبال ساحلی، دوزمین پدل، فوتبال چمن مصنوعی، کافی شاپ و رختکن است.

همه فکر می‌کردند با خداحافظی از دنیای قهرمانی، شهرام محمودی را روی نیمکت تیم به عنوان مربی ببینند اما چطور سراغ مجموعه‌داری رفتی؟

من دوست داشتم مدتی از والیبال و حال و هوایش دور باشم و استراحت کنم. البته پیشنهاد هم داشتم اما پیشنهاد خوبی نبود و قبول نکردم. حالا باید جایی کار کنم که شرایط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اش خوب باشد. امیدوارم در آینده پیشنهاد خوبی داشته باشم تا شروع به کار کنم. البته من واقعاً دوست داشتم مدتی دور بمانم که بعد هم پیگیر راه‌اندازی مجموعه ورزشی شدم تا هم خودمان ورزش کنیم و هم کنار ورزش باشیم. دوری از والیبال، زمین، توپ و مسابقه سخت نبود؟

وقتی قرار باشد کاری را انجام دهم خیلی راحت کنار می‌آیم. وقتی تصمیم گرفتم والیبال را کنار بگذارم، همه قضایا را برای خودم حل کردم، حتی همان موقع فکر کردم وقتی بروم، شاید مربیگری کنم و شاید هم نه. من با همه شرایط خداحافظی را پذیرفتم، بابت همین مثل خیلی‌ها سخت با قضیه کنار نیامدم، یا مثل یک عده که شرایط روحی‌شان به هم می‌ریزد، به هم نمی‌چسبند.

به حدی با این قضیه کنار آمدی که حتی دلت برای والیبال تنگ نمی‌شود؟

دلم برای آن روزها تنگ می‌شود، دلتنگ والیبال، سالن و مسابقه می‌شوم، اما نه آن‌طور که خودم را اذیت کنم.

چطور؟

به هر حال حالا که بیشتر کنار خانواده‌ام هستم، بزرگ شدن بچه‌هایم را می‌بینم و لذت می‌برم. شرایط هم فراهم باشد، مربیگری می‌کنم، اما در ایران بعضی مسائل در کار کردن تأثیرگذار است؛ شرایط حاشیه‌ای، باشگاه‌ها و...

روزهایی که نبودی را جبران می‌کنی؟

سعی کردم از والیبال بیرون بیایم. به هر حال روزها، شب‌ها و لحظات زیادی را کنار خانواده‌ام به خاطر اردو، تمرین، تیم ملی و مسابقات از دست دادم. پسر آرسام که به دنیا آمد خیلی کنار همسرم و او نبودم، اما خوشبختانه از وقتی دخترم آرشیدا به دنیا آمد کنارشان هستم، حالا دختر و پسر، پدرشان را بیشتری ببینند و من هم بزرگ



دلم برای آن روزها تنگ می‌شود

ناکامی؛ شرایط تیم ملی را پیچیده کرد





والیبال در خون پسرم است

امیدوارم تیم ملی
به المپیک صعود
کند

پاژبه عنوان
دستیار، رزومه
بدی ندارد

شدن آنها را لمس می‌کنم. بچه‌ها به وجود من نیاز دارند، امیدوارم سال‌های سال کنارشان باشم. پس حسابی از پدر شدن لذت می‌بری؟

خیلی خیلی لذت می‌برم. فکر می‌کنم یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های دنیا، پدر شدن است. لذت بزرگی که قابل وصف نیست.

یک استوری گذاشته بودی که پسرت داشت والیبال می‌دید.

دقیقاً. یکی از دوستانم که در مینی والیبال مربی خودم بود، نزدیک خانه‌ام کلاس آموزشی دارد که پسرم را در هفته دو، سه روز برای یادگیری آنجا می‌برم و آموزش می‌بیند، البته من هم هر چیزی را که بلدم به آرسام یاد می‌دهم، خودم هم با آنها تمرین می‌کنم.

کار با بچه‌های رده پایه راحت‌تر است یا بازیکنان بزرگسال؟

متفاوت است. کار در رده پایه آموزشی است اما در رده بزرگسالان شرایط فرق می‌کند. آنها حرفه‌ای‌تر هستند و مربی باید تاکتیک، تکنیک و عوامل مختلف را در نظر بگیرد، در عین سختی، لذتبخش است. البته درآمد هم هست. در حالی که برای کار با بچه‌ها فقط آموزش است و مسابقه.

قرار است محمودی پسرم هم در پست پدر بازی کند؟

پشت خط زن، سخت‌ترین پست والیبال است. من هیچ اجباری برای کارش ندارم و فعلاً که همه تلاشم برای این است که والیبال را درست و اصولی یاد بگیرد تا وقتی بزرگ‌تر شود. اما خودش هم خیلی پشت خط زنی را دوست دارد و خوش تکنیک هم هست.

پس والیبال در خونش است.

ژن خوب پسرم است واقعاً والیبال در خونش است، وقتی بازی می‌کند من خیلی لذت می‌برم، از طرف دیگر قدرت یادگیری‌اش هم بالاست. حالا از دید یک پدر و یک مربی درباره آرسام صحبت می‌کنم (با خنده).

بد نیست کمی هم درباره والیبال صحبت کنیم.

امسال با ناکامی تیم ملی والیبال، سال سخت و تلخی برای والیبال بود، درست است؟

والیبال ایران امسال فراز و نشیب زیادی داشت. تیم ملی در قهرمانی آسیا به ژاپن باخت و کار را با قهرمانی تمام نکرد. هرچند در بازی‌های آسیایی ژاپن را برد اما تیم جوانان ژاپن را برد و قهرمان شد. ملی پوشان در لیگ ملت‌ها اصلاً خوب نبودند و همین‌طور انتخابی المپیک. در مجموع باید گفت امسال اصلاً شرایط خوب نبود و کادر ایرانی با اینکه سال قبل نتایج خوبی گرفته بود، اما امسال نه. در واقع با ناکامی تیم ملی، شرایط خیلی پیچیده بود و همین مسئله کار را برای سال آینده و سهمیه المپیک خیلی سخت‌تر کرده است.

به نظرت با سرمربی جدیدی که انتخاب شده،

می‌توان امیدوار بود؟

تیم ملی باید سال آینده در لیگ ملت‌ها حداقل ۱۲-۱۳ بازی برنده باشد، آن هم مسابقه‌ای که همه قدرتمند می‌آیند، چرا که سال المپیک است و آخرین فرصت برای تصاحب ۵ سهمیه آخر است. تیم‌هایی هم که سهمیه گرفته‌اند شاید هفته اول با ترکیب اصلی نیابند اما از هفته دوم به لیگ ملت‌ها به دید بازی‌های تدارکاتی نگاه می‌کنند و بنابراین همین مسئله کار را سخت‌تر از قبل می‌کند. شرایط خیلی دشوار است و امیدوارم برنامه‌ریزی خیلی

من قصد بی‌احترامی به پاژ را ندارم، او رزومه بدی به عنوان دستیار ندارد، اما شرایط تیم ملی والیبال ما آن قدر پیچیده است که باید مربی می‌آمد که با قرارداد ۴-۵ ساله تیم را احیا کند. وقتی سرمربی می‌آوریم که دستیار بوده، برخلاف آن حجم تبلیغاتی که شده بود، کمی کار سخت می‌شود. باید همه شرایط، امکانات کامل و بی‌نقص برای تیم از نظر بازی تدارکاتی و حتی سخت‌افزاری فراهم شود. سرمربی هر چه می‌خواهد تأمین شود و به تیم آرامش تزریق کنند تا به امید خدا کار خیلی خیلی بزرگ رقم بخورد.

کم‌کم به عید نزدیک می‌شویم. تو با خداحافظی از دنیای قهرمانی، تعطیلات عید را کنار خانواده هستی.

دقیقاً عید در راه است و من هم مثل خیلی‌ها دوست دارم این روزها را کنار خانواده‌ام سرکنم. از قدیم الانام حال و هوای عید برای من چیز دیگری است و آن را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم. این روزها وقتی به قدیم فکر می‌کنم حالم خوب می‌شود. با اینکه شرایط اقتصادی خوب نیست و به مردم سخت می‌گذرد اما عید و دیدن بازدیدش، دوره‌می‌ها و تکرار رسم و رسومات اتفاق خوبی است.

چه آرزویی برای تحویل سال امسال داری؟

شاید این حرف من کلیشه‌ای باشد اما واقعیت است؛ حالا که مردم حالشان خوب نیست امیدوارم شرایط اقتصادی رو به بهبودی برود و مردم را خوشحال ببینم. امیدوارم سال آینده خنده روی لب‌های مردم کم نشود.

خوبی شود. هر چند تیم ما چالش‌های دیگری هم در سال المپیک دارد؛ امسال سازمان لیک، بازی‌های لیک برتر را طولانی کرده، همین مسئله در درس‌ساز می‌شود، در حالی که بازیکنان باید فرصت برای ریکاوری داشته باشند و با انتخاب سرمربی جدید، امیدوارم کادر جدید تأثیرگذار باشد و تیم به المپیک صعود کند.

قبلاً تیم ملی شرایط سخت زیادی تجربه کرده، یادم هست آن موقع شما و خیلی از بازیکنان بعد از پشت سر گذاشتن شرایط سخت معتقد بودید ایرانی‌ها مرد روزهای سخت هستند.

درست است که ما این حرف‌ها را می‌زدیم چرا که همیت و همدلی در شرایط سخت بیشتر می‌شود اما نباید از واقعیت فرار کنیم. درست است که نباید کسی را ناامید کنیم. در عین احترامی که برای همه دوستان قائل هستم اما نباید عوام‌فریبی کنیم. هم رؤیا وجود دارد و هم واقعیت. زمانی من می‌گویم می‌خواهم ایلان ماسک شوم، اما این فقط رویاست، واقعیت چیز دیگری است. حالا احتمال صعود ما به المپیک بین ۵ تا ۱۰ درصد است، ما تلاش می‌کنیم تا ۵۰ درصد شود. درست است که هیچ کاری نشدنی نیست اما خیلی خیلی سخت است. خیلی از اهالی والیبال و سرپرست فدراسیون مدام می‌گفتند چون مردم توقع دارند، مربی تاپ می‌آوریم، اما در عمل چیز دیگری دیدیم.

شما معتقدید پاژ مربی نبود که مسئولان

فدراسیون قولش را داده بودند؟

حرف‌های خواندنی ارزشمندترین بازیکن جام حذفی رومانی غفور: والیبال برایم مهم‌تر از عید نوروز است!



مهری رنجبر
روزنامه نگار

ستاره است اما همیشه از مصاحبه فراری! اصلاً با حاشیه میانه‌ای ندارد، همه تمرکزش روی کارش است. او معتقد است وقتی دور

از همه چیز باشد، در آرامش روی کارش تمرکز می‌کند و پیش می‌رود. شاید همین مسئله باعث شده تا دو فصل پیاپی MVP یا همان ارزشمندترین بازیکن والیبال را از آن خودش کند؛ پارسال در لیگ والیبال ایران و امسال در جام حذفی رومانی. اتفاقی که شاید برای کمتر بازیکنی افتاده باشد. حرف از امیر غفور، پشت خط زن ایرانی است که این فصل در تیم رایپدو بخارست لیگ والیبال رومانی را تجربه می‌کند. تیمی که وقتی غفور با آن قرارداد بست، انتقادات زیادی متوجهش شد اما او ترجیح می‌دهد به انتقادات هم جوابی ندهد؛ حتی در این مصاحبه. هر چند یکسری سؤالات ما بی‌جواب ماند اما از بازیکن با اخلاق و فراری از حاشیه والیبال ایران انتظاری غیر از این نداشتیم.



این دومین باری است که تو ارزشمندترین بازیکن می‌شوی، آن هم دو فصل پشت سر هم. این عنوان پیام دارد؟

واقعیتش لقب ارزشمندترین بازیکن برای هر ورزشکاری لذتبخش است و مسأله‌ای نیست که بخواهی آن را انکار کنی. این لقب لذت خیلی زیادی دارد. به ویژه وقتی که نتیجه خوب تیمی گرفته باشی، یعنی قهرمان شده باشی، بعد از آن جایزه فردی هم اعتبار پیدا می‌کند و قطعاً زمانی اتفاق می‌افتد که همه تیم کارشان را به نحو احسن انجام داده باشند و تو هم بتوانی توانایی‌هایت را به بهترین شکل نمایش دهی. اگر بازیکنان دیگر نتوانند به بهترین شکل کمکت کنند، بدون شک این اتفاق هم نمی‌افتد.

خیلی‌ها وقتی که تو برای بازی در لیگ رومانی قرارداد بستی انتقاد می‌کردند. به نظرت این انتقادات درست بود؟

من دوست ندارم به این سؤال جواب بدهم و از آن رد می‌شوم.

از بازی در این تیم راضی هستی؟

واقعیتش ما از اول فصل که به تیم رایپدو بخارست آمدم می‌دانستیم نزدیک به ۵۸ سال است جامی نگرفته است. در واقع قهرمانی جام حذفی، اولین جامی است که در تاریخ حضورش در والیبال رومانی گرفته است. کاری که ما برای تیم رایپدو در جام حذفی انجام دادیم کار بزرگی است اما اگر در لیگ هم آن را تکرار کنیم بهترین کار را برای باشگاه و هوادارانش انجام داده‌ایم چرا که تا به حال نتوانسته بود از اعتبارش در والیبال دفاع کند. خدا را شکر این اتفاق در جام حذفی افتاد. من از اول فصل هم که با مدیرعامل این باشگاه صحبت می‌کردم، اهداف بلندپروازانه‌ای داشت. اولین رویایی که داشت این بود تیم سهمیه چمپیونزلیگ را بگیرد و برای آن رقابت با بازیکنان بهتری را به ترکیب تیم اضافه کند و با تیمی قوی‌تر در لیگ قهرمانان اروپا شرکت کنیم. خدا را شکر با قهرمانی جام حذفی خیلی به اهداف باشگاه نزدیک شده‌ایم. البته هنوز لیگ تمام نشده و بازی‌های لیگ مانده و به مرحله پلی‌آف نزدیک می‌شویم. امیدواریم که در لیگ هم به نتیجه خوبی برسیم. بدون شک وقتی در تیمی کار کنی که امکانات فراهم است و نتیجه هم بگیرد راضی‌کننده است و از بازی در آن تیم حس خوبی داری. تو بعد از چند سال، فصل قبل در لیگ ایران بازی کردی

کمتر انجام بدهی.

به هر حال ستاره‌ها دوست دارند به چشم بیایند، چطور است که تو حتی از مصاحبه هم فراری هستی؟

هیچ ستاره‌ای با مصاحبه کردن ستاره نشده، شک نکنید ستاره‌ها با زحمت و تمرین جدی، بازی عالی و نمایش خیره‌کننده در زمین ستاره شده‌اند، پس اگر من از مصاحبه فراری باشم معنای دیگری نمی‌دهد. ۲ بار پیاپی بازیکن ارزشمند شدن در ۲ کشور مختلف نتیجه زندگی حرفه‌ای است.

اگر موافق باشی، کمی هم درباره والیبال ایران صحبت کنیم. به نظر می‌رسد والیبال ایران افت کرده، تو موافقی؟

اگر اجازه بدهید من فعلاً در این باره صحبتی نکنم. فکر می‌کنم شاید سال‌های زیادی عید نوروز در کنار خانواده‌ات نبود، آن روزها چطور تجربه‌ای بود؟ ما دیگر به این مسائل عادت کرده‌ایم که نه تعطیلی داشته باشیم و نه عید نوروز. برای ما اینجا هر روز یک روز عادی است که باید تمرین برویم و بیاییم. مهم این است که برنامه استراحت، خورد و خوراک و تمرین به وقتش انجام شود. مهم این است که بدن مان را در چه فرمی نگه داریم تا برای بازی بعدی آماده شویم.

اصلاً متوجه می‌شدی که عید نوروز آمده؟

شاید قبلاً عید نوروز برایم خیلی مهم بود و عید را دوست داشتم اما حالا یک روز عادی است که فقط والیبال برایم مهم‌تر است. به خاطر اینکه اینجا هستیم و سرگرم تمرین و بازی، خیلی متوجه آمدن عید نوروز نمی‌شویم.

چه آرزویی برای مردم داری؟

امیدوارم مردم در سال جدید خوشحال و شاد باشند، در سال جدید به خواسته‌هایشان برسند و سالی سرشار از سلامتی باشد. سالی پر از خیر و برکت.

و نشان دادی هنوز بدون رقیب هستی. خیلی‌ها فکر می‌کردند با شهداب ادامه بدهی اما نماندی و رفتی.

واقعیتش برایم خیلی مهم بود که بتوانم به عنوان قهرمانی در لیگ برتر ایران برسم که خدا را شکر فصل قبل با شهداب یزد این اتفاق بزرگ را تجربه کردم. همین‌جا از مجموعه شهداب تشکر می‌کنم که این شانس را به من دادند تا کنار هم باشیم و اتفاق خیلی خوبی را رقم بزنیم. شهداب یزد به خاطر اینکه سال قبل از این هم قهرمان شده بود معمولاً فشار مضاعفی را برای تکرار قهرمانی در فصل تحمل می‌کند. به هر حال باشگاه شهداب بعد از فراز و نشیب‌ها، اوج کارش در پلی‌آف بود. از کادر فنی‌اش که زحمات زیادی کشیدند تا بازیکنانی که از جان و دل مایه گذاشتند همه به هم کمک کردند تا قهرمانی رقم بخورد. همه بازیکنان بازی کردیم و نتیجه گرفتیم. رکن هر تیم هوادارانش است که با حمایت‌هایشان انرژی می‌دهند. هواداران پر حرارتش همه جوهره پای تیم بودند، حتی از یزد به تهران می‌آمدند و انرژی خوبی می‌دادند و نتیجه‌اش را هم دیدیم. بهترین نتیجه‌ای که رقم خورد و از این بابت خوشحالم.

همه می‌دانند امیر غفور بازیکن فراری از حاشیه، بازیکنی خیلی حرفه‌ای است، حتی آنهایی که تو را خوب می‌شناسند معتقدند فصل قبل همه جوهره زندگی حرفه‌ای داشتی. چطور به این نتیجه رسیدی و از آن راضی هستی؟

زندگی حرفه‌ای، کار سختی نیست. من در طول زمانی که والیبال بازی کردم، سعی کردم نکاتی را رعایت کنم و هر چه از حاشیه دور باشم می‌توانم با آرامش بیشتری کارم را انجام بدهم. همیشه نیاز به مصاحبه و حرف زدن نیست، عملکردت نشان می‌دهد تو چند مرده حلاجی، هر چه با تجربه‌تر شوی، فکرت پخته‌تر می‌شود و شاید خیلی از اشتباهاتی که قبلاً مرتکب می‌شدی را



آنقدر فیلم‌های بروسلی و جکی چان دیدم که به ورزش‌های رزمی علاقمند شدم کرمی: سرمربیگری ایران برایم رؤیای نیست

گفت و گو

فائزه زمانی
خبرنگار

سال‌های زیادی از خدا حافظی یوسف کرمی می‌گذرد اما هنوز ستاره‌ای به پر فروغی او در آسمان تکواندوی ایران ظهور نکرده است. او که با ورود به روی شیاپ چانگ، لوزه براندام حریفان می‌انداخت، در المپیک لندن ناباورانه با بخت تا سناریوی خدا حافظی اش در اوج، با شکست مواجه شود. بعد از لندن به اصرار اطرافیان در تیم ملی ماند اما در بازی‌های آسیایی اینچئون هم دستش از مدال کوتاه ماند و این بار چهارگوشه شیاپ چانگ را برای همیشه بوسید. او حالا ۲ سالی است که سرمربی تیم ملی پاکستان است، برخلاف چیزی که خیلی‌ها فکر می‌کردند پیشنهاد سرمربیگری تیم ملی ایران رانید برفت و همچنان به کارش در پاکستان ادامه داد. او از جمله کسانی است که افت تکواندوی ایران را قبول دارد و معتقد است ملی پوشان برای اعاده حیثیت و گرفتن مدال در المپیک پاریس، کار سختی دارند.

اولین روزی که پای‌تان را روی شیاپ چانگ گذاشتید، به خاطر دارید؟

اولین روز من پام را روی شیاپ چانگ گذاشتم و روی موزاییک گذاشتم. آن زمان باشگاه مان تشک نداشت. خوب یاد می‌آید که یک روز بارانی در سال ۷۰ بود که با مادرم برای ثبت نام به باشگاه رفتیم.

زمانی که شروع کردید فکرس را می‌کردید روزی یوسف کرمی شوید؟

هیچ وقت... من تکواندو را در شهرستانی شروع کردم که امکانات نداشت؛ زمستان‌ها خیلی سرد بود و تابستان‌ها خیلی گرم. آنقدر فیلم‌های بروسلی و جکی چان نگاه کردم که به ورزش‌های رزمی علاقه‌مند شدم؛ اوایل بیشتر به عنوان تفریح به این رشته نگاه می‌کردم.

نه آن موقع و نه حتی الان استعدادیابی وجود ندارد و اتفاقی مسیر زندگی‌ام تغییر کرد.

معمولاً پسر بچه‌ها بیشتر سمت فوتبال می‌روند تا رشته‌های انفرادی، شما فوتبالی نبودید؟

بعضی روزهایی که تمرین داشتم، در مسیر باشگاه بچه‌ها را می‌دیدیم که در کوچه فوتبال بازی می‌کنند، من هم قاطی می‌شدم و اصلاً فراموش می‌کردم که می‌خواستم به باشگاه بروم.

من یک مربی به اسم حسین اکرمی داشتم، وقتی دیر می‌کردم با موتور به دنبالم می‌آمد و من را از وسط فوتبال به باشگاه می‌برد، من هم می‌فهمیدم و پشت چراغ برق قایم می‌شدم که من را ببینند و برود اما او کار خودش را می‌کرد چون اعتقاد داشت تکواندو کار موفقی می‌شوم. اگر پیگیری‌های او نبود فکر می‌کنم الان اینجا نبودم، همین اتفاقات کوچک است که می‌تواند موفقیت‌های بزرگ را رقم بزند، به همین خاطر من از او ممنونم.

سال‌ها گذشت و شما یوسف کرمی با کلکسیون از مدال‌ها و افتخارات شدید. برسیم به المپیک لندن که با آن بخت ناباورانه حذف شدید. در لندن دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟

المپیک لندن اتفاقی عجیب در زندگی من بود. بعد از آن بخت به بسیاری از دلایل عدم نتیجه‌گیری‌ام پی‌بردم ولی نمی‌خواهم مفصل راجع به آن صحبت کنم. من ۶ ماه قبل از المپیک لندن

تمامی حریفانم را با اختلاف شکست داده بودم، کسی که به او باخت و نایب قهرمان المپیک شد، کسی بود که با اختلاف زیاد او را برده بودم. همانطور که همه در برد یک ورزشکار دخیل هستند، در باخت هم مقصرتند. هیچ‌کسی باخت من را باور نمی‌کرد و خودم هم شوکه بودم.

بعد از باخت در المپیک لندن، خودتان را مقصرتان دانستید، با گذشت این همه سال همچنان خودتان را مقصرتان می‌دانید؟

باز هم می‌گویم من خودم مقصرتان باخت بودم، چون یک ورزشکار حرفه‌ای بودم. بعد از باخت همه دنبال مقصرتان بودند و آن لحظه بهترین کسی که می‌توانستم تقصیرها را گردن او بیندازم خودم بودم. اگر بعد از باخت مصاحبه می‌کردم و می‌گفتم فلانی مقصرت است، مطمئن باشید امواجی از اتهامات و انتقادات به سمت او می‌رفت، بنابراین سکوت کردم اما عوامل زیادی دست به دست هم داد که این باخت رقم بخورد.

افت تکواندوی ایران را قبول دارید؟

صد درصد. الان حرف‌ها معنایی ندارند و عملکردها خود گویای همه چیز است. هرکسی بگوید ما افت نداشتیم همه به او می‌خندند. اما

من به صراحت می‌گویم که عملکردمان اخیراً راضی‌کننده نبوده است. تکواندو کارانمان خود باوری قبل را ندارند و رقبا هم ترسشان از ایران ریخته است.

قبلاً بعد از مشخص شدن قرعه‌ها، رقبا خودشان جلوی من اعتراف می‌کردند که چقدر بدشانسیم که باید با تو مبارزه کنیم.

یعنی رقبا قبلاً اینقدر از ایران می‌ترسیدند اما الان این ترسشان ریخته است.

بیشتر رقبا پیشرفت کرده‌اند و ما کمی متزلزل شده‌ایم ولی رسیدن به آن نقطه آرمانی دور از دسترس نیست.

تغییر کادر فنی ۶ ماه مانده به المپیک به نفع تیم ملی بود؟

خیر. من همان موقع هم مخالفت خودم را اعلام کردم. بعد از مسابقات جهانی مکزیک که هنوز یک سال به المپیک مانده بود، وقت تغییر بود. این اتفاق نیفتاد تا اینکه ۶، ۷ ماه مانده به المپیک مغالور را برکنار کردند. تکواندوی ایران می‌تواند در المپیک پاریس مدال بگیرد؟

گرفتن مدال دور از دسترس نیست ولی کار سختی است. ما هیچ وقت برای گرفتن سهمیه تلاش نمی‌کردیم و همیشه دنبال مدال المپیک بودیم

اما حالا برعکس شده است که این اصلاً قشنگ نیست. امیدوارم بعد از ۲ دوره ناکامی در رده مردان بتوانیم در پاریس مدال بگیریم و این طلسم را بشکنیم.

شرایط ناهید کیانی را چطور می‌بینید، شاید اینطور به نظر برسد که او شانس بیشتری برای گرفتن مدال در المپیک دارد.

همه کسانی که در المپیک حضور پیدا می‌کنند نایب هستند. همین فشارها باعث می‌شود که ناهید کیانی در مسابقات پرزنت کاپ بازی را به یک تکواندوکار ایرانی واگذار کند.

ناهید کیانی پتانسیل بالایی دارد ولی نوسان زیادی هم دارد و افت و خیزش خیلی به چشم می‌آید که این در ورزش حرفه‌ای اصلاً خوب نیست.

کارتان با تیم ملی پاکستان چطور پیش می‌رود؟

علی‌رغم اینکه قرارداد ۱ ساله بود اما الان ۲ سالی است که سرمربی این تیم هستم. از عملکردم راضی بودند و همین هم باعث شد تا اینجای کار بمانم. من هم به خاطر سر بلند کردن نام ایران تمام تلاشم را می‌کنم و از وجود برای‌شان مایه می‌گذارم.

در این مدت نتایج خوبی گرفتیم و تکواندو به یکی از رشته‌های مهم‌شان تبدیل شده است.

پتانسیل گرفتن سهمیه در مسابقات گزندپری را نداشتیم. کار تیم ملی پاکستان برای گرفتن سهمیه خیلی سخت است

اما تمام تلاش‌مان را می‌کنیم. رؤیای سرمربیگری تیم ملی ایران را هم دارید؟

این موضوع برای من رؤیای نیست چون به من پیشنهاد داده بودند اما صلاح دیدم که در این برهه مسئولیت نپذیرم. بهتر است از دلایلش چیزی نگویم ولی بالاخره هرکسی برای بله گفتن یا نه گفتن به موضوعی دلایلی دارد.

یک مقدار از فضای ورزش فاصله بگیریم. سال‌ها است که ازدواج کرده‌اید و اگر اشتباه نکنم دو فرزند دارید. نه این صدای گریه که الان می‌شنوید، صدای سومی است. (با خنده) پدر بودن چه حسی دارد؟

عالی است. مثل ورزش است و هر چقدر می‌گذرد با بالا رفتن تجربه جذاب‌تر هم می‌شود.

چه آرزویی برای مردم ایران در سال جدید دارید؟

آرزوی قلبی‌ام این است که حال همه خوب باشد. شاید شعار به نظر برسد اما اگر حال همسایه من بد باشد روی حال من هم تأثیر خواهد گذاشت.



در بچگی حسرت یک عروسک را داشتیم منصوریان: مادر شدن رادوست دارم دینم را به سردار آزمون ادا کردم

گفت و گو

فائزه زمانی

خبرنگار

الیه منصوریان بعد از عبور از دل سیاهی شب، این روزها الهام بخش زنان زیادی است.

سهم زنان این سرزمین همیشه نبردهای بزرگی بوده نه فقط برای خواسته‌هایشان، که برای تغییر باورهایی که گاهی به نفع آنها نبوده است. برخلاف تصورات عده‌ای که زنان را فقط برای کارهای کوچک می‌دانند، هستند زنانی که سهم بیشتری از این دنیا می‌خواهند و برایش هم تا پای جان مبارزه می‌کنند.

ملی پوش پرافتخار ووشو یکی از همان زنان است که از دل کودکی سختش آتش گرفت اما خاکستر نشد و قنوس وار تا قله‌های دنیا اوج گرفت.

او مدال‌های زیادی گرفت اما بخشی از قلبش به خاطر حسرت حضور در المپیک و مدال طلای بازی‌های آسیایی تا ابد، گوشه‌ای از سکوی ووشو باقی خواهد ماند.

او که سال‌ها فقط روی ورزش حرفه‌ای تمرکز کرده است و خیلی به ازواج فکر نمی‌کند اما مادر شدن را دوست دارد.

از اینکه رشته ووشو را انتخاب کردید، پشیمان

نیستید؟

من با آگاهی کامل فعالیت‌م در ووشو را شروع

کردم، چون عاشق این ورزش بودم. اگر صد بار به عقب برگردم و بخواهم ورزشی را شروع کنم، حتی اگر تمامی آن رشته‌ها المپیک باشد، باز هم ووشو را انتخاب می‌کنم. شاید از بچگی حسرت بزرگ المپیک شدن ووشو با ما همراه بوده باشد اما هیچ رشته‌ای مثل ووشو برای من جذاب نبوده است. حتی من در برهه‌ای به خاطر اینکه در رشته‌ای المپیک فعالیت کنم پیش مینو مداح سرمربی فعلی تیم ملی تکواندو رفتم، مدتی فعالیت کردم و حتی کمر بند آبی ام را هم از او دریافت کردم. خیلی چیزها از مداح یاد گرفتم ولی پشیمان شدم و به ایشان گفتم که در سبک شما و ضربات پای که در تکواندو یاد گرفتم، در ووشو استفاده خواهیم کرد. همین شد که تکنیک‌های تکواندو را با ووشو ترکیب کردم، حتی مدتی بوکس کردم و از آن هم در ووشو استفاده کردم و سبک جدیدی در ووشو به وجود آوردم که از تمامی رشته‌های رزمی در تکنیک‌هایم استفاده کردم؛ به هیچ عنوان هم از انتخاب ووشو پشیمان نیستم.

به نظرتان ووشو یک روز المپیک می‌شود؟

ووشو ترکیبی از بوکس، تکواندو، کاراته و کشتی بوده و جذاب‌ترین رشته هنرهای رزمی است بنابراین قطعاً یک روزی المپیک می‌شود.

درست است که

چنین روزی خودم

نمی‌توانم مبارزه

من از خودم و مدال‌هایی که گرفته‌ام راضی هستم. هر جایی هم که مدالم طلا نبوده، بدانید تمام زحمت‌م را کشیدم. بنابراین هیچ وقت از مدالی که نگرفته‌ام ناراحت نیستم چون ته توانم در همان حد بوده است. اما به هر حال حضور در المپیک و طلای بازی‌های آسیایی که دستم به آن نرسید، حسرت دوران ورزشی من خواهد بود.

عده‌ای در جامعه ما خانم‌ها را به کار در منزل یا رشته‌های سبک می‌شناسند، اما امثال شما با مبارزات سنگین و افتخار آفرینی‌هایتان این مسائل را نقض کردید.

خانم‌های ورزشکار به خاطر شرایط حرفه‌ای که تجربه می‌کنند، نظم و همدلی خوبی در وجودشان جا می‌افتد. وقتی یک خانم می‌تواند قهرمان دنیا شود، پس می‌تواند قهرمان زندگی شخصی خودش هم باشد. برای قهرمان جهان شدن باید شب‌زود بخواهی و صبح‌زود بیدار شوی، باید حواست به بدن‌ت باشد و همه چیز را مدیریت کنی تا برپام دنیا بایستی. وقتی یک زن قهرمان می‌شود و شرایط سخت اردوهای تیم ملی را می‌پذیرد، بدانید در مدیریت مسائل خانه، کار یا بیزینس و هر چیز دیگری می‌تواند موفق باشد.

این یک واقعیت است که زنان مادر ورزش سختی بیشتری می‌کشند، حالا اگر مثل شهر بانو یا مهسا جاوید مادر قهرمان باشند، این سختی دوبرابر هم می‌شود.

اگر پدر هم باشی فرقی نمی‌کند و شرایطت سخت خواهد بود. کلاً سختی ورزش حرفه‌ای در ایران چند برابر ورزشکاران سایر کشورها است. در کشورهای دیگر هدف فقط تمرین کردن است و از طریق باشگاه‌ها و مدیران‌شان به خوبی حمایت می‌شوند ولی ما در ایران باید کلی بدویم تا مدال بگیریم که بتوانیم پادشاهان را خراج ورزش و باقی زندگیمان کنیم.

کمی از فضای ورزشی فاصله بگیریم، الهه منصوریان آشپزی هم می‌کند؟

عاشق آشپزی هستم اما معمولاً در طول هفته وقتش را ندارم. من جمعه‌ها همیشه کنار خانواده و مادرم هستم. بهترین تفریح من در روزهای تعطیل، همین آشپزی است. معمولاً





سالانم بازی کنم اما پیشیمان هم نیستیم. در خصوص کارهای خیرخواهانه هم خیلی مایل به نشان دادنش نیستیم و شهربانو بیشتر این کار را می کند اما اگر بتوانیم دستی را بگیریم حتماً این کار را می کنیم چون یاد گذشته می افتیم که نیاز داشتیم کسی دستان را بگیرد. مردم گاهی خودشان نیازمندان را به ما معرفی می کنند و ما هم پیشقدم می شویم. من معتقدم که خیر و برکت کارهای خیر چند برابرش به زندگی مان برمی گردد.

اتفاقی که بعد از خداحافظی ات از تیم ملی پیش بینی می شد افتاد و سرمربی تیم ملی شدید. از قبول این مسئولیت نترسیدید؟

اگر مربی ای داشتیم که می توانست در این مقطع به ملی پوشان کمک کند، قطعاً این مسئولیت را قبول نمی کردم. با احترام به مربیان قبلی، باید بگویم که علم یک مربی باید به روز باشد. حتی اگر روزی علم مربیگری الهه منصوریان تمام شد باید کنار برود و کس دیگری بیاید. الان زمانی است که ما حتی نیازی به مربیان چینی هم نداریم و خودمان از پس کار برمی آییم. تیم ملی من را الهه منصوریان کرد و نسبت به آن دین دارم. حس کردم الان باید به تیم ملی خدمت کنم و به همین خاطر هم این مسئولیت را پذیرفتم.

چه آرزویی در سال جدید برای مردم ایران دارید؟

سال ۱۴۰۳ سال جدیدی است و باید زندگی جدیدی شروع کرد و همه چیز را از سر گرفت. باید تلاش کنیم شاد زندگی کنیم چون این روزها دیگر برنمی گردد. هیچ وقت ۱۴۰۲ برنمی گردد، پس سال جدید را جوری زندگی کنیم که حسرتش برایمان باقی نماند.

یک جورهایی مادرم فنی هم شده بود و نتیجه بازی با ژاپن را درست پیش بینی کرد. بعد از بازی هم که سردار پیراهنش را به مادرم یادگاری داد. سال ۲۰۱۷ که برای مسابقات جهانی به کازان رفته بودم، با سردار تماس گرفتم و او برای تشویق ما به سالن آمد. حالا وقتش بود که من دینم را به آزمون ادا کنم و برای تشویقش به استاد یوم بروم.

بازی با قطر هم در استادیوم بودید؟

من فکر می کردم قهرمانیم و بعد از بازی با ژاپن به ایران برگشتیم. فکر می کنم بچه ها قطر را دست کم گرفتند و هنوز در فکر برد ژاپن بودند.

در فوتبال داخلی و خارجی طرفدار چه تیم هایی هستید؟

در فوتبال باشگاهی ایران طرفدار سپاهان و در فوتبال خارجی هم طرفدار بارسلونا هستم.

بارسا هم که این روزها شرایط خوبی ندارد، بازی هایش را دنبال می کنید؟

بله بازی هایش را دنبال می کنم. ژاوی را دوست دارم اما فکر می کنم رفتن او به بارسا کمک خواهد کرد.

شما کودکی سختی داشتید، حالا که شرایط زندگی تان از این رو به آن رو شده است، تمایل به کارهای عام المنفعه دارید؟

من کودکی سختی داشتم. از کار در مزرعه تا کارگری انجام می دادم، اما هیچ کس هم به اندازه من در طبیعت نبوده و تفریح نکرده است. زمانی که کار می کردم همانجا زیر درخت غذا می خوردم و در دل طبیعت بازی می کردم.

شاید کودکی ام با عروسک نگذشت و خیلی اوقات حسرت یک اسباب بازی را داشتم اما در طبیعت لذت بردم. اگر به قبل برگردم شاید بیشتر کودکی کنم و با هم سن و

جمعه ها نمی گذارم مادرم غذا درست کند، ناهار و شام را خودم درست می کنم و اتفاقاً خیلی وقت ها غذاهای چینی و ایرانی را ترکیب کرده که نتیجه اش غذایی من درآوردی می شود.

دست یختتان چطور است؟

دوستان، فامیل و مادرم که می گویند خوب است؛ فقط یک مقدار دستم رو به تندی می رود (با خنده).

به ازدواج هم فکر می کنید؟

ازدواج شرایط می خواهد. باید تمام ابعاد زندگی آماده باشد تا بتوانی آن را با کسی تقسیم کنی. من مادر شدن را خیلی دوست دارم اما لازمه اش ازدواج است. هنوز آن آمادگی و بلوغ کامل فکری برای مدیریت یک زندگی را ندارم. حالا که ورزش حرفه ای را کنار گذاشتم و سرمربی تیم ملی شدم تمام فکر و ذکرم موفقیت شاگردانم است و به همین خاطر تمرکز زندگی مشترک را ندارم.

اگر روزی بخواهم ازدواج کنم احتمالاً باید از ورزش فاصله زیادی بگیرم که این مسأله برای من خیلی سخت است. پس فکر می کنم حالا حالاها مجرد بمانم.

فعلاً شرایطش نیست و باید از ورزش حرفه ای فاصله بگیرم. با مادر تان رابطه خیلی خوبی دارید و دیدم که با ایشان برای تماشای بازی های تیم ملی در جام ملت های آسیا به قطر رفتید.

نه تنها من بلکه همه خواهرانم مادر را خیلی دوست داریم. بعد از خداحافظی از تیم ملی فرصتی پیش آمد که برای مادرم وقت بگذارم و به قطر برویم. مادرم در ایران شاهد مسابقات ما بود اما تجربه تماشای زنده فوتبال را نداشت. وقتی فوتبال را از نزدیک دید، می گفت این رشته از ووشو بهتر است، شما هم دیگر را می زنید ولی اینها نمی زنند.



گفت و گو

رضا عباسپور
خبرنگار

کورش باقری تا امروز ۳ بار (۲۰۰۴، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲) المپیک را تجربه کرده است. به نظرت دوره‌ای که در المپیک وزنه می‌زدی سخت‌تر بود یا زمانی که سرمربی بودی؟

طبیعتاً دوره مربیگری خیلی سخت‌تر و استرس‌زاتر از دوره قهرمانی است. یک قهرمان ممکن است یک مقدار استرس هنگام مسابقه دادن داشته باشد، اما فقط خودش است و خودش. اما در قامت مربیگری اگر بخواهی وظیفه‌ات را خوب انجام بدهی، مطمئناً دلمشغولی و دغدغه‌های بی‌شماری دارید.

چه تفاوتی بین المپیک‌هایی که در آن حضور داشتی دیدی؟ آیا نسل‌های وزنه‌برداری به نسبت قبل از نظر کمی و کیفی بهتر شدند یا شرایط فعلی وزنه‌برداری دنیا خوب نیست؟

فکرمی‌کنم، المپیک ۲۰۱۲ لندن به نسبت بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی و البته اگر بازی‌های ۲۰۰۴ آتن را در نظر بگیریم، به نظرم چهره‌های شاخص بیشتری در اوزان مختلف حضور داشتند. در بازی‌های ۲۰۰۰ سیدنی مثلاً در هر وزنی (یا ۲ وزنه‌بردار شاخص و درجه یک حضور داشتند با تفاوت فاحش رکوردی از سایر رقبا. اما در ۲۰۱۲ فکرمی‌کنم تعداد چهره‌های شاخص و نفراتی که به مدال نزدیک بودند خیلی بیشتر بود و کار برای مدال آوری سخت‌تر. اخیراً هم با توجه به کاهش اوزان و سهمیه‌های ورودی به المپیک مسلماً رقابت شلوغ‌تر است. به شکل کلی نمی‌گویم اما شاید در برخی اوزان رکوردها پایین باشد، اما قطعاً درکل سطح این دوره از رقابت‌ها هم در اوزان مختلف بالا است و فکرمی‌کنم گرفتن مدال در المپیک ۲۰۲۴ پاریس هم سخت و دشوار باشد.

تلخ‌ترین یا شیرین‌ترین خاطره‌ای که از حضورت در المپیک به یاد داری چیست؟

تلخ‌ترین خاطره‌ای که از المپیک دارم، همان مدالی است که در ۲۰۰۰ سیدنی به خاطر اختلاف وزن اندک از دستم پرید و جای این مدال درکلکسیونم خالی است. در حالی که من در حرکت یکضرب نفر اول شده بودم و مدال در دستم بود ولی قسمتم نشد. شیرین‌ترین خاطره‌ای هم که از حضورم در بازی‌های المپیک دارم، همان سال ۲۰۱۲ است که تمامی بچه‌های تیم بجز «سهراب مرادی» آنجا مدال المپیک گرفتند که البته سهراب هم سال ۲۰۱۶ در المپیک ریورفت و آنجا به طلای المپیک رسید. فکرمی‌کنم این زیباترین و شیرین‌ترین خاطره‌ای است که برایم جاودانه شد.

قبل از المپیک لندن، پیش‌بینی می‌کردی تیمی که با هدایت فنی تو روی تخته می‌رود یکی از طلای‌ترین نسل‌های تاریخ وزنه‌برداری ایران باشد؟

صد درصد اینطور بود. ۲۰۱۲ اینقدر بچه‌های تیم آماده بودند که همه شانس طلا داشتند. من این را با استناد به رکوردهایی که تک تک وزنه‌بردارانم داشتند، می‌گویم. من همان موقع مصاحبه‌هایی را با رسانه‌ها در آرشویوم دارم که گفته بودم همه بچه‌های من شانس طلایی شدن دارند. خوب

خدا می‌داند که هیچ حسرتی در ورزش به دل‌مانده است باقری: «تالا خادزه» در دوضرب حریف «رضازاده» نمی‌شد

قرار نیست تا ابد کورش باقری سرمربی تیم ملی باشد

بی‌شک نمی‌توان از المپیک و وزنه‌برداری سخن گفت، اما «کورش باقری» پرافتخارترین سرمربی تاریخ وزنه‌برداری ایران را ندید و از کنار افتخارات و زحمات بی‌شماری که او برای ورزش و وزنه‌برداری ایران به ارمغان آورد به سادگی عبور کرد. ثانیه شمار المپیک به شماره افتاده و آرام آرام ورزش ایران برای حضور در این آوردگاه بزرگ مهیا می‌شود. یکی از رشته‌های پر امید و تاریخ‌ساز ما در ادوار مختلف بازی‌های المپیک مطمئناً وزنه‌برداری است. کورش باقری هم به عنوان چهره شاخصی که تا به امروز در رشته وزنه‌برداری ۳ بار (۲۰۰۴، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۲) بازی‌های المپیک را تجربه کرده است، یکی از با سابقه‌ترین سرمربیانی است که در این آوردگاه حضور مؤثری داشته است. اگر تیم وزنه‌برداری بانوان کشورمان بتواند به سهمیه تاریخی برای حضور در پاریس برسد، کورش باقری می‌تواند برای چهارمین بار مجوز شرکت در المپیک را دریافت کند. به همین بهانه و با توجه به افتخارات بی‌شماری که باقری در دنیای وزنه‌برداری خصوصاً تاریخ المپیک به نام خود ثبت کرده است با او هم‌کلام شدیم تا در واپسین روزهای سال ۱۴۰۲ با او در آستانه تحویل سال، خاطره بازی کرده و فضای این روزهای وزنه‌برداری را نیز از زاویه نگاه او تحلیل و بررسی کنیم.



انتخابی که اصلاً در کار نبود. یک تمرین بین من و امیررضا خادم برگزار شد. برای المپیک ۹۶ آتلانتا گفتند بچه است به درد المپیک نمی‌خورد، انتخابی برگزار نشد





قدرتش را استفاده نکرد. به طور مثال المپیک ۲۰۰۴ آتن حسین به راحتی می توانست وزنه ۲۷۰ کیلوگرم را در دوزب مهار کند ولی این کار را نکرد. به هر حال هر دو عزیز از بزرگان وزنه برداری جهان هستند و آرزوی سلامتی برایشان دارم. وزنه برداران فوق سنگین امروز ما را در حد عبور از هرکول

گرجستانی های بینی؟

من مطمئنم در ایران پتانسیل های زیادی در آینده اگر سرمایه گذاری خوبی روی استعدادها داشته باشیم، وجود دارد که بتوانند به رکوردهای تالاخاذه حمله کنند. اما اگر واقع بین باشیم، در کوتاه مدت و حال حاضر من بعید می دانم وزنه برداران ما بتوانند به این هدف برسند.

شیرین ترین خاطره ای که از نوروز یا دوره قهرمانی داری چیست؟
قطعاً شیرین ترین خاطرات نوروزی من کنار بچه های تیم ملی در اردوهای زمانی بود که سفره هفت سین می چیدیم. برای عزت و اهتزاز پرچم مقدس ایران تلاش می کردیم. چه در دوره قهرمانی و چه در زمانی که هدایت تیم های ملی را برعهده داشتم.

چه پیش بینی از عملکرد ملی پوشان وزنه برداری برای کسب

سهیمه و مدال آوری در المپیک ۲۰۲۴ داری؟

به نظرم این را بهتر است خود کادرفنی توضیح بدهد، اما از نگاه ما که دورتر پیگیر کار ملی پوشان هستیم فکرمی کنیم در دسته وزنی ۸۹ کیلوگرم توسط مصطفی جوادی ما شانس زیادی برای کسب مدال حتی از نوع طلایی رنگش داریم. اما این بدن معنائیست که علی داودی و رضا دهدار شانس یا توانمندی مدال آوری در المپیک پاریس را ندارند. بلکه هر ۳ ملی پوش شایسته هستند و امیدوار برای افتخار آفرینی. اما آمار و ارقام شرایط جوادی را برای مدال آوری بهتر نشان می دهد. **بزرگترین حسرت کوروش باقری در دوره قهرمانی و مربیگری چه بود؟**

خدا می داند که حسرتی در دنیای ورزش به دل ندارم. چون خداوند هر آنچه را که می خواستیم به من هدیه داد. شاید اگر در سیدنی مدال المپیک می گرفتم کلکسیون مدالی ام تکمیل می شد. یا در دوره مربیگری مانسلی طلایی را در وزنه برداری ساخته بودیم که اگر در سال ۲۰۱۳ زمان بیشتری داشتم، قطعاً افتخارات بزرگتری برای وزنه برداری به دست می آوردم که نشد. امیدوارم این اتفاق را بتوانم در بخش بانوان برای وزنه برداری رقم بزنم. ولی حسرتی از نگرفتن این مدال و از دست رفتن آن زمان ندارم. زیرا در دنیای مربیگری هر آنچه افتخار بود را با عنایت پروردگار به دست آوردم.

برای المپیک شدن کم آوردیم. مطمئن هستم اگر در پاریس هم نتوانیم سهیمه بگیریم، قطعاً به درخشش وزنه برداری بانوان در بازی های المپیک ۲۰۲۸ و تاریخ سازی در این رویداد بزرگ بسیار امیدوارم.

به نظرت اگر نتوانیم در رویدادهای گزینشی بانوان سهیمه بگیریم، امکانش هست که از شانس (وایلد کارت) برای المپیک شدن مان استفاده کنیم؟

ما کارمان را کردیم، فدراسیون هم حمایت مان کرد. الان هم سه نفر زیر نظر داریم برای کسب سهیمه المپیک. یک رکوردهای ورودی هم برایشان در نظر گرفتیم. ممکن است با دوفنر، شاید با یک فنرو شاید هم اصلاً در جام جهانی تایلند که آخرین مرحله گزینشی المپیک است شرکت نکنیم اگر آنچه که مدنظر ما است برآورده نشود. من به همه بچه ها گفتم اگر آنها ورودی که مدنظر ما است نزنند و مهیا نباشند، ممکن است به پوکت نرویم و خدا حافظی تلخی با بازی های المپیک پاریس قبل از شروع این بازی ها داشته باشیم. تا جایی که من اطلاع دارم، چون در بخش مردان سهیمه گرفتیم، در بخش بانوان نمی توانیم از (وایلد کارت) استفاده کنیم. برخی به ما انتقاد دارند و من یاد گرفتم که چطور با انتقادات برخورد کنم. قطعاً از نقدهای خوب استفاده خواهیم کرد و توجهی هم به نقدهای مغرضانه و مخرب ندارم. چون تردید ندارم اگر حوصله کنیم و به بانوان توجه ویژه داشته باشیم آینده وزنه برداری بانوان درخشان است.

اگر «رضازاده» هم نسل «تالاخاذه» بود یا بالعکس، به نظرت حسین می توانست این غول گرچی را کنار بزند و حریف او شود؟

تردید ندارم اگر رضازاده با تالاخاذه هم نسل بود، رقابت فوق العاده جذاب و دیدنی را شاهد بودیم. مطمئنم رضازاده در حرکت دوزب پتانسیل و توانمندی رکوردی اش بیشتر از تالاخاذه بود. تالاخاذه هم در یکضرب شرایط بهتری نسبت به رضازاده داشت و همین باعث می شد رقابت شان قشنگتر می شد. اینطور فکرمی کنم که تالاخاذه رضازاده را دیده و نهایت توانمندی اش را در مسابقات قبل روی تخته به نمایش گذاشته است و بیش از این هم بعید است بتواند به رکوردهای بالاتری حمله کند. اما من چون کنار حسین بودم می دانم که حسین رضازاده هیچ وقت نهایت قدرت و توانمندی رکوردی اش را روی تخته به نمایش نگذاشت چون نیازی به آن احساس نکرد. حداقل سال های ۲۰۰۳ تا زمانی که اواز دنیای قهرمانی خدا حافظی کرد، نهایت

متأسفانه این اتفاق در همان حین بازی های المپیک رخ نداد. اما بعد دیدیم که به خاطر مثبت شدن آزمایش دوپینگ رقبای ما، مدال های المپیک که حق وزنه برداران بود به آنها برگردانده شد. ایمان دارم که اگر بچه ها در همان لندن وزنه های نرمال خود را می زدند، همان جامدال می گرفتند. **به نظرت دوباره مثل نسل طلایی ۲۰۱۲ لندن را می توانیم در وزنه برداری ببینیم؟**

نسل سازی واقعاً کار سختی است. این را تکرار می کنم که حقیقتاً ساخت نسل های طلایی مثل ۲۰۱۲ لندن کار بسیار سخت و دشواری است. اما امیدوارم که بتوانیم خیلی زود نسلی طلایی برای وزنه برداری ایران داشته باشیم که باعث افتخار و سربلندی وزنه برداری باشند.

برخی معتقدند فدراسیون وزنه برداری باید از تجربه گرانبهای فنی کوروش باقری به جای تیم بانوان در بخش مردان استفاده می کرد. نظر خود در این مورد چیست؟

از این حیث که پذیرش هدایت فنی و سرمربیگری وزنه برداری بانوان چون خیلی صفر کیلومتر و تازه کار بودند «ریسک» بزرگی بود، این را قبول دارم و می پذیرم که با پذیرش آن ریسک بزرگی کردم. اما چون من آدمی هستم که ریسک و چالش را دوست دارم این ریسک را به جانم خریدم و مشکلی هم با آن ندارم. اما راجع به اینکه چرا در حوزه فنی وزنه برداری مردان از من استفاده نشد، به هر حال باید ببینیم چهارچوب و نظر مسئولان فدراسیون به چه شکل بوده است؟ من به نظر عزیزان احترام گذاشتم و طبیعی هم هست که تا ابد قرار نیست کوروش باقری سرمربی تیم ملی باشد. من فکرمی کنم ما سوای بحث فنی، در بخش شخصیت سازی و ساختن مربیانی توانمند برای آینده وزنه برداری هم وظیفه داریم. بنابراین باید به جوانترها و مربیانی که در این مقوله انگیزه و حرف برای گفتن دارند فضا و زمان داد. خوشحالم که امروز هم این فضا و زمان در اختیار «نواب نصیرشلال» قرار داده شده است که من از صمیم قلبم برایش آرزوی موفقیت می کنم.

اگر با دختران وزنه برداری سهیمه حضور در المپیک پاریس را بگیریم، می توانی مثل جهانی ۲۰۱۱ پاریس دوباره در فرانسه نتیجه بگیریم؟

به نظرم در بحث المپیک شدن دختران وزنه برداری اول باید ببینیم چقدر شانس برای کسب سهیمه داریم. بعد دنبال خود المپیک و کسب نتیجه باشیم. حقیقتاً اگر چه هنوز کورسوی امید برای کسب سهیمه دختران داریم ولی کار و مسیر ما سخت است و فوق العاده دشوار. شاید یکساله زمان

گزارش

ماهور رضازاده

خبرنگار

رقابت‌های گزینشی وزنه برداری برای حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس رویه پایان است و تنها فرصت باقیمانده برای تثبیت سهمیه‌های ورودی به بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس، «جام جهانی پوکت تایلند» خواهد بود که قرار است اواسط فروردین ماه ۱۴۰۳ برگزار شود. وزنه برداران ملی پوش کشورمان در هر دو بخش مردان و زنان تاکنون ۴ تونمنت گزینشی (جهانی کلمبیا، آسیایی کره جنوبی، جهانی عربستان و آسیایی ازبکستان) را پشت سر گذاشتند. تونمنت‌هایی که وزنه برداران ما موفق شدند ۲۳ مدال طلا، نقره و برنز آسیایی و جهانی را از دل آن بیرون بکشند. اما به رغم تلاشی که وزنه برداران ایران در هر دو بخش مردان و زنان در سال ۱۴۰۲ و در عرصه‌های مختلف بین‌المللی داشتند ما هنوز تا قبل از شروع رقابت‌های جام جهانی تایلند در بخش مردان سهمیه‌های خود را نتوانستیم تثبیت کنیم. ضمن اینکه در بخش زنان نیز طبق آمار و ارقام شانسی برای المپیک شدن و سهمیه المپیک نداریم. این در حالی است که مادر بازی‌های المپیک پیش رو، حتی اگر با سهمیه کامل (۳ سهمیه در بخش مردان و ۳ سهمیه در بخش زنان) راهی پاریس شویم، باز هم بواسطه شرایط رکوردی و توانمندی وزنه برداران مان به هیچ وجه نباید توقع «طلایی شدن» از وزنه برداران کشورمان داشته باشیم.

مجوز پاریس در مشت جوادی و داودی

رقابت‌های جام جهانی پوکت تایلند قطعاً آخرین میدان رسمی و گزینشی است که مدعیان حضور در آوردگاه المپیک پاریس می‌توانند با درخشش در آن ضمن تثبیت سهمیه ورودی خود به فرانسه، خط و نشان جدی برای رقبا به جهت کسب یکی از مدال‌های سه گانه المپیک در اوزان مختلف بکشند. مسیر رسیدن به سهمیه ورودی المپیک پاریس، البته برای وزنه برداران ملی پوش کشورمان در هر دو بخش مردان و زنان اندکی پیچیده و سخت‌تر از آنچه که فکرش را می‌کردیم، شده است. ما در ۳ دسته وزنی ۱۰۲، ۱۰۸ و ۱۱۲ کیلوگرم شانس کسب سهمیه و حضور در بازی‌های المپیک پاریس را داریم. طبق آخرین اعلام رنکینگ المپیک فدراسیون جهانی در اوزان المپیک و تا قبل از حضور وزنه برداران در جام جهانی پوکت تایلند، میرمصطفی جوادی باثبت مجموع ۳۸۴ کیلوگرم در مسابقات جهانی ریاض فعلاً در رتبه پنجم دسته وزنی ۸۹ کیلوگرم در آخرین رده بندی کسب سهمیه المپیک قرار دارد. این در حالی است که در صدر این گروه، دایان لی از چین ایستاده است که در مجموع ۱۲ کیلوگرم بالاتر از جوادی رکورد خود را ثبت کرده است. نفر دوم دسته وزنی ۸۹ کیلوگرم، کارلوس ناسار وزنه بردار قدرتمند بلغارستانی است که با رکورد مجموع ۳۹۵ کیلوگرم یکی از شانس‌های مسلم کسب مدال المپیک در این وزن به شمار می‌رود. بعد از ناسار بلغار، بیسون لویاز کلمبیا با ۳۹۰ کیلوگرم سوم و کیدومار جیووانی و النیلا سانچز از نروژ با ۳۸۵ کیلوگرم نفر چهارم دسته ۸۹ کیلوگرم است. مصطفی جوادی هم که فعلاً نفر پنجم این لیست است و باید دید که در جام جهانی تایلند این ملی پوش چه وزنه‌هایی را مهار خواهد کرد؟ در دسته وزنی ۱۰۲ کیلوگرم (فوق سنگین) علی داودی هم شرایط تثبیت شده‌ای برای کسب سهمیه ورودی به المپیک دارد. داودی که نایب قهرمان بازی‌های المپیک ۲۰۲۲ توکیو در این دسته

توقع «طلا» از وزنه برداری نداشته باشیم سهمیه «دهدار» روی هوا!

وزنی است، فعلاً با رکورد ۴۵۲ کیلوگرمی که در ریاض ثبت کرده است، در جایگاه چهارم این وزن جا گرفته است. قطعاً داودی باید در جام جهانی تایلند با آمادگی و شرایط بهتری روی تخت مسابقه حاضر شود تا ضمن قطع سهمیه خود، خط و نشان مدالی برای رقبای قدرتمند خود بکشد. لاشا تالاخادزه غول گرجستانی و مدعی اصلی کسب نشان طلای المپیک پاریس در این دسته وزنی با اختلاف در صدر ایستاده و رکورد ۴۷۴ کیلوگرم را در اختیار دارد. گور میناسیان از بحرین با رکورد ۴۶۴ کیلوگرم و وازارات لالایان از ارمنستان با ۴۶۲ کیلوگرم شانس کسب مدال‌های نقره و برنز را برای خود محفوظ دارند و بالاتر از داودی شانس‌های نقره‌ای و برنزی المپیک به شمار می‌روند.

المپیک شدن «دهدار» به خودش بستگی دارد!

«رضا دهدار» قطعاً یکی از ستاره‌های خوشنام، با اخلاق و زحمتکش وزنه برداری ایران است. ولی در مسیر کسب سهمیه ورودی به المپیک در دسته ۱۰۲ کیلوگرم شرایط ملی پوش

خوزستانی کشورمان به هیچ وجه برای کسب سهمیه ورودی در پاریس مطلوب نیست! دهدار فعلاً با رکورد ۳۹۰ کیلوگرمی که در مسابقات جهانی ۲۰۲۲ کلمبیا برای ورود ثبت کرده است، در رده نهم این دسته وزنی قرار دارد و به نوعی لبه تیغ قرار گرفته است. یعنی اگر نتواند در جام جهانی تایلند رکورد مجموع خود را به ۴۰۰ کیلوگرم برساند، قطعاً لبه تیغ قرار گرفته و بایک لغزش کوچک می‌تواند شانس قرار گرفتن جزو ۱۰ وزنه بردار برتر رده بندی این دسته وزنی را از دست داده و از لیست سهمیه المپیک خارج شود. البته دهدار وزنه بردار جنگنده و مسابقه‌ای است که می‌شود روی درخشش او در تایلند و شگفتی ساز شدنش حساب باز کرد. صدر این گروه فعلاً در اختیار هوآن لیو از چین با ۴۰۴ کیلوگرم است. فارس الباخ از قطر و اکبر ژورایف از ازبکستان هر دو با رکورد مجموع ۴۰۰ کیلوگرم، نفرات دوم و سوم گروهی هستند که دهدار با آنها رقابت دارد. مطمئناً همه چیز برای المپیک شدن دهدار از این پس به خودش و توانایی او بستگی دارد. دهدار می‌تواند با افزایش رکورد مجموعش مقتدرانه المپیک شود و شانس کسب مدال باشد در پاریس. اگر هم او احتمالاً در تنها فرصت باقیمانده به خودش نیاید و رکوردش را ارتقا ندهد، جام جهانی تایلند وداع او خواهد بود با بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس و حسرتی که تا ابد در دلش جاودانه می‌شود.

مسیر سخت «کاپیتان» برای امضای بلیت پاریس!

نکته تأسف برانگیز رنکینگ و رتبه بندی وزنه برداران منتخب برای حضور و کسب سهمیه ورودی به بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس، شرایط نامطلوب رتبه بندی دختران وزنه برداری کشورمان در اوزان المپیک است. دختران وزنه برداری ایران که توقع می‌رفت با هادیت فنی کوروش باقری (یکی از چهره‌های شاخص وزنه برداری ایران در بخش مربیگری) برای حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس وضعیت ایده‌آل‌تری نسبت به قبل داشته باشند و بتوانیم توسط یک یا چند نفر از آنها صاحب سهمیه تاریخی در این دوره از بازی‌های ما شویم، به هیچ وجه توقعات اهالی وزنه برداری را برآورده نکرده و فعلاً تا قبل از شروع جام جهانی تایلند، روی کاغذ و بر اساس آمار و ارقام، هیچ شانسی برای کسب سهمیه در بخش زنان ندارند. در بخش زنان، ریحانه کریمی در دسته ۷۱ کیلوگرم فعلاً در رده سی و چهارم این دسته وزنی قرار دارد و به هیچ وجه نمی‌توان روی سهمیه او حساب باز کرد. رکورد ریحانه ۲۱۱ کیلوگرم است که در مسابقات تاشکند ثبت شده بود.

سیده الهام حسینی کاپیتان تیم ملی وزنه برداری زنان کشورمان و شاخص‌ترین چهره وزنه برداری بانوان ایران که پیش از این امید زیادی برای المپیک شدن او در پاریس داشتیم، دیگر نماینده بانوان ایران است که در رده بندی المپیک در دسته وزنی ۸۱ کیلوگرم قرار دارد. حسینی هم اکنون با رکورد مجموع ۲۳۷ کیلوگرم در رده نوزدهم جا گرفته است و مطمئناً مسیر بسیار سختی برای قرار گرفتن جزو ۱۰ وزنه بردار برتر این دسته وزنی یا بهترین شدن در قاره آسیا دارد. حسینی برای قرار گرفتن در جمع ده نفر برتر رده بندی و کسب سهمیه المپیک نیاز به کسب حدنصاب حداقل ۲۵۲ کیلوگرم دارد. همین نشان می‌دهد که مسیر الهام حسینی برای المپیک شدن سخت و دشوارتر از آن چیزی است که فکر می‌کنیم. یعنی دارنده سه نشان طلا در رقابت‌های آسیایی منامه بحرین چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم افزایش رکورد نیاز دارد تا بتواند صاحب مجوز ورودی به بازی‌های المپیک پاریس شود؛ اتفاقی که اگر رخ دهد قطعاً کار بزرگی است و شگفتی خواهد بود.





من! علی داودی؛ می خواهم بشوم پسر ایران و جهان عیدی ام را ۶ ماه دیگر به مردم می دهم

گفت و گو

مرتضی رضایی

خبرنگار

مهربان است و آدمی افتاده. به قول بچه های پایین شهر خاکی خاکی. مدال نقره المپیک را دارد اما این راضی اش نمی کند. می داند که مردم کشورش از او چه می خواهند. می داند که باید آن کار سخت را سال آینده یا ۴ سال بعدش در المپیک انجام بدهد و اصلاً برای این کار مصمم است: «هدفی غیر از این ندارم. فقط تلاش می کنم، تلاش و تلاش. قول می دهم به مردم! سربلندتان می کنم.»

به بهانه عید نوروز با قهرمان وزنه برداری ایران تماس گرفتیم. کسی که آمده پا جای پای حسین رضازاده، بهداد سلیمی و سجاد انوشیروانی بگذارد. کسی که رؤیاهای زیادی در سردارد و آرزوهایش به همین جا ختم نمی شود: «قطعاً هرکسی می تواند هر آرزویی داشته باشد اما من بیشتر می خواهم؛ می خواهم روزی از تالاخادزه عبور کنم و بشوم علی داودی؛ پسر ایران و جهان.»

او در خصوص شرایط خودش می گوید: «سفت و سخت دارم تمرین می کنم. زمان زیادی تا رقابت های المپیک باقی نمانده است. در اردو همه چیز خوب و فراهم است و همه سعی و تلاشم را می کنم تا به بالاترین حد آمادگی خودم برسیم تا بتوانم با بهترین فرم بدنی روی تخته مسابقات آتی بروم.»

داوودی در پاسخ به اینکه دسته ۱۰۹+ دارد دوباره به روزهای

اوج خودش در ایران برمی گردد، گفت: «ما شاء الله آیت شریفی و علیرضا یوسفی عالی هستند و در بهترین فرم خودشان قرار دارند. سه تایی تمرین کردن انگیزه خوبی به ما می دهد، مفید است و باعث پیشرفت تک تک ما می شود. شک نکنید که در بلندمدت روی رکورد همه ما تأثیر دارد و این در آینده مشخص می شود.»

اما المپیک، رویدادی که داوودی یک بار طعم نقره ای مدال را چشیده است: «من در المپیک قبل موفق شدم مدال بگیرم اما هیچ وقت نوبی زندگی ام اینقدر تشنه و با انگیزه نبوده ام. امیدوارم تلاش هایی که دارم می کنم در نهایت به حضور در المپیک و کسب دومین مدال منجر شود. تقریباً ۶ ماه به المپیک مانده است و شبانه روز باید تلاش کنم تا بهترین اتفاق را رقم بزنم. هرگز در باد مدال قبلی نخوابیده ام. من هر چیزی را که باید، انجام می دهم تا این اتفاق بیفتد. انگیزه الان من را شاید فقط یک نوجوان داشته باشد. شده ام مثل زمانی که در اردوی نوجوانان بودم و دنبال مدال. هیچ وقت اینقدر با انگیزه نبوده ام و می خواهم تمام تلاشم را بکنم تا روی سکوی المپیک قرار بگیرم. در زمانی از لحاظ روحی اذیت های زیادی شدم اما آن بحران را کنار گذاشتم و خدا را شکر وارد حاشیه نشدم. باز هم می گویم امیدوارم آخر همه این سختی ها کسب دومین مدال المپیک باشد و همه آن انتظاری که از من دارند را به چشم ببینند.»

داوودی در خصوص اینکه عیدی به مردم ایران چه چیزی می دهد هم حرف زد و گفت: «امسال عید نوروز برای من اواخر تابستان است! عیدی را به مردم ان شاء الله همان موقع خواهم داد.»

از نایب قهرمان المپیک توکیو سؤال پرسیدیم که مردم انتظارات زیادی از تو دارند. آنها می خواهند که دوباره عنوان قوی ترین مرد جهان به ایران برگردد و این کار تو را سخت خواهد کرد که داوودی این واکنش را نشان داد: «مردم عزیز کشورم همیشه دعاگوی ورزشکاران بوده اند. قطعاً دعای خیر آنها حامی همه ورزشکاران است. تالاخادزه یک استثنا است و این را همه می دانند اما خب او هم روزی آمد و رکورد حاج حسین رضازاده را شکست. من نگاهم به آینده است. فعلاً می خواهم فقط به مسابقات تایلند و المپیک پیش رو فکر کنم. قطعاً هر کسی دوست دارد روزی رکورد بزند و من هم از این قاعده مستثنی نیستم. می جنگم و می جنگم و مردم هم دعا کنند تا بهترین اتفاق ها را رقم بزنم.»

از داوودی خواستیم تا کمی از دوران کودکی خودش برای ما خاطره تعریف کند که او گفت: «که ۱۱ ساله بودم جثه کوچکی داشتم، اما خب از همان زمان هر کسی من را می دید می گفت که در آینده وزنه بردار سنگین وزن می شود. تا ۱۴ سالگی تمرین می کردم و در ۱۵ سالگی بود که توانستم در رده سنی نوجوانان روی سکوبروم و قهرمان شوم. ۱۷ ساله بودم که اولین طلایم را گرفتم و جالب است که اصلاً در آن مسابقات استرسی نداشتم. در طول همه این سال ها مشکلات جالبی داشتم. مثل اینکه باید لباس ۵ ایبکس لارج بپوشم. یا آن زمان که ماشین نداشتم باید کرایه سه نفر را در تاکسی حساب می کردم. همچنین مترو سوار شدن هم برایم مشکلاتی داشت. مردم همه با تعجب من را نگاه می کردند. در کل برای خودم خیلی جالب بود.»



رضازاده: حسرت سومین طلا در پکن به دلم ماند می توانستم تالاخادزه را شکست دهم

شناگر خوبی بودم اگر وزنه بردار نمی شدم

گفت و گو

رضا عباسپور

خبرنگار



خودمان را تا شروع بازی‌ها مهیا و ساخته و پرداخته کنیم، مدال آوری دور از دسترس نیست. عرض کردم که کارمان واقعاً با داشتن رقبای قدرتمند سخت و سنگین است ولی بچه‌های ما خوب هستند و جزو مدال داران جهانی و المپیک می‌باشند. بنابراین اگر به خود باوری برسیم شک نکنید که می‌توانیم مدعی کسب مدال در اوزانی که وزنه بردار در المپیک داریم، باشیم. در مورد علی داودی و وزن تخصصی خودم هم باید بگویم که او دارنده نشان نقره المپیک توکیو است و اگر چه هنوز جوان است و آینده دار، اما تجربه بسیار خوبی از صحنه‌های مختلف بین‌المللی خصوصاً رقابت‌های جهانی و بازی‌های المپیک دارد که می‌تواند این موضوع به او برای عملکرد بهترش روی تخته المپیک کمک ویژه‌ای کند. علی وزنه بردار قدرتمند و مسابقه‌ای است که مطمئنم اگر روز مسابقه روز او باشد و داودی را سر حال روی تخته مسابقه ببینیم، او می‌تواند برای رقبای نامدارش رقیب جدی و سرسختی باشد. علی داودی تمام فاکتورهای یک وزنه بردار فوق سنگین ایده‌آل را دارد، ضمن اینکه تجربه المپیک گذشته (توکیو) نیز به داودی می‌تواند خیلی کمک کند تا بهترین عملکرد فنی خود را روی تخته به نمایش بگذارد. مصطفی جوادی هم وزنه بردار جوان و جنگنده‌ای است که در جهانی ریاض نشان داد که توان عبور و شکست رقبای قدرتمند و نامدار خود را دارد. پس روی او هم می‌توانیم حساب باز کنیم. رضا دهدار نیز در دسته ۱۰۲ کیلوگرم باید در جام جهانی تایلند رکورد مجموع ایده‌آلی (چیزی نزدیک به ۴۰۰ کیلوگرم) را برای خود ثبت کند تا هم سهمیه‌اش را قطعی کند، هم برای رقبا خط و نشان بکشد و هم اینکه شانس مدال آوری در بازی‌های المپیک پاریس باشد. به نظر من باید منتظر بمانیم و ببینیم عملکرد بچه‌ها در جام جهانی تایلند چگونه است؟ بعد از آن می‌توانیم تقریباً تکلیف خود را در جمع مدعیان المپیک برای سهمیه و مدال در بازی‌های المپیک پاریس بدانیم.

اگر هم نسل بودیم، می‌توانستیم از تالاخادزه عبور کنیم

ستاره فوق سنگین وزنه برداری جهان و المپیک که سال‌هایی رقیب در دنیا بوده تا می‌کرد، در خصوص اینکه اگر او با «لاشاتا لاخادزه» هم نسل بود، آیا می‌توانست از این وزنه بردار قدرتمند عبور کند و رکورد هایش را بشکند، تأکید دارد: «اولاً ما به دو نسل متفاوت تعلق داریم که هر نسل شرایط خاص خودش را در دنیای وزنه برداری و دسته فوق سنگین داشت. ثانیاً این را باید اعتراف کرد که تالاخادزه وزنه بردار بزرگ و قدرتمندی است که نمی‌توان او را نادیده گرفت و به قدرت و توانش اعتراف نکرد. اما یک چیز را از خودم مطمئنم که اگر با تالاخادزه هم نسل بودم، به

حسین رضازاده یکی از ستاره‌ها و چهره‌های ماندگار ورزش وزنه برداری ایران است. دارنده دو نشان طلای بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ سیدنی و آتن در دسته فوق سنگین وزنه برداری، این روزها سوای فعالیت در حوزه مدیریتی‌اش و عضویت در هیأت رئیسه و کمیته فنی فدراسیون وزنه برداری، مدیریت پارا وزنه برداری ایران را نیز در دست دارد. او که بی‌شک یکی از اسطوره‌های بزرگ و جاودانه فوق سنگین دنیا است، شاید اگر با «لاشاتا لاخادزه» غول گرجستانی هم نسل بود، قطعاً به واسطه قدرت و توانمندی مثال زدنی‌اش (خصوصاً در فرمت دوزب) می‌توانست ترمز این ستاره فوق سنگین و بی‌رقیب حال حاضر دنیا را بکشد. اما قسمت این بود این دو متعلق به دو نسل متفاوت باشند. به هر روی این روزها که قوی‌ترین مرد سال‌های نه چندان دور وزنه برداری جهان به خاطر بیماری دیابتش گرفتار تخت بیمارستان شده و خیلی احوال روبه‌راهی ندارد، در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ با او هم‌کلام شدیم، تا در مسیر اعزام کاروان ورزش و وزنه برداری ایران به بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ پاریس ضمن خاطره بازی با او، شرایط وزنه برداری ایران را با رئیس پیشین فدراسیون وزنه برداری ایران تحلیل و بررسی کنیم.

وزنه برداری همیشه در المپیک حرف برای گفتن دارد

ستاره فوق سنگین جهان و دارنده دو نشان طلای بازی‌های المپیک سیدنی و آتن در دسته وزنی فوق سنگین در خصوص شرایط ملی پوشان کشورمان در مسیر انتخابی المپیک ۲۰۲۴ پاریس و مدال آوری در این آوردگاه بزرگ خصوصاً علی داودی ملی پوش فوق سنگین کشورمان معتقد است: «همیشه و هر کجا بودم گفتیم که وزنه برداری ایران همواره در عرصه‌های مختلف و معتبر بین‌المللی خصوصاً بازی‌های المپیک جزو مدعیان اصلی مدال است و رقبا همواره روی توان و قدرت بچه‌های وزنه برداری ایران حساب ویژه‌ای باز می‌کنند. مادر المپیک‌ها از زمانی که رسماً در این رویدادها حاضر شدیم، به عنوان مدعی حرف برای گفتن داشتیم. الان هم اگر چه آمار و ارقام اینطور نشان می‌دهد که کار و مسیر سختی برای تثبیت سهمیه‌های ورودی و مدال المپیک در اوزان ۸۹، ۱۰۲، ۱۰۲+ کیلوگرم پیش رو داریم. اما من به بچه‌های وزنه برداری ایران اعتقاد ویژه‌ای دارم و مطمئنم که اگر بتوانیم خوب



دنبال نمی‌کردم، حتماً شناگر خوب و درجه یکی می‌شدم.»

حسرتی ندارم جز المپیک پکن

رضازاده در پایان اشاره‌ای هم به حسرتی که از دوره قهرمانی به دل دارد سخن می‌گوید: «خداوند اینقدر به من لطف و محبت داشته که هیچ چیزی در دنیای ورزش کم و کسر نداشتم. ولی تنها حسرتی که به دل ماند حضورم در سومین المپیک برای گرفتن سومین طلای بازی‌های المپیک در سال ۲۰۰۸ پکن بود. البته فکرمی‌کنم دیگر همه ماجرا و شرایط ویژه‌ای که آن دوره داشتم رامی‌دانند. من بشدت فشارخون و دیابت داشتم و زیر وزنه خون دماغ می‌شدم. به همین دلیل پزشک از وزنه زدن و فشار بیش از حد منعم کرد. به همین دلیل حضور در المپیک ۲۰۰۸ پکن را از دست دادم. قطعاً اگر این مشکل برایم رخ نمی‌داد می‌توانستم سومین مدال طلای المپیک خود را در پکن بگیرم. به هر حال این افتخار قسمتم نشد و همین تنها حسرتی بود که از دوره قهرمانی به دل ماند. الان هم می‌بینید بعد از سال‌ها هنوز درگیر بیماری فشارخون و دیابت هستم و همین بیماری کارم را به بیمارستان کشانده است. برای تک تک مردم ایران در سال ۱۴۰۳ آرزوی سلامتی، تندرستی و رزق بی‌شمار دارم. همینطور امیدوارم کاروان ورزش و وزنه برداری ایران سال آینده در المپیک ۲۰۲۴ پاریس بدرخشد و سربلند باشد.»



ورزشی می‌شوم راضی بود، اما پدرم کمی مخالفت داشت. البته او هیچ وقت جلوی من را برای باشگاه رفتن نگرفت. خدا رحمتش کند خیلی وقت‌ها دلم برایش تنگ می‌شود. روحش شاد. خدا را شکر الان خودم پدر ۳ فرزند هستم و می‌دانم که چقدر برای یک پدر آینده فرزندانش مهم است. سوای ابوالفضل که فرزند بزرگ من است، خداوند به من یک پسر دیگر (محمد مهدی) و یک دختر به نام (فاطمه) هدیه داده که امیدوارم بتوانم آنها را آدم‌های مفیدی برای کشورم پرورش دهم.»

بعد از وزنه برداری، عاشق شنا هستم

دارنده ۲ نشان طلای المپیک (۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ سیدنی و آتن) با بیان اینکه اگر وزنه بردار نمی‌شد، قطعاً به شنا علاقه زیادی داشت و شاید شناگر حرفه‌ای می‌شد، تأکید دارد: «من از ابتدای به ساکن که دست به وزنه شدم، قهرمان المپیک نبودم. پله پله این مسیر سخت و دشوار را طی کردم تا شدم حسین رضازاده. می‌گویند کسی که مدال المپیک می‌گیرد حتماً هوشش بیشتر است. اما من مطمئنم هر کسی دنبالش این است در هر رشته‌ای پیشرفت کند و قهرمان بزرگی شود، باید اراده و عزمی راسخ داشته باشد برای تمرین و ممارست در برنامه و کارش. من عاشق ورزش بودم. از بچگی شنا را هم دوست داشتم و شک ندارم اگر وزنه برداری را



من از ابتدای به ساکن که دست به وزنه شدم، قهرمان المپیک نبودم. پله پله این مسیر سخت و دشوار را طی کردم تا شدم حسین رضازاده.

می‌گویند کسی که مدال المپیک می‌گیرد حتماً هوشش بیشتر است. اما من مطمئنم هر کسی دنبالش این است در هر رشته‌ای پیشرفت کند و قهرمان بزرگی شود، باید اراده و عزمی راسخ داشته باشد برای تمرین و ممارست در برنامه و کارش

واسطه اینکه من هم وزنه بردار سختکوش و پرقدرتی بودم، می‌توانستم با او رقابت جذاب و مهیجی را در صحنه مسابقه ثبت کنم. در یکضرب او با وزنه‌هایی که ثبت کرد شرایط بسیار خوبی دارد، اما در دو ضرب من هیچ وقت تمام توانم را روی تخته نگذاشتم. بی‌شک من می‌توانستم رکوردهای بالاتری از آنچه که مهار کردم را ثبت کرده و حتی از تالاخادزه هم عبور کنم. ولی خب اینها همه فرضیه است و عرض کردم که ما متعلق به دو نسل متفاوت هستیم. امیدوارم استعداد های نایی که در وزنه برداری ایران هستند، دیرپا زود از این وزنه بردار قدرتمند عبور کنند تا باز هم رکوردهای فوق‌ستغین به نام وزنه برداری ایران ثبت شود.»

با ۶۰ کیلو وزن، وزنه بردار شدم

حسین رضازاده یکی از ستاره‌های نامدار ورزش ایران در خصوص سال جدید، تعطیلات نوروز و خاطراتی که از دوران کودکی به یاد دارد می‌گوید: «من در اردبیل و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم و دو برادر و پنج خواهر دارم. زمانی که ۱۴ ساله بودم، وزنه برداری را شروع کردم. دبستان را در مدرسه شهید مطهری بودم. برای راهنمایی و دبیرستان در مدارس شهید قمیسی و جهان دانش تحصیل کردم. شاگرد اول که نبودم. همان نمره ۱۰ را می‌گرفتم خدا را شکر می‌کردم (می‌خندد). دوست داشتم وقتی بزرگ شدم خلبان شوم چون به خلبانی علاقه داشتم. خانواده‌ام نیز می‌خواستند که من موفق شوم. آن زمان اگر کسی لباسان می‌گرفت، می‌گفتند فلانی لباسان دارد یا دانشگاه می‌رود، از این رو پدر و مادرم مانند همه پدر و مادرها دوست داشتند فرزندشان مهندس یا دکتر شود. من در دوره کودکی چاق نبودم، زمانی که وزنه برداری می‌رفتم وزن بدنم ۶۰ کیلوگرم بود، اما استخوان بندی‌ام درشت بود. زمانی که ایوانف به ایران آمد وزن بدنم بین ۱۰ تا ۱۱۰ کیلوگرم بود. بعد کم‌کم وزن بدنم بالا رفت. واقعاً هم زحمت کشیدم تا وزنم بالا برود. یادم می‌آید که از رستوران غذا می‌آوردم و شب قبل از خواب یک پرس دیگر غذا می‌خوردم تا وزنم بالا برود. بعد از المپیک سیدنی خانواده‌ها در اردبیل یا شهرهای دیگر بچه‌های خود را که چاق بودند می‌آوردند تا وزنه بردار شوند. پسر ابوالفضل هم فیزیکش را از من به ارث برده است. او با وجود اینکه اصلاً چاق نیست، اما استخوان بندی درشتی دارد. البته خیلی علاقه‌ای به وزنه برداری ندارد. اما اگر وزنه بردار بود، قطعاً بدنش مثل من پرمی‌شد.»

بچه پولدار نبودم

رضازاده در خصوص وضع مالی خانواده‌اش قبل از دوره قهرمانی می‌گوید: «ما وضع مالی متوسطی داشتیم. ولی بچه پولدار نبودم. پدرم راننده کامیون بود و بعد از المپیک سیدنی بازنشسته شد. آن اوایل برای تمرین من و دوستانم با اتوبوس واحد به سالن می‌رفتیم. شب که می‌خواستیم برگردیم اتوبوس واحد نبود، کرایه تاکسی هم ۱۰ تا ۲۰ تومان بود. ما هم این مقدار پول نداشتیم. بنابراین نزدیک به ۴۰ دقیقه از باشگاه تا خانه را پیاده می‌آمدیم. یادم هست همیشه عاشق لباس نو خریدن در تعطیلات نوروز و عید بودم. الان هم هنوز همان حال و هوا را در عید و شروع تعطیلات دارم. مادرم چون می‌دید وارد محیط

انوشیروانی: بزرگترین حسرت من، خدا حافظی زودهنگام از دنیای قهرمانی بود «خدا» با نقره المپیک لندن به من «عزت» داد

گفت و گو

مرتضی رضایی
خبرنگار

درخشش «سجاد انوشیروانی» در رقابت های جهانی ۲۰۱۱ پاریس و المپیک ۲۰۱۲ لندن موجب شد تا نامش را تاریخ ورزش ایران و وزنه برداری به عنوان یکی از افتخار آفرینان این رشته ورزشی ثبت و جاودانه شود. وزنه بردار فوق سنگین ایران که خاطرات شیرینی را همراه با «بهداد سلیمی» دیگر ستاره فوق سنگین وزنه برداری ایران برای مردم ایران و اهالی وزنه برداری ثبت کرد، امروز در قامت رئیس فدراسیون وزنه برداری، در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ معتقد است هر آنچه در دوران قهرمانی به دست آورده لطف خدا بوده که به او عزت بخشیده است. رئیس فدراسیون وزنه برداری ایران در واپسین روزهای باقی مانده از سال ۱۴۰۲ حرف های جالبی را به ایران ورزشی زد.

شیرین ترین خاطره و تلخ ترین خاطره دوره ورزشی ات چه بوده؟
شیرین ترین خاطره دوره قهرمانی و ورزشی ام، قطعاً کسب مدال نقره المپیک در بازی های سال ۲۰۱۲ لندن بود. واقعاً نمی توانم حس باور نکردنی که داشتم را در آن روز بیان کنم. فقط می توانم بگویم همه چیز عالی بود و لطف خدا شامل حالم شد تا بتوانم نایب قهرمان المپیک شوم. تلخ ترین خاطره هم خدا حافظی زودهنگام با دنیای قهرمانی به خاطر مصدومیت بود. واقعاً من توان گرفتن مدال های بیشتر را داشتم، ولی آسیب دیدگی این فرصت را از دستم درآورد. ضمن اینکه یکی دیگر از خاطرات تلخی که از دوره قهرمانی دارم، این بود که در مسابقات جهانی ۲۰۱۰ آسیب دیدگی زانو مدال جهانی که در مشت بود را از من گرفت. اما سال بعدش در جهانی ۲۰۱۱ پاریس با لطف خدا جبران کردم و همراه با بهداد روی سکوی قهرمانی جهان رفتم.

واقعاً فکرش را می کردی بعد از مصدومیتی که سال ۲۰۱۰ داشتی، سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ سال طلایی ات برای درخشش در وزنه برداری جهان باشد؟

من بعد از ناکامی در جهانی ۲۰۱۰، برای جهانی ۲۰۱۱ پاریس تمام سعی ام را گذاشتم. شبانه روز برنامه ریزی کرده بودیم تا تیم سهمیه کامل بگیرد و من هم به مدالی که سال قبل از دست داده بودم، برسیم. به همین دلیل به وزنه هایی حمله کردم که حتی در تمرینات هم موفق به مهار آنها نشده بودم. اما همه اینها لطف خدا بود تا من بتوانم به آنچه که برایش زجر و حرمت کشیده بودم برسیم.

چه عاملی باعث شد انوشیروانی با مصدومیت جدی که در زانو داشت بتواند نایب قهرمان المپیک در ۲۰۱۲ لندن شود؟

پس از اینکه در جهانی پاریس که سال قبل از المپیک بود، توانستم به مدال نقره جهان برسیم، فهمیدم که حالا توانایی گرفتن مدال المپیک را هم دارم. حقیقتاً خیلی مصمم بودم برای اینکه به المپیک برسیم. مدال المپیک می توانست برای من خوب باشد و زندگی ام را متحول کند. به همین دلیل با برنامه و با هدف رفتم به سمتش و برای رسیدن به آن تلاش زیادی کردم. شاید باور نکنید اما یکی از منظم ترین سال ها برای من سال قبل از المپیک ۲۰۱۲ بود. برای هر دقیقه زندگی ام برنامه داشتم و اجازه نمی دادم یک لحظه از برنامه ای که داشتم تلف شود. خدا را شکر که توانستم با دعای خیر مردم و تلاشی که داشتم، مدال نقره بگیرم و رویا هایی که در ذهنم بود را عملی کنم.

شب قبل از مسابقه فوق سنگین در لندن، گویا دیالوگ های جالبی بین شما و بهداد سلیمی که هم اتاق بودید رد و بدل شد. آن دیالوگ ها را یادادت هست؟

(می خندد). بله، شب قبل از مسابقه دسته فوق سنگین در المپیک

۲۰۱۲ لندن، اتفاقاً من از نظر روحی و روانی خیلی به نسبت مسابقات قبل راحت بودم و استرس خاصی نداشتم. اما برعکس من بهداد کمی استرس داشت و نمی توانست بخوابد. برای من این موضوع خیلی جالب بود و تعجب برانگیز! چون بهداد بخت اصلی قهرمانی بود و به عنوان قهرمان طلایی جهان در سال ۲۰۱۱، همه روی مدال طلایی او در المپیک لندن حساب ویژه باز کرده بودند. شاید همین موضوع هم باعث شده بود روی او فشار و استرس باشد. بنده خدا هر کاری می کرد خوابش نمی برد. من هم وقتی شرایط او را دیدم، شروع کردم با او حرف زدن و شوخی کردن تا استرسش را برطرف کنم. یاد هم هست به او گفتم، برادر نگران نباش المپیک هم مثل بقیه مسابقات است. نگران نباش قهرمانی. مدتی را همینطور بودی و با حرف زدم تا نهایتاً آرام شد و خوابید.

نقره المپیک چقدر روی زندگی انوشیروانی تأثیر داشت؟

نایب قهرمانی المپیک ۲۰۱۲ لندن و مدال هایی که در عرصه جهانی کسب کردم روی زندگی من تأثیرات مثبت فراوانی داشت. من با مدال المپیک، هم جایگاه خوب اجتماعی کسب کردم، هم اینکه در ورزش به آنچه که می خواستم رسیدم. ضمن اینکه موفق شدم تحصیلات دانشگاهی ام را هم تا مقطع دکتری ادامه داده و الان هم رئیس فدراسیون وزنه برداری شوم و استاد دانشگاه. اینها را همه مدیون وزنه برداری و مدال هایی که در دنیای قهرمانی و ورزش کسب کردم، هستم. از نظر اقتصادی هم نایب قهرمانی المپیک برای من خیلی خوب بود. حتی به لحاظ معنوی اینکه مردم در کوچه و خیابان «پهلوان» صدايت می کنند عزتی است که خدا از طریق کسب این مدال به من داده است.

المپیک ۲۰۱۶ ریو برای انوشیروانی که سرمربی تیم ملی شده بود قطعاً خاطرات تلخ و شیرینی زیادی داشت، چیزی از آن یادت هست برای ما بازگو کنی؟

۲۰۱۶ اولین تجربه سرمربیگری من در المپیک بود. من تازه در قامت سرمربی باید وزنه بردارانی را هدایت می کردم که در سال ۲۰۱۲ با آنها در لندن وزنه زده بودم. این کار سخت و دشواری بود که خدا را شکر فکرمی کنم از آن سر بلند بیرون آمدم. قطعاً شیرین ترین خاطره ام از ۲۰۱۶ ریو، کسب مدال طلایی «سهراب مرادی» بود که می دانستم حقتش در المپیک ۲۰۱۲ لندن طلا بود ولی به آن نرسیده بود. به همین دلیل وقتی او در ریو طلا گرفت، گویی خودم قهرمان شده بودم. بدترین و تلخ ترین خاطره ام در ریو هم این بود که اجازه ندادند بهداد

سلیمی دومین مدال المپیک اش را در

برزیل بگیرد. واقعاً آن شب، شب

خیلی تلخی در زندگی ما بود.

انوشیروانی ۲ بار در ۲۰۱۲

و ۲۰۱۶ آوردگاه المپیک

را تجربه کرده است.

فکر می کنی المپیک

۲۰۲۴ چه تفاوت هایی

با المپیک های قبلی

دارد؟

بله. همینطور که

گفتید، من ۲۰۱۲ به

عنوان ورزشکار و ۲۰۱۶

در قامت سرمربی

المپیک را تجربه

کردم. حالا در

بازی های المپیک

۲۰۲۴ پاریس اگر

قسمت باشد به

عنوان رئیس

فدراسیون می خواهم از این زاویه این آوردگاه بزرگ را تجربه کنم. معتقدم هر سه وضعیت و جایگاهی که داشتم بابت افتخار آفرینی و اهتزاز پرچم کشور بوده و خوشحال کردن دل مردم. این حس، قطعاً حس مشترکی است که در هر مرحله از زندگی من وجود داشته است. وقتی ورزشکار هستی آنجا خودت هستی و خودت، اما وقتی سمت می گیری (سرمربی می شوی یا مسئول) فضا فرق می کند. مسئولیت بیشتر می شود. خیلی دوست داری کاری کنی تیم نتیجه بگیرد که دل همه مردم شاد شود. خدا کمک کند بتوانیم با درخشش بچه ها و زحمات شبانه روزی کادرفنی در بازی های پاریس نتیجه بگیریم و باز هم پرچم وزنه برداری را در المپیک بالا ببریم.

فکر می کنید بتوانیم در جام جهانی تایلند (آخرین گزینشی

المپیک پاریس) سهمیه وزنه برداری را کامل و تثبیت کنیم؟

به امید خدا اگر همه چیز آتور که برنامه ریزی کردیم پیش برود، فکرمی کنم بتوانیم قطعاً در جام جهانی پوکت که در کشور تایلند برگزار می شود، سه سهمیه خود را کامل کنیم و با توپ پر عازم پاریس شویم. البته در بخش مردان ۴ نفر از بچه های ما روی کاغذ شانس دارند. اما نهایتاً سه نفر از این بین که بهترین رتبه و امتیاز را دارند راهی المپیک می شوند. مطمئن هستم ما نسبت به ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو کار سخت تری پیش رو داریم، زیرا سهمیه ها کم شده. بانوان به ما اضافه شدند که البته برای بازی های ۲۰۲۸ روی بانوان حساب بیشتری باز کردیم. کمیته بین المللی المپیک (IOC) هم به خاطر مشکلات دوپینگ که در سال های گذشته روی این رشته سایه افکنده بود، فدراسیون جهانی و وزنه برداری دنیا را تحت فشار گذاشته است. به همین دلیل کار سخت است و ما فقط با سه سهمیه داریم می رویم به سمت المپیک. شرایط وزنه برداری را همه کم و بیش می دانند. همه داشته های ما همین بچه ها هستند و امیدواریم از این چهار نفر سه نفر راهی المپیک شوند و کاری کنند کارستان. ضمن اینکه بچه های ما بیشترشان زیر ۲۵ سال هستند و این می تواند برای آینده خوب باشد.





پاریس و آرزوهای جدید برای پارالمپیک آنها که سقف جدید می سازند

سالنامه

حنا محسن زاده

خبرنگار

در پارالمپیک لندن با ۱۰ طلا، ۷ نقره و ۷ برنز و ایستادن در رده یازدهم ثبت شده بود. حالا در سال بازی های المپیک و پارالمپیک همه نگاه ها به سوی کاروان ایران است. کاروانی که باید نتیجه تاریخی توکیو را اگر بهبود نبخشد، حداقل تکرار کند. کاری که در بازی های هانگژو با ایستادن در رده تاریخی دومی، نوید آن را داده است. سؤال مهم این است که آیا چنین چیزی ممکن است یا نه؟

این دوره شاید یکی از مهمترین دوره های پارالمپیک برای ایران باشد، دوره ای که شاید برای اولین بار ستاره های جدید ظهور کنند و شاید دوره خاموشی ستاره های قدیمی این ورزش باشد. ستاره هایی که اگر در پاریس بدرخشند، کمک بزرگی به کاروان کیفی ایران برای ساختن یک سقف جدید می کنند.

کرد که شاید نسبت به رده بندی لندن ضعیف تر بود اما کسب ۱۲ مدال طلا در یک دوره را هیچ وقت به روی خودش ندیده بود اما در توکیو این ۱۲ طلا به دست آمد تا یک سقف جدیدی برای پارالمپیک ایران بسازد. نکته مهم در آن موقع این بود که کمیته ملی پارالمپیک قبل از شروع بازی ها پیش بینی خود را منتشر کرد، پیش بینی که تقریباً درست از آب درآمد؛ پیش بینی کمیته ملی پارالمپیک این بود که ایران با ۶۲ ورزشکار، صاحب ۲۸ مدال شود. این پیش بینی به صورت جزئی تر شامل ۱۱ مدال طلا، ۱۱ نقره و ۶ برنز بود. در توکیو کاروان ایران ۱۲ طلا، ۱۱ نقره و یک برنز به نام ایران ثبت کرد تا پیش بینی کمیته ملی پارالمپیک به بهترین شکل ممکن ثبت شود. تا قبل از آن بهترین نتیجه تاریخ برای کاروان ایران

کاروان پارالمپیک ایران در اوآخ شهر یور ۱۴۰۳ راهی پاریس می شود تا در بازی های ۲۰۲۴ حضور داشته باشد. حضوری مهم که بعد از دو نتیجه تاریخی پیاپی در بازی های توکیو و هانگژو توقعات را حسابی بالا برده است. حالا بسیاری توقع دارند، نتیجه تاریخی توکیو تکرار شود؛ توقعی که شاید خیلی نابجا نباشد. کاروان ایران در پارالمپیک توکیو نتیجه ای را کسب

مهدی اولاد؛ چشم درخشان کاروان ایران



در توکیو هم یک ستاره درخشید که حالا می توان به درخشش او در پاریس امید داشت. مهدی اولاد جوان تهرانی ساکن شیراز در توکیو یک طلا و یک نقره گرفت و نشان داد که در ۳۷ سالگی می توان به طلای او در پاریس هم امید داشت. او اگر همین مدال ها را در پاریس بگیرد، مسیر طولانی را در چهار سال طی کرده است و این از او یک استثنا می سازد. مهدی اولاد قهرمان بدنسازی بود که به یکباره به دلیل بیماری مادرزاد بینایی چشمانش را از دست داد اما حالا به چشمان درخشان کاروان ایران تبدیل شده است.

ساره جوانمردی؛ در مسیر مادری



یکی دیگر از استثناهای ورزش پارالمپیک ایران ساره جوانمردی است. کسی که با فرزند طفل خود در هانگژو حاضر شد و به مدال طلا هم رسید. او با سه طلا و یک برنز بعد از زهرا نعمتی یکی از رکورد داران پارالمپیک ایران است. ساره اگر در پاریس حاضر باشد و به مدال طلا برسد با چهار طلا و یک برنز شاید از نعمتی هم رد شود. او هم مانند نعمتی این روزها خیلی در تمرینات و مسابقات حضور ندارد و بیشتر وقتش را با فرزندش می گذراند. ساره این روزها بیشتر مادر بوده تا قهرمان و همین کمی نگرانی به وجود آورده. اگر او هم مثل زهرادل به کار نهد، کار برای کاروان ایران چندان آسان نخواهد بود.

احمد امین زاده؛ یکی مثل سیامند؟



یکی از چهره های خاص در کاروان پارالمپیک ایران در این دوره احمد امین زاده است. وزنه بردار جوان و آینده داری که با طلای هانگژو و جام جهانی نامش را بر سر زبان ها انداخت. او در دومین دوره بازی های پارالمپیک در غیاب سیامند رحمان می تواند طلای این دسته را به ایران برگرداند؛ طلایی که در نبود سیامند در توکیو از دست ایران خارج شد. احمد امین زاده با درخشش و کسب طلای پاریس جای پای خود را در ترکیب تیم ملی پارا وزنه برداری سفت می کند و وعده ظهور یک نفر مثل سیامند رحمان را می دهد.

بی خیال مثل زهرا نعمتی



یکی از استثناهای ورزش ایران بدون شک زهرا نعمتی است. ستاره ای که از سال ۲۰۱۲ شروع به درخشش کرد و تا به حال هم به این درخشش ادامه داده است. او تا رسیدن به یک رکورد قابل توجه در پارالمپیک نیاز به طلای این دوره از بازی ها دارد اما تمرینات و شرایطی که الان دارد در نوع خود بسیار عجیب است. او نه تمرینی می کند و نه به مسابقه ای می رود. حرفی هم از خدا حافظی نزنده و همین یک بلا تکلیفی محض است. با این شرایط او اگر به پاریس هم بیاید بعید است که موفقیت دوره های قبل را داشته باشد و این یعنی حتی اگر در این دوره هم حاضر باشد آخرین دوره حضورش خواهد بود.

آنچه در ۱۴۰۲ به ورزش جهان گذشت و آنچه در ۱۴۰۳ می‌بینیم

از المپیک تا المپیک

در سال ۱۴۰۲ رویدادهای مهم ورزشی رخ داد از جمله برگزاری بازی‌های آسیایی ۲۰۲۲ هانگژو که به علت شیوع کووید ۱۹ در چین یک سال به تعویق افتاده بود تا انتخابی‌های رشته‌های مختلف المپیک پاریس ۲۰۲۴ و البته انتخابی تورنمننتی مثل فوتبال جام ملت‌های اروپا و سه‌گانه قهرمانی منچستر سیتی.

ورزش جهان در سالی که گذشت

تیمی که بدون سرمربی قهرمان شد



به علت باران‌های سیل‌آسای ساحل عاج در فصل تابستان، جام ملت‌های آفریقا با تعویق شش ماهه در زمستان و همزمان با برگزاری جام ملت‌های آسیا برگزار شد. شگفتی این رقابت‌ها اما تیم میزبان بود که با سرمربی موقت در مراحل حذفی میان تیم‌های مدعی قاره همچون سنگال، نیجریه و مراکش به مقام قهرمانی رسید و باز هم فوتبال ثابت کرد شگفتی‌هایش پایان‌ناپذیر است. قطر هم در جام ملت‌های آسیا برای دومین بار متوالی به مقام قهرمانی رسید و جام را در خانه نگه داشت.

فوتبال



مرحله نخست انتخابی یورو ۲۰۲۴ آلمان از فروردین ماه سال گذشته آغاز شد. رقابت‌هایی که بیست و یک تیم از بیست و چهار تیم حاضر در مهم‌ترین تورنمنت فوتبالی قاره سبز را مشخص کرد. منچستر سیتی با پپ گواردیولا پس از هفت سال انتظار به قهرمانی لیگ قهرمانان فوتبال اروپا رسید تا سه‌گانه قهرمانی لیگ، حذفی و لیگ قهرمانان را کسب کند. آنها البته سوپر جام اروپا و همچنین قهرمانی جام جهانی باشگاه‌ها در عربستان را نیز به دست آوردند تا پنج‌گانه طلایی را ثبت کنند.

بسکتبال



مهمترین تورنمنت بسکتبال در سال گذشته جام جهانی مردان بود. تورنمننتی که به میزبانی سه کشور آسیایی فلیپین، ژاپن و اندونزی برگزار شد. شگفتی این تورنمنت شکست امریکا در بازی رده‌بندی مقابل کانادا و کسب عنوان چهارمی جهان توسط این تیم بود. قهرمانی جهان هم به آلمان رسید. ناکامی امریکا باعث شد فوق ستاره‌های بسکتبال این کشور اعلام کنند برای بازی‌های پاریس به تیم ملی باز خواهند گشت. بدین ترتیب رقابت‌های بسکتبال المپیک پاریس پرستاره‌ترین دوره، پس از مسابقات سال ۲۰۱۲ خواهد بود. در NBA هم دنور ناگتس با شایستگی به قهرمانی فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ رسید.

دوومیدانی



بازی‌های تابستانی توکیو ۲۰۲۰ دو پدیده در این رشته به ما معرفی کرد. آرماندو دوپلانتس، پرنده سوئدی با ثبت یک رکورد فوق‌العاده به قهرمانی رسید و مارسل جاکوبز که سریع‌ترین مرد این بازی‌ها لقب گرفت و جانشین یوسین بولت افسانه‌ای شد. این دو ستاره نوظهور هم اما در سال قبل از المپیک پاریس دوروند متفاوت داشته‌اند. مارسل جاکوبز افت شدیدی کرد و در بسیاری از تورنمنت‌های مهم به مقام نرسید. پرنده سوئدی اما همچنان استوار قدم برداشت و رکورد پرش با نیزه مردان را به حد نصاب شگفت‌انگیز ۶.۲۴ متر رساند.

تنیس



در ۲۰۲۳ نواک جوکوویچ حاکم تنیس جهان بود. به جز ویملدون که کارلوس آلکاراس در یک بازی فوق‌العاده جذاب مقابل نوله به برتری رسید تمام گرند اسلم‌ها با قهرمانی جوکوویچ به پایان رسید تا او با کسب بیست و چهار عنوان قهرمانی در این مسابقات تبدیل به پرافتخارترین تنیس‌باز مرد تاریخ شود. البته که در ابتدای سال ۲۰۲۴ یانیک سینرپرسا ایتالیایی در فینال گرند اسلم استرالیا با پیروزی مقابل دنیل مدودف اولین قهرمانی‌اش در این رویداد را به دست آورد تا مدعی جدید قهرمانی در تنیس باشد.



هندبال



فرانسوی‌ها پس از چند سال ناکامی در قاره سبز با درخشش ندیم ریملی و نیکولا کاراباتیچ به قهرمانی جام ملت‌های اروپا رسیدند تا با روحیه‌ای عالی مدعی کسب طلای المپیک در کشور خود نیز باشند. در آسیا هم قطری‌ها با پیروزی مقابل ژاپن در بازی فینال جام راه خانه بردند.

بازی‌های آسیایی



۱۴۰۲ سال ماقبل المپیک بود اما به علت شیوع کووید ۱۹ در چین، بازی‌های آسیایی برای اولین بار در تاریخ به این سال موکول شد و طبق انتظار با قهرمانی مقتدرانه و قابل پیش‌بینی کاروان چین میزبان به پایان رسید.

والیبال



پدیده والیبال دنیا در سال ۲۰۲۳ تیم ملی ژاپن بود که با هدایت فلیپ بلین سرمربی مشهور فرانسوی موفق به کسب رتبه سوم لیگ ملت‌های والیبال در سال ۲۰۲۳ شد. رتبه‌های اول و دوم این تورنمنت هم به لهستان میزبان مرحله نهایی و ایالات متحده آمریکا رسید.

نسل طلایی این بار در زنان



بسیاری تیم ملی مردان فوتبال اسپانیا طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ را طلایی‌ترین نسل فوتبال اسپانیا می‌دانند. حالا اما پس از گذشت بیش از یک دهه از آن روزها نسل طلایی فوتبال زنان این کشور ظهور کرده، تیمی که در تابستان با پیروزی مقابل انگلستان در استرالیا به مدال طلای جام جهانی زنان رسید.

آنچه در ۱۴۰۳ خواهید دید

فوتبال



رقابت‌های فوتبال ملی در جهان تابستان امسال دو تورنمنت مهم در قاره آمریکای جنوبی و اروپا را تجربه می‌کند. جام ملت‌های اروپا از ۲۵ خرداد به میزبانی آلمان آغاز می‌شود و تا ۲۴ تیرماه ادامه خواهد داشت. کوپا آمریکا دیگر رویداد فوتبالی مهم هم از ۱ تیر آغاز شده و تا بیست و چهارمین روز همان ماه به میزبانی آمریکا ادامه خواهد داشت. میزبانی این دوره کوپا آمریکا برای آمادگی هرچه بهتر ایالات متحده برای جام جهانی ۲۰۲۶ به این کشور داده شده است.

گردد اسلم‌های تنیس



سه گرند اسلم از چهار گرند اسلم فصل تنیس در سال جدید و طی ماه‌های خرداد، تیر و شهریور برگزار می‌شود. رولان گاروس یا تنیس آزاد فرانسه از ۳۱ اردیبهشت تا ۲۰ خرداد به میزبانی مجموعه فلیپ شاترته پاریس برگزار می‌شود. ویمبلدون که به عنوان تنها گرند اسلم چمن سال شناخته می‌شود از ۱۱ تا ۲۴ تیر و آخرین گرند اسلم فصل هم از ۱۸ تا ۵ شهریور به میزبانی نیویورک برگزار می‌شود.

المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۴



مهمترین رویداد سال آینده بدون شک المپیک و پارالمپیک پاریس است که در مرداد و شهریورماه به میزبانی پاریس، پایتخت فرانسه برگزار می‌شود. بازی‌های المپیک از ۲۱ تا ۵ مرداد ماه برگزار می‌شود. پارالمپیک هم از روز ۷ شهریور ماه آغاز می‌شود و تا هجدهمین روز این ماه ادامه خواهد داشت.

دوچرخه‌سواری



مهمترین تور جاده جهان موسوم به تور دو فرانس که هر ساله میانه فصل تابستان آغاز می‌شود، در سال ۲۰۲۴ در بازه زمانی ۹ تا ۳۱ تیر برگزار می‌شود. زمان این دوره به علت برگزاری المپیک دچار تغییرات شده است.

درگذشتگان بزرگ دنیای فوتبال در سال ۱۴۰۲؛ شما از یاد نخواهید رفت

با پایان سال، زمانی که ۱۲ ماه گذشته را ورق می‌زنیم باید در کنار خاطرات شیرین، تلخی‌ها را نیز مرور کنیم، جمله کلیشه‌ای «مرگ حق است» در دنیای ورزش و مخصوصاً فوتبال نیز کاملاً صدق می‌کند و هر سال شاهد وداع با اسطوره‌هایی هستیم که بارها غم و شادی آنها را در مستطیل سبز با خود تقسیم کرده ایم. در این گزارش قصد داریم بزرگان دنیای فوتبال که در سال ۱۴۰۲ از جمع ما جدا شدند را مرور کنیم؛

درگذشتگان

ایمان گودرزی

خبرنگار

تری ونبلز



سرمربی کاربزماتیک سابق انگلیس، تاتهام هاتسپرو و بارسلونا پس از یک بیماری طولانی در ۲۶ نوامبر در سن ۸۰ سالگی درگذشت. او که به عنوان یکی از بهترین مربیان تاریخ انگلیس یاد می‌شود، میزبان یورو ۹۶ را به نیمه نهایی رساند - جایی که آنها در ضربات پنالتی به آلمان (قهرمان آن دوره) بازی را واگذار کردند. او همچنین مربی بارسا تا فینال جام ملت‌های اروپا ۱۹۸۶ بود و در سال ۱۹۹۱ با تاتهام قهرمان جام حذفی شد. شخصیت پرجنب و جوش ونبلز و عشق به فوتبال هجومی، او را به عنوان مربی محبوب بازیکنان و هواداران به دنیا معرفی کرد. گری لینه کر که زیر نظر او در بارسا و اسپرز بازی می‌کرد، گفت: «بهترین و مبتکرترین مربی که من افتخار و لذت بازی زیر نظر او را داشتم. برای پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی نیز که در زمان مربیگری ونبلز در آکادمی بارسا جوان بود، مهارت‌های مربیگری و همچنین شخصیت ونبلز مورد توجه بود، پپ در مورد او گفت: «او خیلی با مزه بود و فرانک سیناترا را در برنامه‌های کاتالان می‌خواند. او مردی درست و حساسی بود.»

ماريو زاگالو



ماريو زاگالو سرمربی پرافتخار برزیلی یکی دیگر از چهره‌های شناخته شده دنیای فوتبال بود که در سال ۲۰۲۰ درگذشت. زاگالو از معدود افرادی است که هم به عنوان بازیکن هم به عنوان مربی قهرمان جام جهانی شد. وی چهار بار با برزیل به عنوان بازیکن یا مربی برنده جام جهانی فوتبال شد. از افتخارات او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: زاگالو، چهار بار با برزیل به عنوان بازیکن یا مربی برنده جام جهانی فوتبال شد. برزیل در جام جهانی ۱۹۵۸ سوئد با ستارگانی چون ماریو زاگالو که بعدها در سال ۱۹۷۰ در نقش مربی برزیل را به قهرمانی رساند به فینال جام رسید و در بازی فینال پله ستاره نوجوان برزیل دو گل، واوا و دو گل و ماریو زاگالو یک گل برای برزیل به ثمر رساندند و برزیل پس از ۲۸ سال از آغاز جام جهانی و حضور در شش دوره برای نخستین بار این جام را به خانه برد.

فرانتس بکن باوئر



۸ ژانویه به عنوان یکی از تلخ‌ترین روزهای تاریخ فوتبال آلمان به یاد خواهد ماند. فرانتس بکن باوئر که به عنوان «امپراطور فوتبال» شناخته می‌شد؛ بهترین ماشین فوتبال آلمان و قهرمان جام جهانی به عنوان بازیکن و سرمربی بود؛ قلب تپنده تیم بایرن مونیخ و بازیکن یکه‌تاز اروپا در اواسط دهه ۷۰ که یک پست جدید را در فوتبال ابداع کرده و سپس سعی کرد فوتبال را در ایالات متحده متحول کند. باوئر یکی از اولین فوتبالیست‌هایی بوده که پس از پایان دوران فوتبالیس، به یک چهره مشهور در عرصه‌های دیگری مانند اقتصاد و کسب و کار تبدیل شده و فردی بانفوذ بوده است. اما زندگی او در خارج از زمین فوتبال به رسوایی ختم شد. قبل از اینکه بیماری و زوال عقل گریبانگیر باوئر در سال‌های آخر زندگی اش شود، او در کسب و کارهای پر از فساد فیفا یکی از دلال‌های بدنام بوده و طرد شده بود. اما برای اکثر علاقه‌مندان به فوتبال، تصویر فرانتس بکن باوئر به عنوان بازیکنی قدرتمند و نه تصویری ضد قهرمان و طمع‌کار، برای همیشه باقی خواهد ماند. اسطوره‌ای از تبدیل شدن آلمان از یک کشور مطرود به قدرت تازه فوتبال اروپا.

سر بابی چارلتون



یکی از بزرگان تمام دوران فوتبال انگلیس و یکی از آخرین بازماندگان انگلیس که جام جهانی را بالای سر برد، در سن ۸۶ سالگی پس از زمین خوردن ناگهانی در خانه سالمندان در ۲۱ اکتبر درگذشت. اسطوره منچستریونایتد در روزهای پایانی عمرش به زوال عقل نیز مبتلا شده بود. چارلتون که از سانحه هوایی مونیخ در سال ۱۹۵۸ جان سالم به در برد، به یونایتد کمک کرد تا دو قهرمانی لیگ و اولین جام اروپایی خود را در سال ۱۹۶۸ کسب کند. سر الکس فرگوسن - که انتخاب چارلتون برای سرمربیگری یونایتد در سال ۱۹۸۶ بود - گفت که «بابی بزرگترین بازیکن انگلیسی تمام دوران بوده است». فرگوسن می‌گوید: «پدرم می‌گفت فروتنی در موفقیت، نشانه بزرگی است و این ویژگی بابی بود.»



از هشتمین توپ طلای مسی تا قهرمانی های سیتین ها!

لحظه های به یادماندنی فوتبال جهان در سال ۱۴۰۲

سالنامه

ایمان گودرزی
خبرنگار

در سالی که گذشت اتفاقات زیادی در فوتبال جهان رخ داد که در تاریخ و حافظه فوتبال دوستان برای همیشه ثبت شد. در این مقاله سعی داریم خاطره انگیزترین اتفاقات فوتبالی دنیا در سالی که گذشت را با هم بررسی کنیم:

قهرمانی منچستر سیتی در لیگ قهرمانان اروپا

منچستر سیتی سرانجام در خرداد ماه با شکست ۱-۰ اینترمیلان در فینال، قهرمان اروپا شد. این جامی بود که همه از سیتی و سرمربی بزرگ آنها، پپ گواردیولا، در دوران حضورش در این باشگاه انتظار داشتند. برای اسپانیایی، این سومین قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا پس از دو قهرمانی با بارسلونا بود، اما با سیتین ها فرق داشت و انتظارات برای قهرمانی سیتی در این تورنمنت به یک دستور تبدیل شده بود. آنها که در فصل گذشته برای سومین بار پیاپی قهرمان لیگ شده بودند، با این قهرمانی به سه گانه ای تاریخی برای باشگاه رسیدند و از طرفی قهرمانی در اروپا در راه روی سیتی برای چالش قهرمانی در دو رقابت دیگر باز کرد - سوپر جام یوفا و جام باشگاه های جهان فیفا.

اوسمین مرد شماره یک ناپولی برای شکستن طلسم

ویکتور اوسمین در فصل گذشته بهترین گلزن سری آ شد تا به ناپولی کمک کند اولین قهرمانی خود را در این لیگ از زمانی که دیگومارادونا در لیگ برتر ایتالیا حضور داشت، به ارمغان بیاورد. این مهاجم نیچر به ای در یک فصل درخشان ۲۶ گل به ثمر رساند که توجه باشگاه های بزرگ اروپا را نیز به خودش جلب کرد. ناپولی باید ۳۳ سال صبر می کرد تا یک بار دیگر اسکودتورا بالای سر ببرد و آنها به لطف گل های اوسمین به این افتخار دست یافتند.

مسی و هشتمین توپ طلا

لیونل مسی نیز در سال ۲۰۲۳ از پاریس به اینترمیامی نقل مکان کرد. دوران حضور این بازیکن آرژانتینی در پاری سن ژرمن کاملاً مطابق برنامه پیش نرفت، اما انتقال پر زرق و برق به اینترمیامی با مدیریت دیوید بکهام به ایجاد زیبایی در لیگ برتر فوتبال ایالات متحده کمک کرد. مسی قبل از حضور در آمریکا از نظر باشگاهی در پاریس دو فصل را در خشکسالی گذرانده اما پس از قهرمانی آرژانتین در جام جهانی ۲۰۲۲ در قطر، هشتمین توپ طلای خود را به دست آورد.

سقوط آزاد ناپولی

لوچانو اسپالتی، سرمربی ناپولی پس از کسب عنوان قهرمانی سری آ، بلافاصله این تیم را ترک کرد تا از بازی خارج شود. رودی گارسیا جایگزین این مربی ۶۴ ساله شد که گفته بود خسته است و سرمربی سابق رونالدو قبل از اخراج تنها ۱۶ بازی با ناپولی هادوام آورد. والتر ماتزاری با وجود شایعات ناآرامی در زمین و خارج از زمین، مسئولیت دفاع از عنوان را به صورت ناقص برعهده گرفت - مخصوصاً برای حفاظت از دارایی با ارزش باشگاه یعنی اوسمین، که یک سری از پست های رسانه های اجتماعی را حذف کرد تا ناراحتی خود را در باشگاه ابراز می کرد. اما ناپولی این فصل هیچ رنگ و بویی از قهرمان سال گذشته ندارد مثل اینکه باید گفت بازماندگان مارادونا باز به تنظیمات کارخانه برگشتند!

جهان فوتبال به رنگ آبی آسمانی

منچستر سیتی پس از قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا مجوز حضور در جام باشگاه های جهان را به دست آورد. پیروزی ۲-۰ در نیمه نهایی مقابل اووارد ز ژاپنی به نظر قدم زدن در پارک بود، اما این در مقایسه با فینال چیزی نبود. تیم گواردیولا در سال فینال با در هم کوبیدن ۴-۰ فلومیننزه برزیل به پنجمین جام خودش در یک فصل دست یافت. پس از این قهرمانی نه تنها منچستر، انگلیس و اروپا آبی بود، بلکه جهان نیز آبی شد.

پیروزی سوپر لیگ بر یوفا

در سال ۲۰۲۱، زمانی که خشم هواداران، ۹ باشگاه از ۱۲ باشگاه مؤسس را مجبور به خروج از سوپر لیگ کرد، همه پروژه فلورنتینو پیرز را یک پروژه از دست رفته می دانستند تا اینکه در نهایت امسال دادگاه هر گونه اقدام علیه سوپر لیگ را غیر قانونی دانست و اعلام کرد هیچ منعی برای برگزاری این لیگ وجود ندارد. حالا باید منتظر ماند و دید رویای بلند پروازانه یکی از قدرتمندترین مردان فوتبال جهان یعنی فلورنتینو پیرز به حقیقت تبدیل خواهد شد یا نه؟

عربستان، لیگی برای همه دنیا!

در سال گذشته، تهدیدی خارجی برای فوتبال قاره اروپا صورت گرفت. این پروژه با انتقال کریستیانو رونالدو به النصر کلید خورده بود و در تابستان گذشته سوپر استارهای زیادی از اروپا با وعده های رنگین به این لیگ پیوستند و حالا لیگ پادشاهی یکی از جذاب ترین مسابقات فوتبال جهان را در خود جای داده است. با وجود این یوفا علاوه بر سوپر لیگ باید با عربستان نیز رقابت کند!

حماسه فروش منچستر یونایتد

داستانی که در تمام سال غوغا کرد، فروش منچستر یونایتد بود. می فروشند یا نمی فروشند؟ گلبرها در نوامبر ۲۰۲۲ باشگاه را برای فروش گذاشتند، اما پس از آن شایعاتی مبنی بر حذف علامت «فروش» از روی باشگاه منتشر شد. جیم راتکلیف، تاجر انگلیسی و هوادار یونایتد، در دی ماه با خرید ۲۵ درصد سهام باشگاه و به عهده گرفتن کنترل نقل و انتقالات به تسلط گلبرها روی این تیم پایان داد.



نقشه راه رسیدن به رئال مادرید

رئالی هادر انتظار تابستان ۱۴۰۳

گزارش

ایمان گودرزی

روزنامه نگار

۷ فصل حضور در پی اس جی، امباپه بهترین گلزن تاریخ باشگاه، حالا در آستانه انتقال به رئال مادرید، باشگاهی است که از کودکی رؤیای پوشیدن پیراهن آن را داشته است.

رئال مادرید این بار با انرژی بیشتر

رئال هیچ وقت تمایل خود را برای آوردن او به سانتیاگو برنابئو پنهان نکرده است. در سال‌های ۲۰۱۹، ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، فلورنتینو پرز، رئیس باشگاه، به فکر جذب او بود، اما هر بار رد شد. برای پاری سن ژرمن، جدایی ستاره اصلی آنها، یک سال پس از جدایی نیمار و لیونل مسی، آغاز دوره جدیدی از آینده‌ای نامشخص است. شاید قبلاً بارها در مورد انتقال کیلیان امباپه به رئال مادرید شنیده بودید اما این بار واقعاً شنیدن این جملات فرق دارد. کلماتی که دنیای فوتبال به عنوان تیتروسانه‌های بزرگ بارها دیده بود، این بار با انرژی تازه بازگشته است. چیزی که در مورد اتفاقات تابستان پیش رو وجود دارد کاملاً متفاوت به نظر می‌رسد. اعلام رسمی به باشگاه مبنی بر جدایی از پاریس و تغییر نکردن موضع رئال مادرید با این دیدگاه که این آخرین فرصت برای رئالی شدن این بازیکن خواهد بود نشان دهنده این است که بالاخره زمان اوج گرفتن به سمت آرزوها فرا رسیده است.

مذاکرات در جریان است

پس از اینکه امباپه به صورت رسمی به باشگاه اعلام کرد که در پایان فصل از این تیم جدا می‌شود، رئال مادرید جدی‌تر از همیشه مذاکره با این بازیکن و نمایندگان او را پیگیری می‌کند. به نظر نمی‌رسد که رسیدن به توافق کاری سختی باشد و فقط جزئیات هستند که می‌توانند توافق را نهایی کنند، این فقط موضوع زمان است و انتظار نمی‌رود زمان زیادی طول بکشد. به هر حال، امضای قرارداد با رئال مادرید مستلزم یک سازش اقتصادی بزرگ از سوی بازیکن است. گفته می‌شود که کهکشانی‌ها به امباپه دستمزد پایه فقط ۱۵ میلیون یورو پیشنهاد می‌دهند اما باند‌های پاداش و حق تصویر، کاستی‌های دستمزد را جبران می‌کنند.

کمربندها را ببندید

امباپه از سران پاریس درخواست کرده که پیشنهاد دیگری برای تمدید به این بازیکن ارائه نکنند زیرا در تصمیم برای جدایی از این تیم مصمم است. چیزی که مشخص است نقشه راه کیلیان به خوبی هر چه تمام‌تر در حال سپری شدن است و می‌توان گفت رئالی‌ها تابستان ۱۴۰۳ خوشبخت‌ترین هواداران فوتبالی در جهان خواهند بود.

شاید این تکراری‌ترین جمله برای هواداران رئال مادرید باشد اما کیلیان امباپه این تابستان رئالی خواهد شد! سریالی ۷ ساله که هر سال به یک بهانه این انتقال صورت نمی‌گرفت، مثل اینکه حالا به قسمت آخر رسیده است. همه چیز از تابستان ۱۴۰۲ شروع شد. این بازیکن ۲۵ ساله که در سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۴ تمدید کرده بود اما تابستان گذشته از فعال کردن بندی که به او اجازه می‌داد یک سال دیگر در پاری سن ژرمن بماند، خودداری کرد. کیلیان امباپه در جلسه‌ای با سران پاریس به آنها اعلام کرد که بند تمدید اختیاری قراردادش را تا سال ۲۰۲۵ فعال نخواهد کرد. همین مسأله باعث عصبانیت شدید پارک دو پرنس شد، به حدی که او ابتدا برای تمرین به تیم نامطلوب‌های پاریس فرستاده شد و در گام بعدی غضب باشگاه از تور پیش فصل ژاپن خط خورد.

بازگشت به ترکیب

پس از بازگشت تیم از اردوی پیش فصل ژاپن طی جلسه‌ای که این بازیکن با ناصر خلیفی داشت قرار شد امباپه با بخشیدن بند ۸۰ میلیونی پاداش وفاداری به تیم اصلی بازگردد که با موافقت سران قطری همراه شد و مرد شماره یک تاریخ این باشگاه بار دیگر اجازه تمرین با نفرات اصلی را به دست آورد و زیر نظر لوئیز انریکه به تمرین پرداخت.

امیدواری برای تمدید

یکی از دلایلی که خلیفی راضی به بخشش امباپه شد این بود که شاید بتواند در طول فصل او را برای ماندن در تیم و تمدید راضی کند، هر چه به پایان سال ۲۰۲۳ نزدیک می‌شد مرد قطری خوب می‌دانست که یک قدم به از دست دادن فوق ستاره خود و شاید بهترین بازیکن حال حاضر جهان نزدیک می‌شود، همان‌طور که انتظار می‌رفت، توافق با امباپه تا پایان سال ۲۰۲۳ صورت نگرفت و این بازیکن در نهایت در دی ماه بازیکن آزاد شد. همه چیز بیانگر یک موضوع بود؛ او رؤیای سفیدپوش شدن را از سر بیرون نکرده است.

بخشید من اینجا نمی‌مانم!

کاپیتان تیم ملی فرانسه، در ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) به سران پاریس اعلام کرد که قصد دارد زمانی که قراردادش در پایان فصل منقضی شود، این تیم را ترک کند. امباپه با انتقال رایگان این تیم را ترک خواهد کرد، اما ضربه به باشگاه با توافقی که تابستان گذشته انجام شد، کاهش خواهد یافت، زیرا طبق توافقی که صورت گرفته بازیکن از پاداشی بین ۶۰ تا ۷۰ میلیون یورو (۶/۶ تا ۷۶/۶ میلیون دلار) چشم‌پوشی خواهد کرد. پس از



تابستان ۱۴۰۳ با یورو ۲۰۲۴

هیجان سبز با مدعیان پر تعداد قهرمانی

UEFA EURO 2024

فرخ حسابی
روزنامه نگارگروه بندی کامل
تیم های حاضر در
یورو ۲۰۲۴**گروه A:**
آلمان (A1)، اسکاتلند (A2)، مجارستان (A3) و سوییس (A4)**گروه B:**
اسپانیا (B1)، کرواسی (B2)، ایتالیا (B3) و آلبانی (B4)**گروه C:**
اسلوانی (C1)، دانمارک (C2)، صربستان (C3) و انگلیس (C4)**گروه D:**
برنده پلی آف (D1)، آ (D2)، اتریش (D3) و فرانسه (D4)**گروه E:**
بلژیک (E1)، اسلواکی (E2)، رومانی (E3) و برنده پلی آف (E4)**گروه F:**
ترکیه (F1)، برنده پلی آف (F2)، C (F3) و پرتغال (F4) و جمهوری چک (F4)

ملت ها را به کارنامه خود اضافه کند، افتخاری که در سال ۲۰۱۶ آن را به دست آورد.

برنامه بازی های پلی آف:

پلی آف A: لهستان-استونی مقابل برنده ولز-فنلاند
پلی آف B: رژیم صهیونیستی-ایسلند مقابل برنده بوسنی-اوکراین
پلی آف C: گرجستان-لوکزامبورگ مقابل برنده یونان-قزاقستان

برنامه کامل بازی ها

مرحله گروهی

جمعه ۲۵ خرداد

آلمان-اسکاتلند (مونیک؛ ۲۲:۳۰ به وقت تهران)

شنبه ۲۶ خرداد

اسپانیا-کرواسی (برلین؛ ۲۰:۳۰)

ایتالیا-آلبانی (دورتموند؛ ۲۲:۳۰)

مجارستان-سوییس (کلن؛ ۱۶:۳۰)

یکشنبه ۲۷ خرداد

صربستان-انگلیس (گلزن کرشن؛ ۲۳:۳۰)

برنده پلی آف A-هلند (هامبورگ؛ ۱۶:۳۰)

اسلوانی-دانمارک (اشتوتگارت؛ ۱۹:۳۰)

دوشنبه ۲۸ خرداد

اتریش-فرانسه (دوسلدورف؛ ۲۳:۳۰)

بلژیک-اسلواکی (فرانکفورت؛ ۱۹:۳۰)

رومانی-برنده پلی آف B (مونیک؛ ۱۶:۳۰)

سه شنبه ۲۹ خرداد

پرتغال-کرواسی (لایپزیگ؛ ۲۳:۳۰)

ترکیه-برنده پلی آف C (دورتموند؛ ۱۹:۳۰)

چهارشنبه ۳۰ خرداد

کرواسی-آلبانی (هامبورگ؛ ۱۶:۳۰)

اسکاتلند-سوییس (کلن؛ ۲۲:۳۰)

آلمان-مجارستان (اشتوتگارت؛ ۱۹:۳۰)

پنجشنبه ۳۱ خرداد

اسپانیا-ایتالیا (گلزن کرشن؛ ۲۲:۳۰)

دانمارک-انگلیس (فرانکفورت؛ ۱۹:۳۰)

اسلوانی-صربستان (مونیک؛ ۱۶:۳۰)

جمعه اول تیر

برنده پلی آف A-اتریش (برلین؛ ۱۹:۳۰)

هلند-فرانسه (لایپزیگ؛ ۲۲:۳۰)

اسلواکی-برنده پلی آف B (دوسلدورف؛ ۱۶:۳۰)

شنبه ۲ تیر

برنده پلی آف C-جمهوری چک (هامبورگ؛ ۱۶:۳۰)

ترکیه-پرتغال (دورتموند؛ ۱۹:۳۰)

بلژیک-رومانی (کلن؛ ۲۲:۳۰)

یکشنبه ۳ تیر

سوییس-آلمان (فرانکفورت؛ ۲۲:۳۰)

اسکاتلند-مجارستان (اشتوتگارت؛ ۲۲:۳۰)

دوشنبه ۴ تیر

کرواسی-ایتالیا (لایپزیگ؛ ۲۲:۳۰)

آلبانی-اسپانیا (دوسلدورف؛ ۲۲:۳۰)

سه شنبه ۵ تیر

هلند-اتریش (برلین؛ ۱۹:۳۰)

فرانسه-برنده پلی آف A (دورتموند؛ ۱۹:۳۰)

انگلیس-اسلوانی (کلن؛ ۲۲:۳۰)

دانمارک-صربستان (مونیک؛ ۲۲:۳۰)

چهارشنبه ۶ تیر

جمهوری چک-ترکیه (هامبورگ؛ ۲۲:۳۰)

برنده پلی آف C-پرتغال (گلزن کرشن؛ ۲۲:۳۰)

اسلواکی-رومانی (فرانکفورت؛ ۱۹:۳۰)

برنده پلی آف B-بلژیک (اشتوتگارت؛ ۱۹:۳۰)

مرحله یک هشتم نهایی

شنبه ۹ تیر

بازی ۳۷: تیم اول گروه A-تیم سوم گروه C (دورتموند؛ ۲۲:۳۰)

بازی ۳۸: تیم دوم گروه A-تیم دوم گروه B (برلین؛ ۱۹:۳۰)

یکشنبه ۱۰ تیر

بازی ۳۹: تیم اول گروه B-تیم سوم یکی از گروه های A، A، D، E یا F (کلن؛ ۲۲:۳۰)

بازی ۴۰: تیم اول گروه C-تیم سوم یکی از گروه های D، D، E یا F (گلزن کرشن؛ ۱۹:۳۰)

دوشنبه ۱۱ تیر

بازی ۴۱: تیم اول گروه F-تیم سوم یکی از سه گروه A، A، B یا C (فرانکفورت؛ ۲۲:۳۰)

بازی ۴۲: تیم دوم گروه D-تیم دوم گروه E (دوسلدورف؛ ۱۹:۳۰)

سه شنبه ۱۲ تیر

بازی ۴۳: تیم اول گروه E-تیم سوم یکی از گروه های A، A، B، C یا D (مونیک؛ ۱۹:۳۰)

بازی ۴۴: تیم اول گروه D-تیم دوم گروه F (لایپزیگ؛ ۲۲:۳۰)

مرحله یک چهارم نهایی

جمعه ۱۵ تیر

بازی ۴۵: برنده بازی ۳۹-برنده بازی ۳۷ (اشتوتگارت؛ ۱۹:۳۰)

بازی ۴۶: برنده بازی ۴۱-برنده بازی ۴۲ (هامبورگ؛ ۲۲:۳۰)

شنبه ۱۶ تیر

بازی ۴۷: برنده بازی ۴۳-برنده بازی ۴۴ (برلین؛ ۲۲:۳۰)

بازی ۴۸: برنده بازی ۴۰-برنده بازی ۳۸ (دوسلدورف؛ ۱۹:۳۰)

مرحله نیمه نهایی

سه شنبه ۱۹ تیر

بازی ۴۹: برنده بازی ۴۵-برنده بازی ۴۶ (مونیک؛ ۲۲:۳۰)

چهارشنبه ۲۰ تیر

بازی ۵۰: برنده بازی ۴۷-برنده بازی ۴۸ (دورتموند؛ ۲۲:۳۰)

فینال

یکشنبه ۲۴ تیر

برنده بازی ۴۹-برنده بازی ۵۰ (برلین؛ ۲۲:۳۰)



لیورپول یا بایرن مونیخ، کدام باشگاه بهتر است؟ ژابی آلونسو؛ تحت تعقیب!

گزارش

ایمان گودزی
روزنامه نگار

این خطر وجود دارد که قبل از اینکه فصل با قهرمانی تیمی جز بایرن مونیخ (از سال ۲۰۱۲) به پایان برسد، دعوا بر سر جذب سرمربی موفق لورکوزن به بالاترین حد خود برسد. ابتدا برای اینکه قهرمان شدن تیمی به جز بایرن در بوندس لیگا را درک کنید، بهتر است بدانید آخرین باری که تیمی جز بایرن به لیگ آلمان رسید، تیک تاک وجود نداشت و جود بلینگام ۹ ساله بود!

اگر بایرلورکوزن قهرمان شود به هیچ وجه نباید دستاورد بزرگ ژابی آلونسو دست کم گرفته شود، دقیقاً به همین دلیل است که قبل از پایان فصل و حتی قبل از قطعی شدن قهرمانی او، مشتریان زیادی بیرون از باشگاه لورکوزن با برکه قرارداد منتظر او هستند. در حال حاضر دو باشگاه زمان بازیگری او یعنی بایرن و لیورپول به دنبال سرمربی جدید برای فصل آینده هستند. کلپ پیش از این اعلام کرده که پایان فصل از این تیم جدا خواهد شد و از طرفی سران بایرن اعلام کردند همکاری با توخل زودتر از زمان قرارداد به پایان خواهد رسید. با وجود این دو مشتری باید دید کدام مسیر منطقی‌تر به حساب می‌آید؟

کنی دالگلیش خواهد شد و مسلماً متحول‌کننده‌ترین آنها از زمان بیل شنکلی است. همانطور که دیوید مویس و اونای امری به شما می‌گویند، جانشین فوری یک نسل افسانه‌ای شدن آخرو عاقبت خوبی ندارد.

در بایرن، کسب عنوان قهرمانی در لیگ یک عنوان کاملاً معمولی به حساب می‌آید، در حالی که دوم شدن لیورپول در لیگ برتر انگلیس فاجعه‌آمیز تلقی نمی‌شود، به ویژه در شرایطی که منچسترسیتی هر سال در حال قهرمان شدن است.

راه سوم

در واقع، اوسه گزینه دارد: می‌تواند به سادگی از لیورپول و بایرن برای علاقه‌شان تشکر کند، در لورکوزن بماند و به کار خوب خود در آنجا ادامه دهد. گفته می‌شود او در ۴۲ سالگی عجله خاصی برای یک پرواز بلند ندارد. که با توجه به اینکه او اولین فصل کاملش را با لورکوزن پشت سر می‌گذارد بسیار منطقی به نظر می‌رسد.

هدایت تیم‌های بزرگی مثل لیورپول و بایرن فرصت‌های بزرگی را پیش روی شما می‌گذارند که شاید به این زودی‌های دوباره به وجود نیاید اما شاید باید آوردن سرنوشت آندره ویلاس بواس تصمیم بهتری از طرف آلونسو گرفته شود. ویلاس بواس در اولین فصل کامل مربیگری خود در پورتو در فصل ۲۰۱۰-۲۰۱۱ سه‌گانه راه دست آورد، در تابستان و در سن ۳۳ سالگی به چلسی رفت و در عرض ۹ ماه اخراج شد و کم‌کم از سطح اول فوتبال جهان محو شد.

سناریوها متفاوت است. باید منتظر ماند و دید ژابی آلونسو بین یک عمارت مجلل، یک پنت‌هاوس در بالاترین نقطه برج و یا خانه‌ای کوچک اما راحت و بی‌دغدغه که در ۱۴ ماه گذشته ساخته کدام را انتخاب می‌کند.

اسکوادها

در مجموع لیورپول اسکواد بهتری نسبت به بایرن دارد. در واقع اسکواد اصلی آنها آلیسون، ویرجیل فن دایک، ترنت الکساندر-آرنولد، محمد صلاح بهتر از چیزی هستند که در بیشتر باشگاه‌ها، نه فقط بایرن، پیدا می‌کنید. قهرمانان آلمان به وضوح بازیکنان درخشانی دارند، از جمله بهترین شماره ۹ جهان هری کین، به علاوه جمال موسیالا، جاشوا کیمبچ و آلفونسو دیویس اما کیفیت کلی تیم پایین‌تر است، نکته‌ای که نتایج بی‌تفاوت اخیر آنها بیانگر آن است.

قدرت خرج کردن

از نظر قدرت خرج کردن می‌توان گفت هر دو تیم به اندازه کافی توانمند هستند و تاریخ نشان داده هر زمان بازیکنی را واقعاً بخواهند هر کاری برای شکست دادن مشتریانش انجام خواهند داد.

ارتباط عاطفی

هر دو باشگاه این استدلال را دارند که از دیگری برتری دارند. آلونسو پنج فصل را در لیورپول (۲۰۰۹-۲۰۰۴) بازی کرد و بعداً سه فصل در مونیخ (۲۰۱۷-۲۰۱۴) داشت و ظاهراً وابستگی خوبی به هر دو شهر داشت. او احتمالاً در لیورپول محبوب‌تر است، جایی که او یکی از بخش‌های کلیدی تیمی بود که به طور غیرمنتظره‌ای قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شد.

چالش و فشار

یکی از نکات کلیدی انتخاب بایرن می‌تواند این باشد که آلونسو در بایرن جایگزین ناگلزمن و توخلی خواهد شد که عملکرد و موفقیت چشمگیری نداشتند و این همان جایی است که نقطه ضعف کلیدی لیورپول در آن نهفته است، او جانشین محبوب‌ترین سرمربی آنها از زمان سر





دومینوی جذاب نیمکت‌های بزرگ در راه است طوفانی که کلوپ و ژاوی به راه انداختند

گزارش

فرخ حسابی
روزنامه نگار

سال ۱۴۰۲ در اوج رقابت‌های پنج لیگ برتر فوتبال اروپا، اتفاقی افتاد که در همه سال‌های گذشته بی نظیر یا کم سابقه بود.

یورگن کلوپ، سرمربی موفق لیورپول ناگهان و به طور شوکه کننده‌ای اعلام کرد که این فصل، آخرین فصل حضور او در آنفیلد خواهد بود و دیگر قصد ندارد به کار خود در این تیم ادامه دهد. او در شرایطی این حرف را زد که تیمش در صدر جدول لیگ برتر قرار داشت و نمایش‌های دلپذیری تا اینجا فصل از خود به نمایش گذاشته است. محبوبیت کلوپ هم از سال ۲۰۱۵ که به لیورپول پیوسته، نزد هواداران این تیم نه تنها ذره‌ای کم نشده بلکه روز به روز در حال افزایش است اما او گفت به دلیل خستگی دیگر نمی‌تواند ادامه دهد و ترجیح می‌دهد مدتی دور از فوتبال باشد.

لطف ژاوی به بارسا

از سوی دیگر، ژاوی هرئاندس سرمربی بارسلونا هم در اوج رقابت‌های لالیگا اعلام کرد که فصل آینده در بارسا نخواهد بود و قطعاً از این تیم جدا می‌شود. او ابراز خستگی نکرد اما روند نوسانی نتیجه‌گیری تیمش و دور شدن از قهرمانی لالیگا باعث شد ژاوی تصمیم بگیرد دست مدیران باشگاه را برای انتخاب یک مربی جدید و ایجاد تغییر در باشگاه بارسلونا باز بگذارد. ژاوی با انتقادهای زیادی روبه‌رو شد و با اینکه همچنان بابت اسطوره بودن در بارسا محبوبیت زیادی دارد اما در زمینه مربیگری به نقطه‌ای رسید که هواداران بارسا هم از شنیدن خبر جدایی‌اش چندان ناراحت نشدند.

بایرن مونیخ، غول سوم

اما سونامی جدایی مربیان تیم‌های بزرگ اروپا همینجا به پایان نرسید. بایرن مونیخ در پی کسب نتایج ضعیف با توماس توخل و زیاد شدن فاصله این تیم با بایرلورکوزن صدرنشین بوندس لیگا تصمیم به اعلام قطع همکاری با توخل در پایان فصل گرفت. مدیران بایرن به این نتیجه رسیدند که بعد از ۱۱ فصل قهرمانی متوالی در بوندس لیگا این فصل باید با این عنوان خداحافظی کنند و هرچند هنوز چیزی قطعی نشده اما با توافق با توخل به او اعلام کردند که پروژه آنها با این مربی جلو نخواهد رفت.

حالا سه باشگاه بزرگ اروپا برای تابستان بدون مربی خواهند بود. به این فهرست می‌توانید چلسی را هم اضافه کنید که احتمالاً با مائورسیو پوچتینو ادامه نخواهد داد و به دنبال یک مربی دیگر است. از طرف دیگر تیم ملی آلمان هم با یولیان ناگلزمن تا پایان جام ملت‌های اروپا قرارداد بسته و در صورتی که با این مربی به موفقیت نرسد، ژرمن‌ها هم به دنبال یک مربی بزرگ خواهند بود. البته که احتمال تغییر در کادر فنی منچستر یونایتد و میلان و حتی شاید تیم ملی آمریکا نیز وجود دارد.

این دومینو ادامه دارد

قرارداد گرت ساوت گیت با تیم ملی انگلیس نه در تابستان بلکه در دسامبر ۲۰۲۴ به پایان می‌رسد اما انگلیسی‌ها قصد دارند زودتر تکلیف سرمربی جدید خود را معرفی کنند و شاید این تابستان اتحادیه فوتبال انگلیس هم وارد بازار جذب مربی بزرگ در فوتبال اروپا شود. دیدیه دشان هم در تیم ملی فرانسه سیزدهمین سال خود را سپری می‌کند و به نظر می‌رسد که حکومت او در جمع خروس‌ها نیز بالاخره به پایان برسد.

دومینوی تغییر مربیان اما همچنان ادامه دارد و به این تیم‌ها باید نیوکاسل ثروتمند را اضافه کنیم که مالکان سعودی آن از اینکه تیم‌شان با ادی هاو در میانه جدول لیگ برتر انگلیس باشد و هیچ جامی نبرد اصلاً راضی نیستند. به سراغ ایتالیا هم اگر برویم می‌بینیم که رم با دانیهل دروسی تا ماه ژوئن قرارداد بسته و ناپولی نیز همین وضعیت را با والتر ماتزاری دارد و در میلان هم استفانو پیولی در چند ماه اخیر بشدت تحت فشار قرار گرفته است.

اگر همه اینها برای اینکه به این نتیجه برسید که تابستان ۱۴۰۳ از نظر تغییر مربیان، بی نظیر بوده و هست، این را هم اضافه کنید که لیونل اسکالونی سرمربی جذاب تیم ملی آرژانتین هم بشدت به دنبال آن است که بعد از رقابت‌های کوپا آمریکا در تابستان از سمت خود کنار برود و در تیم قهرمان جام جهانی نیز باید به دنبال یک جانشین بزرگ باشد.

جذاب‌ها و بیرون گود مانده‌ها

از سوی دیگر، مربیانی چون روبرتو دی زری، اونای امری و مهم‌تر از همه، ژابی آلونسو با توجه به عملکرد خوب‌شان احتمالاً در لیست بسیاری از تیم‌های بزرگ قرار دارند.

مربیان بزرگی که خارج از گود مانده‌اند مثل ژوزه مورینیو، هانسی فلیک، آنتونیو کونته، گراهام پتر و... دیگر دوباره وارد بازار خواهند شد و به همین دلیل آنچه در نقل و انتقالات تابستانی رخ خواهد داد این بار در زمینه مربیان شاید بازاری به مراتب داغ‌تر از بازار نقل و انتقالات مهاجمان، هافبک‌ها، مدافعان و دروازه‌بانان را رقم خواهد زد.

این یک «دومینوی بزرگ» است که کلوپ و ژاوی آن را استارت زدند و به نظر می‌رسد عواقب آن طوفان سهمگین و البته جذابی را روی نیمکت‌های بزرگ فوتبال جهان رقم بزند.

رکورد خارق العاده کینگ جیمز، افسانه زنده بسکتبال جهان خیلی ها منتظر زمین خوردن من بودند

گزارش

فرخ حسابی
روزنامه نگار

نواخ همیشه در ورزش جهان ماندگارند؛ آنهایی که با نمایش جادویی خود و قدرت و تکنیک و خلاقیت شان، تماشاگران را مسحور می کنند. این نبوغ اما وقتی با ثبت رکوردهای تاریخی همراه باشد، ماندگاری نام آنها در کتاب تاریخ ورزش ابدی و مکتوب نیز خواهد بود.

لبران جیمز، یکی از این نواخ تاریخ ساز و رکوردشکن است. فوق ستاره آمریکایی بسکتبال جهان در ۳۹ سالگی به اولین بازیکن در تاریخ NBA (لیگ بسکتبال حرفه ای آمریکا) تبدیل شد که توانسته بیش از ۴۰۰۰۰ امتیاز در این رقابت ها به دست بیاورد.

او این رکورد را در تاریخ ۱۳ اسفند و در جریان بازی تیمش لس آنجلس لیکرز مقابل دنور ناگتزو در کوارتر دوم این مسابقه به نام خود ثبت کرد. وقتی او به امتیاز چهل هزارم خود رسید عدد ۴۰۰۰۰ روی اسکوربورد ورزشگاه کریپتو آرنانش بست تا اهمیت این لحظه تاریخی به هواداران حاضر در ورزشگاه نشان داده شود.

با ثبت این آمار، لبران از رکورد کریم عبد الجبار بسکتبالیست اسطوره ای آمریکا عبور کرد. عبد الجبار ۷۶ ساله که چیزی حدود چهار دهه این رکورد را در دست داشت از رکوردشکنی لبران استقبال کرد و نوشت: «کسی بهتر از لبران برای شکستن این رکورد وجود نداشت. او به چیزی که لیاقتش را داشت و برای آن سخت جنگید، رسید.»

لبران بعد از این رکوردشکنی با انتشار تصویری در اینستاگرام خود آن را جشن گرفت. او حالا تبدیل شده به یک افسانه زنده که همچنان مشتاقان بسکتبال در سراسر جهان می توانند از تماشای او و عملکردش زیرسید بسکتبال لذت ببرند.

صحبت با لبران ۱۸ ساله

وقتی از لبران سؤال شد که اگر می توانستی با خودت در ۱۸ سالگی صحبت کنی، چه صحبتی با او داشتی؟ غول ۲۰۳ سانتیمتری بسکتبال جهان اینطور جواب داد: «واقعیت این است که به لبران ۱۸ ساله هیچ چیز نمی گفتم چون او مستقلیت سنگینی در آن سن بر شانه هایش بود و البته طرز فکر درستی داشت. او در موقعیتی قرار داشت که آرزوی منم می گفتم هیچ ۱۸ ساله ای در آن قرار نگیرد! اما او مغز خوبی برای درک آن شرایط داشت.»

تربیت و آموزش درست

جیمز توصیف خود در مورد لبران ۱۸ ساله را اینطور ادامه داد: «او توسط مادرش درست تربیت شده بود و توسط مربیانش در لیگ های پایین درست آموزش داده شده بود. دوستانش روی او حساب می کردند و بانوی جوانی سرراشش قرار گرفت که نگذاشت از هدفش دور شود. لبران به خودش گفت اگر می خواهی برای خودت اسمی دست و پا کنی و نام خانوادگی ات ماندگار کنی تهاراهی که وجود دارد این است که متمرکز باشی و همه توانت را در مسیر هدفت بگذاری.»

منتظر شکست من بودند

اما حرف های لبران کمی تلخ شد. همه چیز آنطور که او آرزو می کرد پیش نرفت و خودش بر این باور است که دوست داشتند ناکامی و شکست او را ببینند: «به جز خانواده و دوستانم و بعضی از همشهری هایم، صادقانه بگویم که بقیه همه می خواستند شکست و تحقیر من را از وقتی که پا به NBA گذاشتم، ببینند.» با این وجود، لبران جیمز تبدیل شد به یکی از پرافتخارترین و بزرگترین بازیکنان تاریخ NBA که بدون شک در بحث های مربوط به اینکه چه کسی بهترین بازیکن تاریخ بسکتبال است، نام او وجود دارد و طرفداران پر تعدادش سرسختانه او را بهترین همه ادوار NBA و بسکتبال می دانند. «کینگ جیمز» شناخته شده ترین لقب

لبران است اما پادشاه بسکتبال جهان فهرستی باورنکردنی از ۱۰۰ لقب دارد که عناوین مثبت و منفی در آن از سوی هواداران و دشمنانش به چشم می خورد. جادوگر اکرون (شهر زادگاه او)، امپراتور عالی ترین ها، جیمز متکبر، لبران فیک، نابودگر، معمار و... برخی از القاب لبران هستند. هرچه که هست، کینگ جیمز بی رقیب در کتاب تاریخ بسکتبال و ورزش جهان، نامی جاودانه دارد.

شهر محرم
شهر کربلا
شهر ابراهیم



ایران



مژده ای سطران ماه خدا آمده است

